



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

اسرار و حقائق

رفیق الدین رفیق

ظہورِ حق و معجزات و معارفِ نبوی و انبیاء
حضرت زہرا در سورہ قدر و کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اسرار فاطمیه (سر مستودع)

نویسنده:

رفیع الدین سید جعفر رفیعی

ناشر چاپی:

خورشید هدایت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	اسرار فاطمیه (سر مستودع)
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	اهداء:
۱۵	فهرست مطالب
۲۳	مقدمه
۲۹	تأویل
۳۳	فصل اول: زندگی نامه حضرت فاطمه علیها..السلام
۳۳	اشاره
۳۴	مختصری از زندگی فاطمه زهرا علیها..السلام
۳۶	معرفت فاطمیه علیها..السلام
۳۹	تبری از دشمنان فاطمه علیها..السلام
۴۵	فصل دوم: فضیلت و سرّ سوره مبارکه قدر
۴۵	اشاره
۵۰	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...
۵۳	فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ
۵۳	اشاره
۵۶	حکایت
۵۷	وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ.....
۶۷	لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.....
۹۵	اتحاد نوری فاطمه زهرا علیها..السلام با دیگر ائمه معصومین علیهم..السلام
۹۸	تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ
۱۰۹	سَلَامٌ هِيَ... ..

۱۲۵	حَتَّىٰ مَطَلْعِ الْفَجْرِ
۱۲۹	فصل سوم: سز آياتی از سوره مبارکه دخان
۱۲۹	اشاره
۱۳۰	سز آياتی از سوره دخان
۱۴۳	فصل چهارم: سز سوره مبارکه کوثر
۱۴۳	اشاره
۱۴۴	إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ
۱۴۵	الكوثر
۱۵۰	فَضَلَّ لِرَبِّكَ - وَأُنْحَزْ -
۱۵۳	إِنَّ شَانِيكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ -
۱۵۸	دعایی از حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام جهت حاجت
۱۶۱	فصل پنجم: مصحف و لوح فاطمه علیها...السلام
۱۶۱	اشاره
۱۶۲	مصحف فاطمه علیها...السلام
۱۶۴	لوح فاطمه
۱۶۹	فصل ششم: فضیلت و آثار حدیث کساء
۱۶۹	اشاره
۱۷۰	مقدمه
۱۷۲	فضیلت اول
۱۷۲	خلقت نورانی آل کسا
۱۷۳	فضیلت دوم
۱۷۳	اصحاب کساء نخستین مخلوقاتند
۱۷۵	فضیلت سوم
۱۷۵	ولایت اصحاب کسا را بر اشیاء عرضه می دارند
۱۷۶	فضیلت چهارم
۱۷۶	اصحاب کسا پیش از هر کسی وارد بهشت می شوند

- ۱۷۷ ----- فضیلت پنجم
- ۱۷۷ ----- اصحاب کسا در حظیره ..
- ۱۷۷ ----- فضیلت ششم
- ۱۷۷ ----- آل عبا در هر حالتی اجازه ورود به مسجد را دارند -
- ۱۷۷ ----- فضیلت هفتم
- ۱۷۷ ----- آل عبا را بهشت مأواست -
- ۱۷۸ ----- فضیلت هشتم
- ۱۷۸ ----- فاطمه علیها..السلام تکیه گاه علی علیه..السلام است
- ۱۷۸ ----- فضیلت نهم
- ۱۷۸ ----- نور حق بر فاطمه علیها..السلام تابیده است -
- ۱۷۹ ----- فضیلت دهم -
- ۱۷۹ ----- اصحاب کسا بهترین مخلوقاتند -
- ۱۸۰ ----- فضیلت یازدهم -
- ۱۸۰ ----- خداوند فاطمه علیها..السلام را بر دیگر بانوان مقدم داشته است
- ۱۸۰ ----- فضیلت دوازدهم -
- ۱۸۰ ----- فرمانبرداری از آنان بر کائنات فرض است -
- ۱۸۳ ----- فضیلت سیزدهم -
- ۱۸۳ ----- روز جزا فاطمه علیها..السلام سواره به محشر قدم می نهد -
- ۱۸۴ ----- فضیلت چهاردهم ..
- ۱۸۴ ----- فاطمه علیها..السلام در شکم با مادر خود سخن می گوید -
- ۱۸۵ ----- فضیلت پانزدهم -
- ۱۸۵ ----- فاطمه علیها..السلام در زیر عرش خداوندی است -
- ۱۸۵ ----- فضیلت شانزدهم ..
- ۱۸۵ ----- سلام و درود بر فاطمه علیها..السلام پاداشی مخصوص دارد -
- ۱۸۶ ----- فضیلت هفدهم -
- ۱۸۶ ----- حنوط و کافور فاطمه علیها..السلام از بهشت فرود آمد -

- ۱۸۶ فضیلت هیجدهم
- ۱۸۶ جنگ و صلح یا اصحاب کسا جنگ و صلح یا خداست
- ۱۹۲ فضیلت نوزدهم
- ۱۹۲ اصحاب کسا برترین مخلوقاتند
- ۱۹۳ فضیلت بیستم
- ۱۹۳ اصحاب کسا در بهشت در یک سرا جای دارند
- ۱۹۴ فضیلت بیست و یکم
- ۱۹۴ اصحاب کساء میزان اعمالند
- ۱۹۵ فضیلت بیست و دوم
- ۱۹۵ خمسۀ طیبه در داستان کشتی نوح علیه السلام
- ۱۹۷ فضیلت بیست و سوم
- ۱۹۷ توسل پیدا نمودن زکریای پیامبر به خمسۀ طیبه
- ۱۹۸ فضیلت بیست و چهارم
- ۱۹۸ خداوند درود خود را بر خمسۀ طیبه همراه با سببی فرو می فرستد
- ۱۹۹ فضیلت بیست و پنجم
- ۱۹۹ دوستی آل عبا بر مخلوقات عرضه می شود
- ۲۰۰ فضیلت بیست و ششم
- ۲۰۰ صلوات بر آل عبا
- ۲۰۴ تتمه در فضیلت ها
- ۲۱۷ منتخب طریحی و حدیث کساء
- ۲۱۸ عروه الوثقی و حدیث کساء
- ۲۱۸ سفارش آیت الله طیب زاده رحمه الله به خواندن حدیث کساء
- ۲۱۹ نظر آیت الله قزوینی درباره حدیث کساء
- ۲۲۰ نظر عارف روشن ضمیر مولوی قندهاری
- ۲۲۰ حدیث کساء و برکت کسب
- ۲۲۱ توسل دیگر

- ۲۲۱ ----- حضور امام عصر علیه...السلام در مجلس حدیث شریف کساء
- ۲۲۲ ----- شفای نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی
- ۲۲۳ ----- شفای جوان مسیحی مبتلا به سرطان خون
- ۲۲۴ ----- شفای دختر هیجده ساله
- ۲۲۶ ----- مرقومه حضرت آیهاالله سید شهاب الدین نجفی مرعشی رحمه...الله
- ۲۲۷ ----- سند حدیث شریف کساء
- ۲۴۴ ----- درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: رفیعی، رفیع الدین سیدجعفر، ۱۳۴۹ -

عنوان و نام پدیدآور: اسرار فاطمیه «سر مستودع» [کتاب] / مولف رفیع الدین سیدجعفر رفیعی.

مشخصات نشر: قم: خورشید هدایت، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ ص.:: نمونه؛ ۲۱×۵/۱۴ اس م.

شابک: ۷۷۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۶-۵۳-۷۳

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- جنبه های قرآنی

موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ ق. -- احادیث

رده بندی کنگره: BP۱۰۴/ف۱۷ ر ۱۳۹۳۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۰۴۰۱۴

ص: ۱

اشاره

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: ۲

رفیعی، رفیع الدین سید جعفر رفیعی، ۱۳۴۹-

اسرار فاطمیه / مولف رفیع الدین سید جعفر رفیعی.

قم: خورشید هدایت، ۱۳۹۳.

۲۲۴ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۶-۵۷۳-۵

وضعیّت فهرست نویسی: فیپا

فاطمه زهرا علیها...السلام؟ ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ ق،-- جنبه های قرآنی.

فاطمه زهرا علیها...السلام؟ ۸؛ قبل از هجرت - ۱۱ ق،-- احادیث

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۱۷۷/ف / ۳ / ۱۰۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۰۴۰۱۴

اسرار فاطمیه

مولف: رفیع الدین سید جعفر رفیعی

صفحه آرا: داود عبادی فرد

ناشر: خورشید هدایت * نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۳

چاپ و صحافی: کوثر * تعداد صفحه: ۲۲۴

شمارگان: ۱۰۰۰ * قطع: رقعی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۱۶-۵۷۳-۵

مرکز پخش:

جمکران/مقابل درب ۶/مجتمع ۱۵ شعبان/طبقه همکف

نمایشگاه کتاب خورشید آل یاسین

فروش تلفنی: ۰۹۱۲۱۵۳۵۰۹۹

هزینه ارسال پستی رایگان به تمام نقاط کشور

ص: ۳

اسرار فاطمیه

«سر مستودع»

رفیع الدین سید جعفر رفیعی

اهداء:

این نوشته را به مادر گرانمایه ام صدیقه ی کبری فاطمه ی زهرا علیها...السلام اهداء می کنم، و امید رضا و خشنودی حضرتش را دارم که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مورد رضای آن بانو فرمود خدای تعالی غضب می کند به غضب فاطمه و راضی و خشنود می شود به رضا و خشنودی فاطمه. و امیدوارم آن بزرگ بانوی هستی این بضاعت مزجات را از این حقیر بپذیرد و در دنیا و آخرت مرا مشمول رضای خویش گرداند.

یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی

هر که جوید رضای زهرا را

کرده راضی خدای زهرا را

گر رضای خدای می طلبی

رو طلب کن رضای زهرا را

«رفیع الدین سید جعفر رفیعی

فاطمه الزهرايي»

فهرست مطالب

مقدمه ۹

تأویل ۱۵

فصل اول:

زندگی نامه حضرت فاطمه علیها...السلام

مختصری از زندگی فاطمه زهرا علیها...السلام ۲۰

معرفت فاطمیّه علیها...السلام ۲۲

تبری از دشمنان فاطمه علیها...السلام ۲۵

فصل دوم:

فضیلت و سرّ سوره مبارکه قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ... ۳۶

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۳۹

حکایت ۴۲

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ... ۴۳

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ... ۵۲

اتحاد نوری فاطمه زهرا علیها...السلام با دیگر ائمه معصومین علیهم...السلام ۷۷

تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَ الرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ۸۰

سَلَامٌ هِيَ ... ۹۱

حَتَّى مَطَّلَعَ الْفَجْرَ ۱۰۷

فصل سوم:

سرّ آیاتی از سوره مبارکه دخان

سرّ آیاتی از سوره دخان ۱۱۲

فصل چهارم:

سرّ سوره مبارکه کوثر

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ ۱۲۶

ص: ۶

الکوثر ۱۲۷

فَصَلِّ لِرَبِّكَ - وَانْحَرْ ۱۳۲

إِنَّ شَانِئَكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ ۱۳۵

دعایی از حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام جهت حاجت ۱۴۰

فصل پنجم:

مصحف و لوح فاطمه علیها...السلام

مصحف فاطمه علیها...السلام ۱۴۴

لوح فاطمه ۱۴۶

فصل ششم:

فضیلت و آثار حدیث کساء

مقـدمه ۱۵۲

فضیلت اوّل ۱۵۴

خلقت نورانی آل کسا ۱۵۴

فضیلت دوم ۱۵۵

اصحاب کساء نخستین مخلوقاتند ۱۵۵

فضیلت سوم ۱۵۷

ولایت اصحاب کسا را بر اشیاء عرضه می دارند ۱۵۷

فضیلت چهارم ۱۵۸

اصحاب کسا پیش از هر کسی وارد بهشت می شوند ۱۵۸

فضیلت پنجم ۱۵۹

اصحاب کسا در حظیره القدس جای دارند ۱۵۹

فضیلت ششم ۱۵۹

آل عبا در هر حالتی اجازه ورود به مسجد را دارند ۱۵۹

فضیلت هفتم ۱۵۹

آل عبا را بهشت مأواست ۱۵۹

فضیلت هشتم ۱۶۰

فاطمه علیها...السلام تکیه گاه علی...السلام است ۱۶۰

فضیلت نهم ۱۶۰

نور حق بر فاطمه علیها...السلام تاییده است ۱۶۰

فضیلت دهم ۱۶۱

اصحاب کسا بهترین مخلوقاتند ۱۶۱

فضیلت یازدهم ۱۶۲

خداوند فاطمه علیها...السلام را بر دیگر بانوان مقدم داشته است ۱۶۲

فضیلت دوازدهم ۱۶۲

فرمانبرداری از آنان بر کائنات فرض است ۱۶۲

فضیلت سیزدهم ۱۶۵

روز جزا فاطمه علیها...السلام سواره به محشر قدم می نهد ۱۶۵

فضیلت چهاردهم ۱۶۶

فاطمه علیها...السلام در شکم با مادر خود سخن می گوید ۱۶۶

فضیلت پانزدهم ۱۶۷

فاطمه علیها...السلام در زیر عرش خداوندی است ۱۶۷

فضیلت شانزدهم ۱۶۷

سلام و درود بر فاطمه علیها...السلام پاداشی مخصوص دارد ۱۶۷

فضیلت هفدهم ۱۶۸

حنوط و کافور فاطمه علیها...السلام از بهشت فرود آمد ۱۶۸

فضیلت هیجدهم ۱۶۸

جنگ و صلح با اصحاب کسا جنگ و صلح با خداست ۱۶۸

فضیلت نوزدهم ۱۷۳

اصحاب کسا برترین مخلوقاتند ۱۷۳

فضیلت بیستم ۱۷۴

اصحاب کسا در بهشت در یک سرا جای دارند ۱۷۴

فضیلت بیست و یکم ۱۷۵

اصحاب کساء میزان اعمالند ۱۷۵

فضیلت بیست و دوم ۱۷۶

خمسه طئیه در داستان کشتی نوح علیه...السلام ۱۷۶

فضیلت بیست و سوم ۱۷۸

توسل پیدا نمودن زکریای پیامبر به خمسه طئیه ۱۷۸

فضیلت بیست و چهارم ۱۷۹

خداوند درود خود را بر خمسه طئیه همراه با سببی فرو می فرستد ۱۷۹

فضیلت بیست و پنجم ۱۸۰

دوستی آل عبا بر مخلوقات عرضه می شود ۱۸۰

فضیلت بیست و ششم ۱۸۱

صلوات بر آل عبا ۱۸۱

تمه در فضیلت ها ۱۸۵

منتخب طریحی و حدیث کساء ۱۹۸

عروه الوثقی و حدیث کساء ۱۹۹

سفارش آیت الله طیب زاده رحمه...الله به خواندن حدیث کساء ۱۹۹

نظر آیت الله قزوینی درباره حدیث کساء ۲۰۰

نظر عارف روشن ضمیر مولوی قندهاری ۲۰۱

حدیث کساء و برکت کسب ۲۰۱

توسل دیگر ۲۰۲

حضور امام عصر علیه...السلام در مجلس حدیث شریف کساء ۲۰۲

شفای نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی ۲۰۳

شفای جوان مسیحی مبتلا به سرطان خون ۲۰۴

شفای دختر هیجده ساله ۲۰۵

مرقومه حضرت آیةالله سید شهاب الدین نجفی مرعشی رحمه...الله ۲۰۷

سند حدیث شریف کساء ۲۰۸

بسم الله الرحمن الرحيم

درباره شخصیت و معرفت والای فاطمه زهرا علیها...السلام سخن بسیار گفته اند و شخصیت های گوناگون درباره آن گوهر الهی کتابها نوشته اند. اما در مقام و شخصیت ملکوتی آن حضرت حقایق بسیار و دُرهای بی شماری است که تنها از طریق کلام وحی یعنی قرآن و کلمات درربار عترت علیهم...السلام می توان به آن رسید.

چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای نجات امت و گمراه نشدن آنها این دو منبع را معین نمود و فرمود:

«أنتی تارک فیکم الثقلین کتاب اللّٰه و عترتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا ابدا».

با رجوع به کتاب و عترت در می یابیم که فاطمه زهرا علیها...السلام رمز خلقت و سمبل آفرینش است که به برکت او خلقت افلاک و انجم صورت گرفته و به نظم درآمده اند و در سایه معرفت حضرتش نظام حیات معنوی و کمالات روحی به رشد و سعادت می انجامد و از این طریق ارزش و منزلت انسانها مشخص می گردد و همچنین از این طریق مقام و جایگاه ویژه آن بانوی دو جهان را می توان درک کرد چنانکه فرزند دلبندش حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام که فرد شاخص عترت است از قول رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گوشه ای از شخصیت ملکوتی آن حضرت را چنین بیان می کند:

خداوند نور فاطمه را قبل از خلقت آسمان و زمین آفرید.

عدّه ای سؤال کردند: پس فاطمه علیها...السلام از سنخ انسان نیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: حوریه ای در لباس انسائیت است.

گفتند: چگونه چنین چیزی ممکن است؟!؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند قبل از آنکه آدم را خلق کند، فاطمه را آفرید و در آن هنگام ارواح خلق شدند، چون خداوند آدم را خلق کرد ارواح را بر او عرضه داشت.

پرسیدند: در آن زمان فاطمه علیها...السلام کجا بود؟!؟

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

در جایگاه مخصوص خود در ساق عرش.

پرسیدند: غذایش چه بود؟

جواب فرمود: ذکر خدای تعالی (تقدیس و تهلیل و تحمید و تسبیح).

چون خداوند آدم را خلق کرد و دوست داشت که نسل من از فاطمه علیها...السلام باشد، او را به سیب بهشتی تبدیل کرد. جبرئیل آن سیب را برای من آورد و گفت: سلام و رحمت خدا بر تو ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم، این سیب میوه ای از میوه های بهشت است که خداوند برای تو هدیه فرستاده است، پس آنرا گرفتم به سینه چسباندم.

جبرئیل گفت: آن را بخور، من آن را دو نیم کردم که ناگهان نور درخشان و گسترده ای از آن پرتوافشانی کرد جبرئیل گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله و سلم! چرا سیب را نمی خوری؟ تمام آن را بخور که این نور منصوره در آسمان و نور فاطمه در زمین است.

در روایت دیگری چنین آمده است که ای پیامبر! چرا نمی خوری آن را؟ بخور آن را و نترس که همانا آن نور:

«المنصوره فی السماء و هی فی الأرض فاطمه قلت: حییی جبرئیل و لم سئیت فی السماء المنصوره و فی الأرض فاطمه؟»

قال: سمّيت في الأرض فاطمه لأنها فطمت شيعتها من النار و فطم أعدائها عن حبّها و هي في السماء المنصورة و ذلك قول الله عزّوجلّ و يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء (۱)

یعنی: نصر فاطمه عليها...السلام لمحبيها.(۲)

یعنی: این نور، منصوره است در آسمان و فاطمه است در زمین.

گفتم: ای حبيب من جبرئيل! چرا در آسمان منصوره نامیده شده و در زمین فاطمه؟

گفت: در زمین فاطمه نامیده شده برای اینکه خداوند جدا می کند شیعیانش را از آتش و جدا می کند دشمنانش را از محبتش (و نمی توانند او را دوست داشته باشند) و او در آسمانها منصوره است به این جهت است که خدای تعالی می فرماید: «و يومئذ يفرح المؤمنون بنصر الله ينصر من يشاء» یعنی: در آن روز قیامت شاد می شوند اهل ایمان به یاری کردن. خدا یاری می کند هر کس را بخواهد. منظور یاری کردن فاطمه عليها...السلام است دوستانش را.

لذا فاطمه ی زهرا، زهرایی است که از نور عظمت الهی خلق شده و آن چنان آسمان و زمین به نور وجودش روشنایی یافته که ملائکه به سجده افتادند و درباره عظمت آن، از حضرت حق پرسیدند....

به طور کلی درک مقام و منزلت اولیاء خدا برای ما به شناخت و معرفت اوصاف و مناقب و قرب معنوی آنها به حضرت حق حاصل می شود و هر چه میزان معرفت به اوصاف و مناقب آنها بیشتر باشد قدر و منزلت و شأن آن ولی خدا در انظار خلق عظیم تر خواهد بود و توجه و اقتداء به او نیز بیشتر می گردد. ولی فاطمه زهرا عليها...السلام که یکی از بزرگترین مقامات و مناقب اولیاء خدا را دارد به واسطه کثرت مقامات معنوی و اوصاف حسنه اش، بشر از معرفت به حقیقت آن بی بی عاجز مانده است چنان که در روایتی

۱- .سوره روم، آیات ۴-۵.

۲- .جَنَّة العاصمه، ص ۴۰.

وارد شده که: کسی به کنه معرفت فاطمه علیها...السلام نمی رسد. و از طرفی معرفت و شناخت به مقامات ظاهری آن بزرگوار که در سطح فکر و در خور فهم و درک بشر باشد نیز به نحو تمام و کامل حاصل نشد چون افرادی که قلبشان از نفاق و دورویی آکنده بود و برای دنیای خویش و اشباع غرائز خود حق را پوشانده بودند و مسیر ائمت را از صراط مستقیم منحرف کرده بودند و خلافت را به نیرنگ و فریب از جایگاه اصلی اش منتقل نموده و خود بر کرسی خلافت تکیه زدند، با گردنکشان و مردمی که حقیقت اسلام را درک نکرده و از نام اسلام می خواستند دنیای خود را آباد کنند، سالیان درازی همدست شده و حکومت کردند، آنان در این راستا برای استحکام پایه های حکومت خویش چهره درخشان فرزندان معصوم پیامبر اسلام را پنهان کرده و از انتشار آن به مسلمانان جلوگیری به عمل آوردند. یکی از آن فرزندان معصوم و مظلوم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها...السلام بود که مقام و شخصیت درخشان و ملکوتی آن حضرت را شدیداً از دیگران پنهان داشته و پس از آن بزرگ ترین جنایت تاریخ را مرتکب شدند و بزرگترین ولی خدا و محبوبه الهی را با فجیع ترین شکل از پای در آوردند و به شهادت رساندند و پس از آنها نیز اتباعشان از انتشار فضائل و مناقب بلند حضرتش به شدت جلوگیری کردند تا جایی که در نزد بعضی از مسلمانان حضرتش به فراموشی سپرده شد. و پس از آن جنایتکاران جسور تاریخ، افرادی نیز که جمود فکری داشته و سرتاسر قلوبشان را تاریکی فرا گرفته و دنبال ریاست و امیال نفسانی خود بودند دنبال همان راه را گرفتند و در همان مسیر حرکت کردند و از اشاعه ی فضائل و کمالات آن بی بی بزرگوار جلوگیری به عمل آوردند. ولی شیعیان مخلص و علمای تلاشگر

ساکت ننشسته و با جهد و کوشش فراوان در مقام معرفتی آن بانوی بزرگ اسلام برآمدند و فضائل مقامات معنوی حضرتش را از لابلای مستندات تاریخ استخراج کردند و به دیگران رساندند که خداوند این جهد و کوشش و تلاششان را به بهترین وجه جزای خیر دهد.

ولی با این وجود نوشته ای که جامع و کامل در معرفتی مقامات و مناقب آن بی بی بزرگوار باشد کمتر به چشم می خورد که نشانه مظلومیت آن بزرگ بانوی هستی است.

چه مظلومیتی بالاتر از این که یک چنین شخصیت بلامنازع و استثنایی تاریخ اسلام حتی در میان دوستان خود نیز ناشناخته باقی بماند و آنچنان که باید به حقیقت مقام و منزلتش معرفت داشته باشند، ندارند؟ و حال آنکه با یک بررسی دقیق بر منابع روایی و تاریخی و آیات قرآنی گوشه هائی از فضائل بلند آن بانوی بزرگ اسلام منکشف می شود که نتیجه این انکشاف بر معرفت و محبت به حضرتش در قلوب مسلمانان می افزاید و نهایتاً همه به حضرتش اقتدا کرده و آن بزرگ بانو را به عنوان الگوی تمام و کمال انتخاب می کنند. چون فاطمه علیها... السلام در عین حالی که به ظاهر ملکی، امام و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در امر خلافت نبود ولی حضرتش به عنوان رهبر و مقتدا و الگوی کامل از جانب حق معرفی شد و معرفت و اطاعت و محبتش بر همه خلق واجب و مسلم گردیده است، کوتاه سخن این که معرفت پُرشکوه فاطمه که در برگیرنده کمالات و مقامات معنوی تام الهی است جز از طریق قرآن و کلمات دربار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم... السلام به دست نمی آید.

چنانکه اگر اهل تحقیق و درایت با کمک روایات در آیات قرآن تأمل و

دقت کنند، آیات فراوانی با معانی و مضامینی بلند در معرفت و شأن آن بی بی بزرگوار می یابند که در مورد حضرتش تأویل و تفسیر شده است که ما نیز در این نوشته تمامی هم و تلاشمان را جمع کرده و سعی نمودیم صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها... السلام را از طریق آیات قرآن معرّفی نمائیم تا گوشه هایی از حجاب معرفت مکنون آن حضرت را کنار بزنیم.

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

برای این کار دو سوره مبارکه «قدر و کوثر» را انتخاب نمودیم که در تفسیر و تأویل حضرتش وارد شده است.

من کجا و ثنای او که خدا

کرده مدح و ثنای زهرا را

منابع این نوشته و تفسیر از روایات شیعی و سنی که در تأویل این دو سوره مبارکه است گرد آمده و تلاش شده است حتی الامکان آیات و روایات مورد نظر به گونه ای خاص منسجم و گزینشی تنظیم گردد و با افزودن پاره ای از توضیحات، خواننده را به پیامی که در مورد آن بزرگ بانوی جهان هستی است برساند، امیدوارم که عنایات کریمانه آن حضرت شامل این حقیر و این نوشته بشود به امید اینکه بیش از پیش به عظمت و معرفت بلند آن حضرت برسیم و با عمل و کردار صحیح خود، رضایت آن بی بی را که همان رضایت خدای تعالی است کسب کنیم تا از این طریق زمینه ظهور موفورالسرور آخرین فرزند معصومش یعنی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را فراهم سازیم انشاءالله تعالی.

یا مولاتی یا فاطمه أغیثینی فی الدنيا و الآخرة

قم - رفیع الدین سید جعفر رفیعی

تأویل

در اینجا لازم می بینم قبل از ورود در تفسیر و تأویل این دو سوره مبارکه معنای «تأویل» را برای خوانندگان محترم بیان کنم:

مقدمتاً عرض می کنم قرآن به طور کلی دو معنا دارد، معنای ظاهری و معنای باطنی، ظاهر آن مربوط به معنای ظاهری الفاظ قرآن است ولی معنای باطنی آن همان تأویل است. و بعضی گفته اند: تأویل یعنی بیان حقیقت آیات و چون معانی حقیقی آیات را فقط خدای تعالی می داند چنانکه قرآن می فرماید: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ (۱)»،

لذا برای درک و رسیدن به تأویل و حقیقت آیات باید به منبع وحی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و عترت علیهم السلام هستند رجوع کنیم. بد نیست این مطلب را نیز بیان کنیم که مفسرین و علماء اهل سنت اصلاً معانی دوم و تأویل قرآن را قبول ندارند و می گویند قرآن به جز ظواهر آن چیزی نیست. گرچه در تفاسیرشان در بعضی از موارد عملاً تأویل بعضی از آیات را ذکر کرده اند.

تأویل مصدر باب تفعیل از «أول» هست که در اصل به معنی «ابتدا» و رجوع به ابتدا، یعنی اصل است و به همین جهت به ابتدای هر کاری «اول» می گویند و افراد یک فامیل را که به یک ریشه و اصل و ابتدا برمی گردند «آل» می نامند.

البته باید این نکته را یادآور شویم که برگرداندن لفظ از معنای ظاهری

به یک معنای دیگر به جهت قرینه و دلیل قطعی دیگری است به عبارت دیگر اگر چه به ظاهر یک معنا برای یک آیه است ولی با دلیل خارجی (مثل روایات و آیات دیگر و شأن نزول) معنای دیگری ترسیم می شود، معنای اولی همان معنای «ظاهری» و معنای دوم را معنای «ثانوی و بطن یا تأویل» می گویند، چنانکه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام در این زمینه سؤال شد و آن حضرت فرمودند:

ظهره تنزیل و بطنه تأویل منه ما قد مضی و منه ما لم یکن یجری کما یجری الشمس والقمر (۱)

یعنی: ظاهر قرآن تنزیل و باطن آن تأویل است و بعضی از تأویلهای قرآن گذشته و بعضی واقع نشده است و جاری می شود و می آید، چنانکه خورشید و ماه جریان دارد.

در قرآن کلمه «تأویل» در هفت سوره و هفده بار به کار رفته است و چند معنا دارد:

۱. تأویل به معنای تفسیر و تعیین است چنانکه در آیه می فرماید:

«ما یعلم تاویله الا الله (۲)»

یعنی: غیر از خدا کسی تأویل قرآن را نمی داند.

۲. به معنای عاقبت و بازگشتگاه چیزی است، چنانکه در آیه:

«فان تنازعتم فی شیء فردوه الی الله و الرسول ان کنتم تؤمنون بالله و الیوم الآخر ذلک خیر و احسن تأویلاً» (۳)

یعنی: اگر در مورد چیزی تنازع کردید نزد خدا و رسول برگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید و این بهتر است و تأویل آن نیکوتر است.

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۷.

۲- سوره آل عمران، آیه ۷.

۳- سوره نساء، آیه ۵۹.

۳. به معنای وقوع چیزی که از آن خبر داده شده است مثل آیه:

«هل ينظرون الا تأويله يوم ياتي تأويله» (۱)

یعنی: آیا آنها غیر از تأویل آن را انتظار دارند در روزی که تأویل آن ظاهر می شود.

۴. به معنای مصالح وانگیره ها نیز آمده است، چنانکه قرآن لفظ تأویل را در علل غایی و اسرار کارهای مرموز و فلسفه ی احکام به کار می برد؛ از باب نمونه:

همسفر موسی وقتی او را از اسرار کارهای مرموز و به ظاهر زننده ی خود (مانند سوراخ کردن کشتی، تعمیر دیوار خراب و کشتن جوان) آگاه ساخت، رو به موسی کرد و این جمله را گفت:

«ذلك تأويل ما لم تستطع عليه صبراً»

یعنی این (اسرار و نتایج) تأویل کارهایی است که برای آنها طاقت نیاوردی (۲).

تفسیر به معنای بیان مراد متکلم است که از لفظ پرده برداری می کند و کلمه تأویل معنایی مخالف ظاهر لفظ است که گاهی با تفسیر مصداقاً یکی می شود، چون تفسیر امکان دارد در حدود بسط و شرح مدلول لفظ باشد یا با کمک از تاریخ و شأن نزولها معنای آیه ای را بسط و شرح دهد، چنانکه آیت الله خویی رحمه...الله نیز در «البيان» می نویسند: تفسیر، روشن ساختن مفهوم آیات قرآن مجید و واضح کردن منظور پرودگار است. (۳)

مثلاً- امکان دارد کلمات آیه ای از آیات قرآن تک تک واضح و روشن باشد ولی مراد و مقصود از کل آیه ی شریفه معلوم نباشد اینجاست که احتیاج به بسط و شرح با رجوع به لغت و تاریخ و شأن نزول و روایات دارد.

۱- .سوره اعراف، آیه ۵۳.

۲- . تفسیر علمی قرآن، ص ۴۸.

۳- . البيان، ص ۳۷.

اما تأویل، فقط و فقط منحصر به خداوند و راسخون فی العلم است چون معنای آن مخالف با ظاهر لفظ است که احتیاج به قرینه ای قطعی دارد که این همان معنایی است که خداوند و پیامبرش فرموده اند.

بر این اساس تأویل به معنای رجوع به معنای اصل یا واقعیت حقیقی و اصلی و نه ظاهری، است که در این نوشته سعی شده است در معرفی حضرت فاطمه علیها...السلام از آیات قرآن به آنها رجوع شود.

در خاتمه اقرار می کنم که فضائل و کمالات صدیقه کبری علیها...السلام بیش از آن است که در این نوشته ی محدود ذکر و حق معرفتش ادا شود.

چنانکه قرآن می فرماید:

«ما ادرئک ما لیلہ القدر»

یعنی: تو نمی توانی به حقیقت لیله قدر (فاطمه) بررسی.

روایات و آیاتی که در شأن و مقام و معرفت فاطمه علیها...السلام آمده است از نظر کثرت به حدّ تواتر بلکه بیش از حدّ تواتر است که احصاء آنها خود مجلداتی را می طلبد که ما به جهت اختصار فقط دو سوره قدر و کوثر را مورد بررسی و تفسیر قرار دادیم. و در حدّ وسع و توان خویش پرده ای از معارف نهفته شده در این دو سوره مبارکه که تأویل به آن حضرت شده برداشته و فضائل و کمالات معنوی صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها...السلام را بیان نمودیم.

فصل اول: زندگی نامه حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

مختصری از زندگی فاطمه زهرا علیها السلام

در سال پنجم بعثت روز بیستم جمادی الثانی فاطمه ی اطهر علیها...السلام دخت گرانقدر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و خدیجه کبری علیها...السلام دیده به جهان خاکی گشود.

کنیه های مبارکش ام اییها، ام الائمه، ام الفضائل، ام العلوم، ام الكتاب و... القاب مقدسش که بسیار است و هر یک نشانه عظمت و مقام والای آن بزرگوار است و ما در اینجا بعضی از آنها را ذکر می کنیم که عبارتند از: بتول، طاهره، زهره، زهرا، محدثه، حکیمه، صدیقه، شهیده، سیده النساء العالمین، سیده النساء اهل الجنة.. آن بزرگوار در طول ۱۸ سال زندگانی بابرکت خویش که پناه و مأوای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر المؤمنین و امام حسن و امام حسین علیهم...السلام بود، تمامی رفتار و گفتارش و به عبارت دیگر تمامی حرکات و سکناتش منطبق با علم و حکمت الهی بوده چنانکه در زیارتشان می خوانیم:

اشهد انک مضیت علی بینه من ربک.

یعنی: گواهی و شهادت می دهم که شما در طول زندگی خود به حجتی که از پروردگار خویش داشتی عمل کردی، و در فراز دیگری از زیارتشان آمده است:

ایتها المحدثه العلیمه.

یعنی: ای بانویی که به علوم الهی الهام شده و دانا هستی.

لذا با توجه به آیات و روایاتی که در شأن آن بزرگ بانوی هستی وارد شده- که گوشه هایی از آنها را در این کتاب می خوانید- در می یابیم که

تمامی اعمال و گفتار حضرتش بر اساس برنامه و دستور خاص الهی بوده و هر چه که فرموده اند و یا عمل کرده اند منطبق با خواست و مشیت پروردگار بوده است و به این جهت است که صلح و محبت به او صلح و آشتی با خدای تعالی قرار گرفته و جنگ و بغض به حضرتش همانند جنگ و بغض با خدای تعالی است.

آن بزرگوار برای تثبیت حقیقت اسلام و هدایت و سعادت بشریت از هیچ کوشش و جانفشانی دریغ نکردند تا اینکه در سال یازده هجری به دست بعضی از اصحاب اصطلاحی پیامبر اسلام به شهادت رسیدند و آنان نیز تا توانستند مقام و شخصیت الهی او را از دیگران پنهان نگاه داشتند تا جایی که از شدت اختناق علیه آن بزرگ ولی خدا روز شهادت و محل دفنش مشتبه و مخفی گردید لذا نقل شده یا چهل و پنج روز یا هفتاد و پنج روز یا نود و پنج روز بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیشتر طول نکشید که به شهادت رسید و همچنین محل دفن آن بانوی جهانیان به طور دقیق و روشن معلوم نگردید مگر برای بعضی از خواص، لذا بعضی آن را میان قبر رسول خدا و منبر او دانسته اند و برخی احتمال داده اند در بقیع و گروهی بر این عقیده اند که در خانه اش به خاک سپرده شده است. سلام و صلوات خداوند بر او باد.

معرفت فاطمیه علیها السلام

شناخت و معرفت به فاطمه زهراء علیها...السلام از والاترین و شیرین ترین معارف است که بر هر مسلمان و شیعه ای واجب است به آن علم پیدا نموده و معتقد شود تا ایمان و اسلامش کامل گردد.

چنانچه در مقدمه بیان کردیم صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها...السلام در عین حالی که به ظاهر ملکی، امام و رهبر و جانشین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در امر خلافت نبود، ولی خدای تعالی معرفت و اطاعت و محبت آن بزرگ بانوی جهان هستی را بر همه خلق، واجب و مسلم گردانید.

چنانکه در روایات وارد شده است که قرون نخستین بر محور معرفت و اطاعت فاطمه زهرا علیها...السلام سنجش و برگزیده می شدند.

(علی معرفتها دارت القرون الأولى) و هنگامی که سخنان و روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم می بینیم آن حضرت درباره گوهر وجود فاطمه علیها...السلام توجه شایانی داشته و به صورتهای مختلف در گفتار و عمل، گوشه هائی از مقام شامخ معنوی آن دختر پیامبر الهی را ظاهر می ساختند و با تأکید و توصیه فراوان از دیگران می خواستند که در مقام احترام و تجلیل حضرتش برآیند، تا از این طریق بتوانند به حقائق هستی دست یابند. پیامبر اکرم در فرازهائی از کلمات حکیمانه شان که مکرر در مکرر بیان می فرمودند و فاطمه علیها...السلام را معرفی می نمودند هرگز به عنوان فرزند و دخت خویش اکتفا نکردند چون این امر بر کسی پنهان نبود

و انتساب فاطمه علیها...السلام به رسول خدا بر همگان روشن و واضح بود، بلکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درصدد معرفی حقیقت و مقام معنوی فاطمه علیها...السلام بودند، لذا در سخنان رسول اکرم نسبت به فاطمه جملاتی آمده است که انسان را وادار به تأمل و دریافت پیام والای «معرفت فاطمیّه»، می کند.

لذا می گوئیم مسئله «معرفت فاطمیّه» خود موضوعی مستقل است که هر کس به آن دست یابد به تمامی معارف الهی دست یافته و معتقد شده و سعادت و نیک بختی را، پیدا کرده است و همچنین می گوئیم «معرفت فاطمیّه» سر رسیدن به تمام معارف و کمالات است. هر گاه شخصی به معرفت حقیقی و معنوی فاطمه علیها...السلام دست یافت، به توحید و نبوت و امامت و به طور کلی به اصول خمس دست می یابد و به کمال عقائد حقه و معنویات می رسد. لذا به این جهت نیز است که حضرتش به عنوان اسوه و الگو برای بشریت معرفی گردیده شدند.

چنانکه امام زمان علیه...السلام برای توجّه دادن امت به آن حضرت و برای بیدار کردن غافلین و توجّه دادن آنها به حقیقت «معرفت فاطمیّه» می فرمایند:

«انّ لی فی ابنه رسول الله اسوه حسنه».

یعنی: برای من (که امام زمان هستم) فاطمه دخت رسول خدا اسوه و الگوی نیکویی است که به حضرتش اقتدا می کنم.

آری «معرفت فاطمیّه» باعث می شود بیش از پیش زنان و مردان به حضرتش اقتدا کنند و دست توّسل به ذیل عنایات و الطاف رحمانی حضرتش دراز کنند. تأثیر «معرفت فاطمیّه» آن چنان است که هر گاه علم به آن پیدا شود انسان را متحوّل می گرداند و در روحش ایجاد دگرگونی بزرگی می کند و به راه و رسم آن یگانه هستی کشیده می شود، لذا فاطمه

الگو است، الگوئی عالی از تقوا و کمال و علم برای انسان هایی که او را شناختند و به حضرتش اقتدا کردند. طبعاً حصول چنین معرفتی بزرگ برای اُمت که به حقیقتی عظیم آشنا شوند و درس کمالات و معنویات را بیاموزند نیاز به درک محضر معصوم علیه...السلام دارد که مستقیماً از منبع علم و وحی الهی گرفته شود چون فقط معصوم علیه...السلام است که آن بی بی بزرگوار را شناخته و می تواند تعریف و توصیف کند.

لذا راهی و طریقی برای رسیدن به این معرفت بزرگ نیست جز با یاری معصومین و اقتباس از انوار کلمات مقام ولایت که می توان از این طریق روزنه ای به سوی شناخت صدیقه کبری باز کرد، لذا برای شناخت «معرفت فاطمیّه» حتماً باید به این دو مأخذ «قرآن و عترت» مراجعه کرد.

بله! فاطمه زهرا در جهان آفرینش و در دنیای اسلام گرچه نبی و امام معرفی نشدند، ولی در حقیقت آفرینش و هستی محور به حساب می آیند که گردش بسیاری از پدیده ها و چرخش معنوی آنها به دور اوست، و معرفت و محبت او تا روز قیامت محل تربیت انسانهای کامل و انبیاء الهی است.

لذا اگر فاطمه زهرا نبود جهان آفرینش نبود او محور اسلام و محور رسالت است، و محور امامت و محور اهلبیت است، و محور اصحاب کساء است و محل اسرار رب العالمین و ذخیره بزرگ الهی و ذخیره دار حجت خداوند نیز هست.

تبری از دشمنان فاطمه علیها السلام

طبیعی است که هر کس علاقه و محبت و معرفت به رهبر الهی خویش داشته باشد، فراق او را نمی تواند تحمل کند و هر گاه او را از دست دهد ناراحت می شود. و این ناراحتی را بی اختیار ظاهر می سازد که نشانه آن غم و اندوه به وسیله اشک و آه است که از دیدگان سرازیر می شود و هر بیننده ای را دچار حیرت و شگفتی می کند. بنابراین عارف اگر چهره غمناک و اشک و آه در فراق محبوب دارد و اگر بیزاری و نفرت از بعضی ابراز می نماید، در حقیقت نسبت به کسانی است که مانع پیشرفت انسانها شده اند که چنین رهبر و مرادی را از آنها گرفتند و هر چه محبوب و مراد ارزش و مقام والای بیشتری داشته باشد طبعاً تأثر و ناله و فغان بیشتری باید نمود و نسبت به کسانی که با چنین وجود مقدسی مخالفت ورزیدند و او را کشتند، بیشتر باید بیزاری جست و از آنها دوری نمود و بغض بیشتر از خود نشان داد که این خود نشان کمال عارف است. لذا پیامبر عظیم الشان با دید الهی خود آنها را در ستم و جور بر بشریت می دید و با لعن و بیزاری از آنها جهان اسلام را به مبارزه با آنها دعوت فرموده است:

إِنَّ الدِّينَ يُؤَدُّونَ اللَّهُ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا. (۱)

یعنی: کسانی که خدا و رسولش را آزار دهند خداوند آنان را در دنیا و آخرت لعنت

می کند و برای آنها عذاب خوار کننده ای آماده کرده است.

و در صحیح بخاری در روایتی می فرماید:

من آذی فاطمه فقد آذانی و من آذانی فقد آذی الله و من آذی الله فقد كفر.

یعنی: کسی که فاطمه را آزار دهد مرا آزار داده و کسی که مرا آزار دهد خدا را آزار داده و کسی که به خدا آزار و بی حرمتی کند کافر است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود:

يا فاطمه لو أنّ كلّ نبی بعثه الله و كلّ ملك قرّبه شفّعوا فی كلّ مبغض لكِ غاصب لكِ ما أخرجہ الله من النار أبداً. (۱)

یعنی: ای فاطمه اگر تمام پیامبرانی که خدا برانگیخته و تمام فرشتگانی که مقرب درگاه خود گردانده است، برای هر کینه توزی که حق تو را غصب نموده است شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش (دوزخ) خارج نمی سازد.

باز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری فرموده اند:

ملعون ملعون من یظلم بعدی فاطمه ابنتی و یغصبها حقها و یقتلها... (۲)

یعنی: ملعون است ملعون است هر کس پس از من به فاطمه دخترم ستم و ظلم کند و حقش را غصب نماید و او را بکشد...

در روایت آمده است:

إنّ حبّها علیها... السلام ایمان و بغضها نفاق. (۳)

یعنی: همانا محبت به فاطمه علامت ایمان و بغض داشتن به او علامت نفاق است.

قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم:... الویل ثمّ الویل لمن شكّ فی فضل فاطمه (۴)

یعنی: وای سپس وای بر کسی که شک در فضائل فاطمه کند.

۱- بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۴.

۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۳۵۴.

۳- بهجه قلب المصطفی، رحمانی، ص ۶۲۰.

۴- بهجه قلب المصطفی، ص ۱۰۲.

و در حدیثی دیگر آمده است:

كفر من ابغض فاطمه عليها...السلام.

یعنی: کافر است کسی که بغض فاطمه را به دل داشته باشد.

و در روایت دیگری آمده است:

من آمن بها فقد نجى و من لم يؤمن بها فقد هلك.

یعنی: هر کس به فاطمه علیها...السلام ایمان بیاورد نجات و رستگار گردیده و هر کس به او ایمان نیاورد به تحقیق هلاک می گردد.

قالت فاطمه عليها...السلام:

و من خالفنا فقد خالف الله و من خالف الله فقد استوجب من الله العذاب الأليم و العقاب الشديد في الدنيا و الآخرة. (۱)

یعنی: فاطمه علیها...السلام فرمودند: هر کسی با ما مخالفت کند تحقیقاً با خدا مخالفت نموده و هر کسی با خدا مخالفت کند، مستحق می شود از جانب خداوند عذاب سخت و عقاب شدیدی را در دنیا و آخرت.

استاد بزرگوارم حضرت آیت الله وحید خراسانی این حدیث را در درس خواندند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

الفوز العظيم لمن نصرک

الويل ثم الويل لمن ظلمک

یعنی: پیروزی بزرگ برای کسی است که تو را یاری کند... وای سپس وای بر کسی که به تو ظلم کند.

(پر واضح است که هر کسی بر خلاف فرستاده الهی عمل کند و از دشمنان آنها بیرازی نجوید از دایره اسلام و مسلمانان خارج است و هدف مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را دنبال ننموده پس چگونه چنین شخصی می تواند

خود را مسلمان بخواند. بلکه آنان منافقانی بیش نیستند که به سران کفر و نفاق اقتدا کرده اند، سرانی که به ساحت مقدّس اسلام جسارت کردند و مقام و منزلت فرستاده الهی را کوچک شمردند و حضرتش را نارسا تلقی کردند. و پس از رحلتش کینه ها و حقدها را ظاهر ساختند، چنانکه در روایتی از ام سلمه نقل شده که در هنگامی که فاطمه زهرا در بستر شهادت افتاده بود خدمت می رسد و می پرسد: چگونه شب را صبح کردی ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

اصبحت بین کمد و کرب فقد النبی و ظلم الوصی، هتک و الله حجابہ من اصبح امامته مقتضی علی غیر ما شرع الله فی التنزیل و سنّها النبی فی التأویل، ولكنها احقادٌ بدریئة و ترات اُحدیة.

یعنی: صبح کردم در میان حزن شدید و غم و اندوه و از دست دادن پیامبر و ستم به وصی او. به خدا سوگند پرده وصایت دریده شد، کسی که امامتش برخلاف آنچه که خداوند در قرآن مقرر فرموده و رسول خدا در تأویل قرآن بیان نموده بود، مغضوب واقع شده، ولیکن این کار از روی کینه های باقی مانده از جنگ بدر و خونخواهی از قاتلان جنگ اُحد بود.

و اصبع بن نباته از امیرالمؤمنین علیه...السلام سؤال کردند از علت دفن فاطمه علیها...السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در شب آن حضرت فرمودند:

إنّها كانت ساخطة علی قوم کرهت حضورهم جنازتها و حرام علی من يتولّاهم ان یصلّی علی احدٍ من ولدها. (۱)

یعنی: همانا او (فاطمه) خشمگین و ناراضی بود از قومی که دوست نمی داشت حضورشان را بر جنازه اش، و حرام است بر کسی که آن قوم را دوست می دارد، نماز بخواند بر فرزندانش.

اینان هرگز روی سعادت را در دو جهان نخواهند دید. آنها نفاق و دورویی و درندگی بر جانهایشان ریشه دوانده بود.

لذا معنویت و حقیقت از وجود آنها رخت بر بسته و به ذلت و خواری نفس دچار گردیده بودند.

با بررسی و مطالعه تاریخ، در می یابید که در این راستا افرادی که باطن کثیف و زشتشان آنها را وادار به پیروی و اطاعت از آن منافقان کرده بود و از این طریق ظلمت و تاریکی را در جامعه حاکم می گرداندند. این دنیاپرستان برای اشباع غرائز خود گرد اولی و دوّمی جمع شدند و آنها را علم نمودند و آنها نیز با تطمیع گروهی و با فریب و مکر و تهدید توانستند به نام اسلام و خلیفه ی مسلمین قدرت را به دست آورند و از انتشار و پخش «معرفت فاطمیه» به شدت جلوگیری کنند تا جائی که آن بانوی هستی ناشناخته ماند و در حالی که قدرش مجهول مانده از دنیا رحلت نمود و به شهادت رسید و به سوی پروردگار خویش بازگشت. آنان آن قدر با فاطمه زهرا (روحی فداها) عداوت داشتند که نه فقط از معارف و مقامات فاطمه علیها... السلام جلوگیری می نمودند، بلکه هر چه از فاطمه علیها... السلام بر جای مانده بود تصاحب نموده و از بین بردند، مانند فدک را که حق مسلم فاطمه علیها... السلام بود منکر شدند و تصاحب نمودند و اگر کیاست و درایت حضرت امیرالمؤمنین علیه... السلام نبود تا حتی فرزندان و نسل آن حضرت را از بین می بردند، چنانکه آن شخص گفت: خانه ی فاطمه علیها... السلام را با اهلش آتش می زنم.

دیگر نمونه ای از صدها عداوت آنها نسبت به صدیقه کبری که درباره گیاهی منسوب به فاطمه علیها... السلام بوده و در روایتی نقل شده بیان می کنیم:

امام صادق علیه...السلام فرمود:

ليس على وجه الارض بقله اشرف و لا انفع من الفرفخ و هو بقله فاطمه عليها...السلام ثم قال: لعن الله بنى امية هم ستموها بقله الحمقاء بغضا لنا و عداوه لفاطمه.

یعنی: نیست بر روی زمین سبزی ای اشرف و سودمند تر از خرفه و آن سبزی فاطمه علیها...السلام است. سپس فرمود: خدا لعنت کند بنی امیه را آنها نامیدند آن را به سبزی احمقها به جهت بغضی که به ما و دشمنی ای که با فاطمه علیها...السلام دارند.

لذا بر هر فرد مسلمان حقیقی و واقعی است که حقیقت را دریابد و به دیگران برساند و با کمال صراحت و جدیت از دشمنان فاطمه علیها...السلام تبری جوید. تا دست این شیادان را کوتاه گرداند و در معرفی شخصیت آن بزرگ بانوی وجود هستی گامی وسیع تر بردارد تا آن معارف و حقایقی که از جهانیان پنهان مانده، آشکار گردد.

و پرواضح است که همیشه حق و باطل در اجتماع آن چنان جلوه گر می شوند که جای شبهه و تردیدی برای مردم حق بین و کسانی که گناه و انحراف، نفس آنها را خراب نموده و دچار ورشکستگی عقلی نشده اند، باقی نمی ماند بلکه با اندک توجهی حقیقت را درک می کنند و به آن متمسک می شوند و از باطل بیزاری و تبری می جویند.

قدر او را کس نداند جز خدا

معترف بر قدر او شد مصطفی

او لیله قدر است و هدف

هر چه می خواهی گوز قدرش لاتخف

لیله قدر اولیاء، نور نهار اصفیا

صبح جمال او طلوع از افق اعلا کند

فصل دوم: فضیلت و سرّ سوره مبارکه قدر

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ * وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ *

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ *

فِيهَا يَأْذَنُ رَبُّهُمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

سوره ی مبارکه ی قدر از سوره های کوچک قرآن و از جهت معنا و محتوی بسیار بلند است و از جهتی عظیم ترین سوره قرآن نیز هست که بیان کننده نزول قرآن در شب قدر است و مقدرات همه خلق در آن مشخص و تعیین می گردد و همچنین بشارتی است برای بندگان خدا که در این شب به کمال بندگی و عبودیت قیام می کنند.

این سوره را سوره ی «قدر» می نامند زیرا این کلمه در این سوره در آیه اول و دوم آن ۲ بار به کار رفته است و درباره شب قدر سخن می گوید و فضایل و عظمت آن شب و نزول قرآن در آن شب مبارک را برای ما بیان می کند و مباحث آن کلاً به شب قدر اختصاص دارد بدین جهت با همین نام و عنوان نیز نامگذاری شده است تا هم از عظمت شب قدر حکایت کند و آن را تداعی و یادآوری نماید و هم پیام اصلی و محور بحث سوره را مشخص نماید.

این سوره دارای پنج آیه است و قبل از هجرت در مکه نازل شده و سه خصوصیت بزرگ دارد که آن را از دیگر سوره های قرآن متمایز و ممتاز می سازد:

اول اینکه: در مورد شب قدر که مقدّس ترین و مبارک ترین شبهاست سخن می گوید و عظمت و فضیلت و برکات و حدود آن را بیان می کند، بدین جهت خواندن مکرر این سوره در شب قدر بسیار سفارش شده و مستحب است.

دوم اینکه: سوره قدر تاریخ نزول قرآن را مشخص می کند که در شب قدر بوده است.

سوم اینکه: این سوره بصورت سرّ در تأویل و تفسیر فاطمه زهراء علیها...السلام است. (۱)

سوره قدر به جهت آثار و عظمتی که دارد برای تلاوت آن آثار و برکات بسیاری ذکر شده است.

از جمله اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

من قراها کان له یوم القیمه خیر البریه رفیقاً و صاحباً.

یعنی: هر کسی این سوره را تلاوت کند در روز قیامت بهترین مخلوقات (فاطمه و علی علیهما...السلام) با او رفیق و همنشین خواهند بود.

این سوره مبارکه به جهت اینکه در تأویل و معنا به صدیقه کبری فاطمه ی زهرا علیها...السلام تفسیر شده است. نسبت خاصی با عترت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم یافته که ما در این نوشته در صدد بیان آن هستیم، لذا در اینجا روایاتی که این نسبت را نسبت سوره قدر با عترت علیهم...السلام بیان می کند ذکر می کنیم:

حضرت امام صادق علیه...السلام به نقل از امیرالمؤمنین علیه...السلام فرمود:

وقتی سوره قدر بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد، ایشان سوره را بر من تلاوت فرمود، سپس دست مبارکش را بر کتف راستم گذاشت و فرمود:

ای برادر من، و ای وصی من، و ای والی امت بعد از من، و ای خصم دشمنان من تا قیامت! این سوره برای تو است بعد از من و برای فرزندان

۱- . لذا وجه دیگر از معنای سرّ مستودع در فاطمه زهرا، همان معرفت حضرتش می باشد که هیچ کس بر آن واقف نیست مگر معصوم.

توست بعد از تو و این ادامه دارد تا طلوع فجر قائم علیه...السلام. (۱)

امام محمد تقی علیه...السلام می فرماید:

یا معشر الشیعه خاصموا بسوره انا انزلناه تفلحوا و إنها حجّه الله تبارک و تعالی علی الخلق بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و إنها سیده دینکم و إنها لغایه علمنا. (۲)

یعنی: ای گروه شیعه! با سوره ی «اَنَا أَنْزَلْنَاهُ» با (مخالفین ما) مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید. به درستی که آن سوره پس از پیامبر حجّت خدای تبارک و تعالی است بر مردم و آن سوره سرور دین شماسست (بزرگترین دلیل مذهب شماسست) و نهایت دانش ماست (زیرا کاشف از شب قدر است و در آن شب مکتوبات علمی برای ما هویدا می گردد)

و در حدیث دیگری آمده است:

أَنَّ مِنْ صَدَقَ بَلِيلِهِ الْقَدَرِ لِيَعْلَمَ أَنَّهَا لَنَا خَاصَةٌ لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ لَعَلَىٰ عَلَيْهِ...السلام حين دنا موته هذا وليكم من بعدى...

یعنی: کسی که شب قدر را درست درک نماید و آن را تصدیق کند هرآینه یقین دارد که این شب مخصوص ما ائمه است، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در موقع رحلتشان فرمود: علی ولی شما بعد از من است، اگر از او اطاعت کنید رشد پیدا می کنید، اما کسی که به آنچه در شب قدر هست ایمان نیاورد منکر (امامت) است. (۳)

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری فرمود: جبرئیل به من می گفت:

اقرأ «أَنَا أَنْزَلْنَاهُ...» فانها نسبتك و نسبة اهل بيتك الى يوم القيامة.

یعنی: سوره قدر را بخوان، زیرا نسبت تو و نسبت اهل بیت تو تا قیامت است (نسبت یعنی ارتباط و اتصال بین دو خیر).

۱- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۷۱.

۲- جلوگاه ولایت، ص ۳۴۵.

۳- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

ابن نباته از حضرت امیرالمؤمنین علیه...السلام روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: یا علی! آیا می دانی معنای شب قدر چیست؟ عرض کردم: نه ای رسول خدا! فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی در شب قدر هر آنچه که باید به وجود بیاید تا روز قیامت تقدیر فرموده است، و در بین مقدرات خدای عزوجل ولایت تو و ولایت ائمه از فرزندان تو تا روز قیامت بود.

فضل بن عثمان گفت: در نزد امام صادق علیه...السلام سخن درباره ی «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» پیش آمد، فرمود: چه می دانی و چه قدر بر تو آشکار است فضیلت آن بر سایر سوره های قرآن؟ عرض کردم برتری آن چه چیز است؟ فرمود: ولایت امیرالمؤمنین علیه...السلام در شب قدر نازل شده است. عرض کردم در شب قدری که آرزوی آن را در ماه رمضان داریم؟ فرمود: بله آن شب شبی است که در آن آسمانها و زمین و ولایت امیرالمؤمنین علی علیه...السلام در آن تقدیر شده.

این بود قسمتی از روایاتی که در ارتباط و نسبت سوره قدر با عترت علیهم...السلام وارد شده بود و به زودی در این نوشته واضح و روشن می شود که ارتباط و نسبت این سوره مبارکه با عترت علیهم...السلام از طریق فاطمه اطهر علیها...السلام است که تأویل و تفسیر سوره قدر است.

لذا کسی که سوره قدر را بخواند و در عمق آن نظر کند و بر مبنای تعالیم بلند و تأویل راسخش حرکت نماید توجهش و اتصالش به خدا از طریق فاطمه زهرا علیها...السلام کامل می گردد و در وادی سلامت و حریم ولایت از تمامی امکانات و نعم الهی در سیر به سوی کمالات روحی و معنوی بهره مند می گردد، چنین انسانی به سرچشمه زلال وصل خواهد رسید و همواره در حال رشد و ترقی معنوی خواهد بود و به فضل و رحمت الهی می رسد و

امتیازی بس بزرگ نسبت به سایر انسانها دریافت خواهد کرد به حدی که برتری این شخص نسبت به سایرین به مثل انسان که اشرف مخلوقات است نسبت به بهایم که در مرتبه اسفل قرار دارند، می گردد، چنانکه در تفسیر برهان ذیل سوره قدر در روایتی آمده است که حضرت امام محمد باقر علیه...السلام فرمودند:

فضل ایمان المؤمن بحمله انازلناه و تفسیرها، علی من لیس مثله فی الایمان بها کفضل الانسان علی البهایم. (۱)

یعنی: فضیلت و برتری مؤمنی که معنا و تفسیر سوره انازلناه را حمل نموده و ایمان آورده است بر سایر انسانهایی که این تفسیر را نتوانسته اند هضم و حمل کنند و ایمان بیاورند مانند فضل و برتری انسان (که اشرف مخلوقات است) نسبت به سایر بهایم است. و در روایت دیگری فرمودند:

کسی که سوره ی قدر را جهراً (آشکارا) بخواند همچون کسی است که شمشیر کشیده است و در راه خدا مجاهده کرده است و اگر کسی آن را در سرّ (پنهان) بخواند همچون کسی است که در راه خدا مجاهده کرده و اکنون در خون خود می غلتد. (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ...

قطعاً ما قرآن را در شب قدر نازل نمودیم.

قال الامام جعفر الصادق عليه...السلام: الليله فاطمه عليها...السلام و القدر الله (سبحانه و تعالی).

یعنی: حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام ذیل این آیه شریفه فرمود: منظور از «لילה» فاطمه علیها...السلام و منظور از «قدر» خدای تعالی است.

۱- . تفسیر برهان، ج ۴، ص ۴۸۴.

۲- . نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۱۲.

«نا» ضمیر جمع است در کلمه «إنا» و «أنا»، که در معنای عظمت و بزرگی «فاعل» نیز استفاده می شود و در اینجا دلالت بر نهایت بزرگی خداوند دارد و قهراً نشانه بزرگی آنچه که این انزال و فرو فرستادن به آن تعلق گرفته است، بعضی گفته اند ضمیر جمع در «إنا أنزلناه» فقط به معنای عظمت و بزرگی نیست بلکه اشاره به وسائط نیز هست چون نزول قرآن و هر چیز دیگری از طرف پروردگار از طریق وسائط صورت می گیرد و در نزول قرآن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه السلام و یا ملائکه بر قلب فاطمه ی زهراء علیها السلام به عنوان وسائط نقشی داشته اند، بنابراین ضمیر جمع اشاره به واسطه ها دارد.

و اجمالاً عرض می کنیم منظور از ضمیر «ه» در جمله ی «انا انزلناه» قرآن مجید است که خداوند نزول آن را به خود نسبت داده است و این معنا را می توان هم از سیاق سوره ی قدر و هم از آیه ۱۸۵ سوره ی بقره که می فرماید: شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ، (ماه رمضان که قرآن در آن نازل شد) به دست آورد. به طور کلی قرآن دو مرتبه نازل شده است. ۱. دفعی، ۲. تدریجی.

دفعی وقتی بوده است که تمام حقایق قرآن دفعتاً بر قلب پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است. و نزول تدریجی، آن است که قرآن در طی ۲۳ سال در دوران نبوت رسول اکرم انجام گرفت و در موقعیتها و مناسبتهای خاصی نازل شد.

نزول حقائق قرآن به جهت شرف و عظمت قرآن در مکان و زمان بسیار خوب و مناسبی صورت گرفته که در «نزول دفعی» از حیث زمان شب قدر و از حیث مکان قلب مطهر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده و در «نزول تدریجی» از جهت زمان شب ۲۷ رجب المرجب ۱۳ سال قبل از هجرت و از

حیث مکان وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده که حقائق قرآن در قالب الفاظ توسط جبرئیل تدریجاً بر حضرتش نازل شده و سپس به صورت مجموعه ای که در میان دو جلد جمع آوری به کتابت رسید و در دسترس مسلمانان قرار گرفت.

از شواهدی که دلالت بر نزول دفعی قرآن دارد این است که در سوره طه می فرماید:

«وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (۱)

یعنی: ای پیامبر پیش از آنکه وحی دوباره قرآن بر تو نازل شود نسبت به آن عجله مکن.

و همچنین شاهد دیگر این آیه شریفه است که می فرماید:

«لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ».

یعنی: زبان خود را برای عجله به قرآن حرکت مده. (۲)

خلاصه اینکه: از مجموع آیات ذکر شده می توان چنین نتیجه گرفت که قرآن دارای دو نوع نزول بوده است.

اول: «نزول دفعی» که جمعا و یک جا از سوی خداوند بر قلب مبارک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در ماه مبارک رمضان و شب قدر نازل گردیده

و دوم: «نزول تدریجی» که بر حسب شرائط و حوادث و نیازها در طی ۲۳ سال نازل شده است این دو معنا یعنی نزول «دفعی» و «تدریجی» را نیز می توان از متون لغت استفاده کرد، چنانکه در لغت آمده است «تنزیل» معمولاً در مواردی گفته می شود که چیزی تدریجاً نازل شود و به صورت پراکنده و تدریجی آید. اما «انزال» مفهوم وسیعی دارد که هم نزول تدریجی

۱- سوره طه آیه ۱۱۴.

۲- قیامت آیه ۱۶.

و هم نزول دفعی را شامل می شود. و جالب اینجاست که در سوره قدر که اشاره به نزول قرآن دارد تعبیر به «انزال» شده است که با معنای «نزول دفعی» هماهنگ است.

مطلب بسیار مهمی که در این قسمت باید یادآور شویم این است که نزول قرآن مراتب متعددی داشته... که یکی از آنها هنگام خلقت نوری پیامبر اکرم و ائمه ی معصومین علیهم...السلام بوده است که حقائق قرآن در ابتدای خلقت انوار مقدسه معصومین علیهم...السلام دفعتاً صورت گرفته است.

طبق روایات و کلمات دربار ائمه ی هدی علیهم...السلام خداوند اولین چیزی که خلق کرد نور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و نور علی علیه...السلام و نور فاطمه علیها...السلام و انوار دیگر ائمه معصومین علیهم...السلام بوده که توأم با خلقتشان خدای تعالی حقائق قرآن را بر قلبشان نازل نمود.

فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

اشاره

تمام مقدرات بندگان را خدای تعالی در شب قدر تا سال آینده از قبیل مرگ و میر، خیر و شر، صحت و سلامت، آسایش و نعمت و سایر مصالح عباد تعیین می کند به عبارت دیگر «لیله قدر» شب تقدیر و سرنوشت ساز آینده یک سال بنده است، لذا به این جهت که در آن شب مقدرات بشر تعیین می شود «شب قدر» نامیده شده است و از اهمیت خاصی برخوردار است و احیای آن و عبادتش چنان پرارزش است که برابری با عبادت هزار ماه بدون شب قدر می کند. که نشانه عنایت خاص پروردگار به امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است.

چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمدر مورد اهمیت شب قدر می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَهَبَ لَآمَتِي لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِمَ يَعْطُهَا مِنْ كَانَ قَبْلَهُمْ. (۱)

یعنی: خداوند به اُمّت من شب قدر را بخشید و احدی از اُمّت های پیشین از این موهبت برخوردار نبودند.

بنابر روایاتی که از ائمه معصومین علیهم...السلام در تفسیر و تأویل این سوره مبارکه وارد شده است فرموده اند: منظور از «لیله» فاطمه علیها...السلام و منظور از «قدر» خدای تعالی است و چون فاطمه زهرا علیها...السلام با پدر بزرگوارشان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از یک نور خلق شده اند و اختلافی در خلقت نوریّه ندارند حقائق قرآن همانگونه که بر قلب خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم دفعتاً نازل شد بر قلب فاطمه زهرا علیها...السلام نیز نازل شده است، لذا این تفسیر که از امام جعفر صادق علیه...السلام وارد شده است همین معنا را می رساند که تمامی حقائق قرآن در وجود «لیله قدر» یعنی «فاطمه اطهر» علیها...السلام نازل و قرار داده شده است.

مطلب دیگر با تأمل در آیه شریفه و روایات وارده که متعلّق به آن است چنین به دست می آید که شب قدر از نظر عظمت و ارزش بین شبهای سال منفرد است و هیچ شبی به اندازه آن و به قدر و منزلتش نمی رسد. به عبارت دیگر بزرگ شبهای سال، شب قدر است. و همچنین است فاطمه زهرا علیها...السلام که بین زنان و مردان عالم منفرد است و هیچ بشری به مقام و منزلت حضرتش نمی رسد و اوست که سئیده و بزرگ زنان و مردان عالم است و اگر حضرت علی بن ابیطالب علیه...السلام نبود هیچ کفوی و همسری برای حضرتش وجود نمی داشت.

آری حقیقت «لیله القدر» وجود یگانه زهرا اطهر علیها...السلامست که خدای تعالی تمامی حقایق علوم و معارف قرآنی را در وجود مقدّس و طاهره اش

قرار داد، لذا آن گوهر یگانه چنانکه محل و ظرف قرآن صامت گردید لیاقت محل و ظرف نزول یازده قرآن ناطق نیز می گردد.

چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلمبه خدیجه علیها...السلام می فرماید:

ای خدیجه به زودی خداوند نسل مرا از او (فاطمه) قرار می دهد، و به زودی از نسل او امامانی قرار خواهد داد که بعد از انقطاع وحیش آنان را جانشینان روی زمین می گرداند. (۱)

در اینجا نکته ای که باید به آن توجه نمود و فراموش نکرد اضافه لیل (فاطمه) به القدر (الله) است که اضافه تشریفیه می باشد مثل «یدالله» و «بیت الله» و «آل الله» که اینگونه اضافه ها دلالت بر عظمت و شرافت مضاف دارد و در اینجا دلالت بر جامعیت آن بانوی بزرگوار در تجلیات و اتصال به حق دارد، لذا می فرماید: «فاطمه ی خدا».

نکته دیگر که باید به آن توجه نمود این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: خداوند به امت من شب قدر را بخشید و احدی از امت های پیشین از این موهبت برخوردار نبودند. و پر واضح است که خدای تعالی فاطمه اطهر علیها...السلام را به امت خاتم الانبیاء عطا فرمود تا از طریق او سریعتر و آسانتر به کمال عبودیت نائل شوند. و این عنایت و فضل بسیار بزرگ خداوند است نسبت به امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، لذا بر امت است که در شب قدر توجه و توسل به فاطمه زهرا علیها...السلام داشته باشند تا از آثار و برکات بی شماری که خدای تعالی از طریق و به واسطه آن بانوی بزرگوار نازل می فرماید نصیب و بهره مند گردند.

حکایت

در اینجا توجه شما را به حکایتی که در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان در اثر توسل به فاطمه ی زهراء علیها...السلام اتفاق افتاده جلب می کنم:

در مجلس شب قدری که مجلسی پرشور و حال برقرار بود و تمامی حضار مجلس آماده ی مراسم احیاء شب قدر بودند و با حضور یکی از اولیای خدا چنان شور و هیجان مضاعفی ایجاد شده بود که همه ضججه می زدند و فریاد می کشیدند در آن شب با کلمات و حرفهای آن ولی خدا ناخودآگاه اشک از چشمان سرازیر می شد و قلب و روح متوجه حقایق می گردید. در آن شب و در آن مجلس که شاید بیش از سیصد نفر از مؤمنین حضور داشتند با جرأت می توانم بگویم هیچ کسی بدون بهره و عنایت خارج نشد. تمام فضا را بوی عطر و نسیمی دل انگیز فرا گرفته بود. که همه استشمام می کردند و نوری که از نقطه ای با حرکتی آرام از انتهای مجلس تا ابتدای مجلس را منور می نمود، دو مرتبه اتفاق افتاد.

در آن شب آن ولی خدا فرمود: شب قدر ارتباط خاصی با «فاطمه» علیها...السلام دارد پس گوشه هایی از این ارتباط را فرمود و گفت: شب قدر در حقیقت توجه به فاطمه علیها...السلام است و کسب معرفت فاطمه است که امشب باید آن را در قلب خود ایجاد کنید و گفت هر چه معرفت به فاطمه بیشتر شود محبت بیشتر می شود و هر چه محبت بیشتر شود، اطاعت بیشتر می شود و هر چه اطاعت بیشتر شود انس بیشتر می شود و هر گاه انس بیشتر شد ارتباط روحی بیشتر و محکم تری برقرار می گردد.

یادم هست یکی از وجوه ارتباط شب قدر را با فاطمه علیها...السلام که بیان می کرد در لفافه فرمود:

در شب های قدر حضرت امیرالمؤمنین علیه...السلام شهید شدند و در این شب بوده که علی علیه...السلام به لیلہ القدر ملحق گردید.

او می گفت: اگر چشم دل باز باشد ارتباط علی علیه...السلام و لیلہ القدر را خوب درک خواهید کرد، لذا علی علیه...السلام در لیلہ قدر باید عروج کند و از دنیا به عالم ملکوت نزد فاطمه علیها...السلام برود. او سعی نمود رمز و سرّ ارتباط علی علیه...السلام را با لیلہ القدر تا آنجا که فهم بعضی از حضّار گنجایش داشت بازگو کند و می گفت من نمی توانم بی پرده صحبت کنم چون می بینم برخی استعداد ندارند. در یک جمله می گویم: سرّ لیلہ القدر فاطمه اطهر علیها...السلام است. او سرّ ارتباط علی علیه...السلام را با لیلہ القدر فاطمه علیها...السلام می دانست و می فرمود حقیقت لیلہ القدر فاطمه علیها...السلام است، لذا دستور می داد که در شبهای قدر در خانه فاطمه علیها...السلام بروید.

بعدها که راجع به لیلہ القدر تحقیق و به روایات آن مراجعه کردم وجوه ارتباط «لیلہ القدر» را با فاطمه ی زهرا علیها...السلام مستنداً یافتم که حاصل آن این نوشته ای است که مطالعه می کنید.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ....

و توجه می دانی شب قدر چیست؟

قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم: من عرفها حق معرفتها ادرك ليله القدر و انما سميت فاطمه لان الخلق فطموا عن كنه معرفتها.

یعنی: هرکس (فاطمه) را حقیقتاً شناخت شب قدر را درک نموده است، و این است و جز این نیست که نامیده شد «فاطمه» به جهت آنکه خلق قطع شده اند از شناختن حقیقت و کُنه فاطمه.

و در روایت دیگری همین مضامین از امام جعفر صادق علیه...السلام نقل شده است:

... فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرك ليله القدر و انما سميت فاطمه، لأن الخلق فطموا عن معرفتها. (۱)

یعنی: هر کسی بشناسد فاطمه را به حق معرفتش تحقیقاً درک کرده است شب قدر را، و همانا نامیده شده فاطمه به جهت اینکه خلق قطع شده اند از شناخت و معرفتش.

«وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» این آیه شریفه کنایه از این مطلب دارد که می خواهد ارزش و عظمت «لیله القدر» را ظاهر و آشکار سازد، لذا می فرماید: و توجه می دانی شب قدر چیست؟! یعنی کسی حقیقت شب قدر را نمی تواند درک کند و بشناسد مگر افرادی اندک و خاص.

و همچنین است قدر و منزلت فاطمه زهرا علیها... السلام که بر مردم، پنهان و پوشیده است به همان سان که عظمت شب قدر بر ایشان پنهان است، لذا معرفت حضرتش را همطراز ادراک «شب قدر» معرفی نموده اند و فرموده اند: هر کسی معرفت به فاطمه پیدا کند و حقیقت فاطمه را درک کند، «لیله القدر» را درک نموده است و این است و جز این نیست که فاطمه نامیده شد، چون خلق از کنه معرفت و حقیقت فاطمه بریده و منقطع شده اند.

و در روایت دیگری در عظمت مقام والای فاطمه علیها... السلام و فرزندان معصومش علیهم... السلام) وارد شده است که:

فأنكم لا تبلغون كنه ما فينا ولا نهائيه. (۲)

یعنی: شما هرگز به ریشه و اصل و کنه فضائل و معرفت ما نمی رسید.

کسی حضرت فاطمه زهرا علیها... السلام را می شناسد که در عرض او یا فوق او باشد، لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی فاطمه را نشناخت.

۱- . عوالم، ص ۹۹.

۲- . بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲.

خلاصه اینکه چنانکه شب قدر برای مردم پنهان و مجهول است قدر و منزلت فاطمه علیها...السلام برای مردم پنهان و مجهول است و کسی معرفت حقیقی فاطمه علیها...السلام را درک نمی تواند کند مگر قلبش را خدای تعالی به ایمان امتحان کرده باشد که در این صورت به اندازه ظرف روحش معارفی از حقیقت فاطمه علیها...السلام را درک می کند.

در اینجا به گوشه هایی از جلال و عظمت معرفت فاطمه علیها...السلام که از طریق احادیث ائمه معصومین علیهم...السلام رسیده است، اشاره می کنیم تا به گوشه هایی از مقام بلند بی بی دو عالم پی ببریم و اِلّا ما هرگز به «معرفت فاطمه» نخواهیم رسید.

از حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام سؤال نمودند که چرا به فاطمه علیها...السلام زهرا می گویند در جواب فرمود:

لَاِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَهَا مِنْ نُوْرِ عَظْمَتِهِ.

یعنی: زیرا خداوند او را از نور عظمت خودش خلق نموده.

در روایتی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که در آن مقام حجّه اللّٰهی فاطمه علیها...السلام ذکر شده است می فرماید:

انا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین و تسعه من ولد الحسین علیه...السلام حجج الله علی خلقه. (۱)

یعنی: من و علی و فاطمه و حسن و حسین و نه نفر از فرزندان حسین علیه...السلام حجتهای خدای تعالی بر خلقش هستیم.

و امام حسن عسکری علیه...السلام در مورد این مقام شامخ مادرشان می فرمایند:

نحن حجّه الله علی الخلق و جدّتنا فاطمه حجّه الله علینا.

یعنی: ما حجت خداوند بر خلق هستیم و مادر ما حجت خدا بر ما می باشد.

پیامبر اکرم در معرفی مقام شامخ فاطمه علیها...السلام می فرماید:

فاطمه خیر الله. (۱)

فاطمه صفوه الله. (۲)

و در سوره نور که گوشه ای از منزلت و مقام فاطمه زهرا علیها...السلام بیان می شود حضرتش را مثل نور خدا معرفی می کند و می فرماید:

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاهٍ. (۳)

امام جعفر صادق علیه...السلام ذیل این آیه شریفه می فرماید:

المشکاه فاطمه علیها...السلام.

یعنی: منظور از مشکات که مثل نور خداوند است فاطمه علیها...السلام می باشد.

و در سوره مدثر که ولایت فاطمه علیها...السلام را معرفی می کند می فرماید:

إِنَّهَا لِأَحَدَى الْكُبْرِ * نَذِيرًا لِلْبَشَرِ. (۴)

امام محمد باقر علیه...السلام می فرماید:

تأویل «لأحدى الكبر» ولایت فاطمه علیها...السلام است. (۵)

و در روایتی که به اجمال حضرت فاطمه علیها...السلام را معرفی می کند می فرماید:

فاطمه کوب دزی. (۶)

یعنی: فاطمه علیها...السلام اختری تابناک است.

و در زیارت آن حضرت آمده است:

- ۲- . فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۴۸.
- ۳- . سوره مبارکه نور، آیه ۳۵.
- ۴- . سوره مدثر آیه ۳۵ و ۳۶.
- ۵- . بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۳۳۱.
- ۶- . کافی، ج ۱، ص ۱۹۵.

«المعصومه من كل سوء».

یعنی: آن حضرت معصوم و منزّه از هر بدی است و در فقره دیگر از زیارات آن حضرت وارد شده است:

«ارخیت دونها حجاب النبوه».

یعنی: آویختی در برابرش حجاب نبوت را.

از این جمله چنین استفاده می شود که باید حجاب نبوت را کنار زد تا توانست فاطمه علیها...السلام را شناخت.

باز در روایت دیگری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دختر گرامی شان را به صورت اجمال و سربسته معرفی می کنند و می فرمایند:

فاطمه حوریه ای است به صورت انسان، هر زمان که مشتاق رایحه بهشت شوم، دخترم فاطمه را می بویم. (۱)

و همچنین جابر جعفی در روایت «لولاک» مقام بلند فاطمه علیها...السلام را نزد خدای تعالی بیان می کند و از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می نماید که خدای تعالی فرمود:

یا احمد لولاک لما خلقت الافلاک و لولا علی لما خلقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما.

یعنی: ای احمد! اگر تو نبودی جهان و جهانیان را خلق نمی کردم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی کردم.

سپس جابر می گوید: این از اسراری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر بنمود از ناهلان کتمان شود. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵.

۲- جنهالعاصمه، ص ۱۶۸.

لذا در حدیث بسیار معتبر کساء، (۱) فاطمه زهرا علیها...السلام محور قرار داده شده و در آن هنگام که جرئیل از حضرت حق سؤال می کند: چه کسی زیر کساء است؟! خدای تعالی در جواب او حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام را محور قرار می دهد و می فرماید:

فاطمه و پدر فاطمه، فاطمه و همسر فاطمه، فاطمه و فرزندان فاطمه.

در حدیث دیگری آمده است که نور فاطمه علیها...السلام در مدینه چنان نورافشانی می کرد که بعضی از مردم که متوجه آن نور می شدند، متعجب و حیران و سرگردان خدمت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شرفیاب شده و درباره آنچه دیده بودند می پرسیدند.

حضرت ایشان را به منزل فاطمه علیها...السلام هدایت می کرد و وقتی آنها بر فاطمه علیها...السلام وارد می شدند:

فیرونها قاعده فی محرابها تصلی و النور یسطع من محرابها و من وجهها.

یعنی: می دیدند که حضرت فاطمه علیها...السلام در عبادتگاهش نشسته، نماز می گزارد و نور جمالش از محراب ساطع است.

از اینجا پی می بردند نوری که دیده بودند از نور فاطمه علیها...السلام بوده است. (۲)

همچنین نقل شده:

متی قامت فی محرابها بین یدی ربها جل جلاله زهر نورها لملائکه السماء کما یزهروا الکوکب الدرّی لاهل الارض. (۳)

یعنی: هنگامی که فاطمه علیها...السلام در پیشگاه پروردگارش در محراب عبادتش می ایستاد نورش بر فرشتگان می درخشید همچنانکه ستارگان درخشان بر اهل

۱- سند حدیث کساء را در کتاب «پاسخ نامه در پاسخ به مشکلات جوانان»، ص ۲۰ و آخر همین کتاب در فصل ششم ذکر کردیم مراجعه شود.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱.

۳- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۶.

زمین می درخشند.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که خدای تعالی به ملائکه فرمود:

هَذَا نُورُ أُمَّتِي فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءِ، أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ بِنُورِهَا ظَهَرَتْ وَ هِيَ ابْنَةُ نَبِيِّي وَ زَوْجَةُ وَصِيِّي، وَ حَبِيبَتِي عَلِيَّ خَلْقِي، أَشْهَدُكُمْ يَا مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ جَعَلْتُ ثَوَابَ تَسْبِيحِكُمْ لِهَذِهِ الْمَرْأَةِ وَ شِيعَتِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (۱)

یعنی: این نور کنیز من فاطمه زهراء علیها...السلام است، زیرا آسمانها و زمینها به سبب نور او آشکار شدند و آن دختر پیامبر من و همسر وصی من است، و حجت من بر مخلوقاتم است من شما را گواه می گیرم ای فرشتگان من که قرار دادم ثواب تسبیح های شما و تقدیس های شما را برای این بانو و شیعیانش تا روز قیامت.

و همچنین در روایتی آمده است:

وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ إِذَا طَلَعَ هَلَالُ الشَّهْرِ رَمَضَانَ يَغْلِبُ نُورُهَا الْهَلَالَ وَ يَخْفَى فَإِذَا غَابَ عَنْهُ ظَهَرَ... (۲)

یعنی: هنگامی که طالع می شد نور هلال ماه رمضان، نور فاطمه علیها...السلام بر آن غلبه می کرد و پنهان می شد و هنگامی که حضرتش غائب می شد نور هلال آشکار می گردید.

در حدیثی از عایشه نقل شده که گفت:

كُنَّا نَخِيطُ وَ نَغْزُلُ وَ نَنْظُمُ الْاِبْرَةَ بِاللَّيْلِ فِي ضَوْءِ وَجْهِ فَاطِمَةَ (۳)

یعنی: عایشه می گفت ما (زنها) خیاطی می کردیم و ریسندگی می نمودیم و سوزن با نظم می زدیم (در خیاطی) در نور و روشنایی صورت فاطمه علیها...السلام.

در حدیثی آمده است که حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه...السلام بر فاطمه زهرا علیها...السلام وارد می شود که حضرت فاطمه علیها...السلام می فرماید:

۱- . بهجه قلب المصطفی، ص ۳۳.

۲- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.

۳- . اخبار الدول و آثار الاول، ص ۸۷.

ادن لاحدثك بما كان و بما هو كائن و بما لم يكن الى يوم القيامة حتى تقوم الساعة. (۱)

یعنی: نزدیک بیا تا به تواز حوادث و علوم گذشته و حال و آینده تا روز قیامت، آن هنگام که قیامت برپا می شود، خبر دهم.

در اینجا علی علیه السلام به صورت قهقرا به طرف پیامبر می رود و کلام فاطمه علیها السلام را برای حضرتش بیان می کند و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را تصدیق می نماید و می فرماید: نور فاطمه از نور ماست، در این هنگام حضرت علی علیه السلام به سجده افتاد و خدای تعالی را شکر کرد [سپس فاطمه علیها السلام بعد از جملاتی] می فرماید: بدان! یا ابالحسن که خدای تعالی خلق کرد نور مرا و حال آنکه تسبیح می کرد خدای را، سپس خداوند او را امانت گذاشت در درختی از درختهای بهشت پس آن درخت نورافشانی نمود و چون پدرم داخل بهشت شد به امر پروردگار به او وحی و الهام نمود که این میوه را از آن درخت بچین و بخور، اینگونه خداوند مرا در صلب پدرم به ودیعت گذاشت تا آنکه به دنیا آمدم.

و انا من ذلك النور، اعلم ما كان و ما يكون و ما لم يكن، يا ابالحسن المؤمن ينظر بنور الله تعالى.

یعنی: و من از آن نور هستم، می دانم آنچه بوده و آنچه هست و آنچه نیست، یا ابالحسن! مؤمن نظر می کند به نور خدا.

این عمل علی علیه السلام و شگفتی او از کلام فاطمه، برای توجه دادن اصحابی که حضور داشتند، مثل عمار و... به مقام و عظمت فاطمه زهرا علیها السلام بوده.

همچنین از القابی که امیرالمؤمنین علیه السلام در روایتی به فاطمه زهرا علیها السلام داده اند، قدری پی به مقام بلند آن بانوی هستی می بریم آنجا که فاطمه علیها السلام مظلوم واقع شده و حقیقت غصب شده بود امیرالمؤمنین علی علیه السلام به خانه

می آید و آن حضرت را با القابی بلند می ستایید و از حضرتش تقاضا می کند که مردم مدینه را نفرین نکند:

یا بقیه النبوه

و الشمس الرساله

و معدن العصمه و الحکمه

انّ اباک کان رحمه للعالمین فلا تکونی علیهم نغمه اقسام علیک بالرؤف الرحیم... (۱)

ای دارنده امتداد (مقام) نبوت...

و ای خورشید رسالت...

و ای معدن عصمت و حکمت...

همانا پدرت بر جهانیان رحمت بود، پس از شما تقاضا دارم نفرین نکن، تو را به خداوند رثوف و رحیم قسم می دهم....

جان کلام اینکه با توجه به روایاتی که در معرفی مقام شامخ فاطمه زهرا علیها...السلام وارد شده است، کسی به کنه معرفت فاطمه علیها...السلام نمی رسد و تا حتی برای بعضی همین روایات ذکر شده قابل درک و هضم نیست، لذا در مقام ردّ و انکار این احادیث بر می آیند به این جهت بعضی از روایات جزء اسرار شمرده شده که نباید به دست هر کسی برسد.

چنانکه در حق آن بی بی بزرگوار فرموده اند:

مجهوله القدر و مخفیه القبر.

یعنی: قدر و منزلت او را کسی درک نکرد و قدرش مجهول ماند و قبرش نیز مخفی گردیده است.

لذا امام حسن مجتبی علیه...السلام با کنایه و در لفافه اینگونه مادرشان را معرفی می کنند:

أمی الزهراء بنت محمد المصطفی، قلابه الصفوه و درّه صدف العصمه، و غرّه جمال العلم و الحکمه و هی نقطه دائره المناقب و المفاخر، و لمعه من أنوار المحامد و المآثر، خمرت طینه وجودها من تفاحه من تفاحه الجنّه، و کتب الله فی صحیفتها عتق عصاه الأمّه، و هی أمّ الساده النجباء و سیده النساء البتول العذراء فاطمه الزهراء علیها...السلام. (۱)

یعنی: مادر من دختر محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و گردنبد برگزیدگی و یکتا صدف عصمت و روشنی جمال علم و حکمت است و اوست مرکز دائره منقبت ها و فخرها و لمعه ای از نورهای محل ستایش و آثارها، سرشته شده طینت او از سیبی از سیبهای بهشت و نوشته است خدا در صحیفه ی او آزاد کردن گناهکاران امت را، و اوست مادر سرورانی که برگزیده شدگانند به نجابت و خوبی و اوست سرور زنها بتول عذراء فاطمه زهراء سلام خدا بر او باد.

نهایتا برحسب روایاتی که «لیله القدر» را به حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام تأویل و تفسیر نمود حضرتش همانند این آیه شریفه «وَمَا أَذْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ» است که کسی به حقیقت و کُنه معرفت حضرت فاطمه علیها...السلام نمی رسد و درک نمی کند.

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ.....

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

خیر: کلمه «خیر» افعال تفضیل است و در اصطلاح معنای زیادی و افزون بودن را می دهد و به معنای بهتر، خوبتر، نیکوتر و برتری داده شده است.

شهر: به آنچه از ایام و روزها ما بین دو هلال قرار می گیرد گویند و به فارسی «ماه» نام دارد.

حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام ذیل آیه شریفه می فرماید:

خیر من الف مؤمن و هی (فاطمه) ام المؤمنین.

یعنی: بهتر از هزار مؤمن است و آن فاطمه علیها...السلام مادر مؤمنین است.

و در روایت دیگری می فرمایند:

و اما ليله القدر خیر من الف شهر یعنی فاطمه علیها...السلام. (۱)

یعنی: و اما «لیله القدر» که بهتر است از هزار ماه یعنی فاطمه علیها...السلام.

یکی از فضائل بزرگ و بی همتای فاطمه علیها...السلام این آیه شریفه است که می فرماید حضرتش از هزار ماه برتر و بالاتر است و وجه تسمیه «فاطمه» به ليله به طریق مجاز است و می تواند که علاقه مجاز و وجه شبهه این باشد که آن حضرت مانند شب به حجاب عصمت، منور و مخفی است.

امام صادق علیه...السلام در تفسیر و تأویل این آیه فرموده اند:

فاطمه از هزار مؤمن برتر است او (فاطمه) مادر مؤمنین است.

پرواضح است که حضرت فاطمه علیها...السلام مادر ائمه معصومین علیهم...السلام است که آنها افراد اکمل و مصادیق اشرف مؤمنین هستند.

لذا پیامبر اسلام در برتری فاطمه علیها...السلام می فرمایند:

هم الطیبون بعد امهم. (۲)

یعنی: ایشان [ائمه معصومین علیهم...السلام] پاکان و پاکیزگان عالم بعد از مادرشان (فاطمه) هستند و همچنین حضرت امام حسن مجتبی علیه...السلام و در روایتی دیگر حضرت اباعبدالله الحسین علیه...السلام می فرمایند:

امی خیر منی.

یعنی: مادرم (فاطمه) بهتر از من است.

۱- تأویل الایات الظاهره، ج ۱، ص ۷۹۱.

۲- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۷۸.

و در بعضی از زیارات آن کریمه بزرگوار آمده است:

خیر الخلق بعد رسول الله.

یعنی: (فاطمه) بهترین خلق بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود.

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی مقام و برتری فاطمه علیها... السلام فرمود:

نور ابنتی فاطمه من نور الله و ابنتی فاطمه أفضل من السماوات و الأرض. (۱)

یعنی: دخترم فاطمه از نور خداست و دخترم فاطمه برتر از زمین و آسمانها (و آنچه در آنها است) می باشد.

و در روایت دیگری برتری آن حضرت از آسمانها و زمین اینگونه نقل شده است:

فلق نور ابنتی فاطمه فخلق منه السماوات و الأرض، فنور السماوات و الأرض من نور ابنتی فاطمه و نور فاطمه من نور الله و

فاطمه أفضل من السماوات و الأرض. (۲)

یعنی: شکافت (خداوند) نور دخترم فاطمه را و آفرید از آن آسمانها و زمین را پس آسمانها و زمین از نور دخترم فاطمه

است و نور دخترم فاطمه از نور خداوند است و دخترم فاطمه أفضل است از آسمانها و زمین.

در تفضیل و برتری فاطمه زهرا علیها... السلام امام حسن عسکری علیه... السلام می فرماید:

نحن حجج الله على خلقه و جدتنا فاطمه حجة الله علينا.

یعنی: ما حجتهای الهی بر خلق هستیم و مادرمان فاطمه حجت خداوند است بر ما.

فاطمه زهرا علیها... السلام یگانه بانویی است که آخرین حجت خدا امام زمان علیه... السلام بر او اقتداء کرده و به روش او در

همه امور عمل می کند و می فرماید:

و فی ابنه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لی اسوه حسنه.

یعنی: دختر پیامبر برای من الگو و نمونه ای است که به حضرتش اقتدا می کنم.

۱- بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۰.

۲- جنة العاصمه، ص ۳۳.

و در زیارت آن بی بی بزرگوار آمده است:

مبشره الاولیاء.

یعنی: فاطمه علیها...السلام منجی و بشارت دهنده به اولیاء خداست.

در اینجا بد نیست قدری بیشتر راجع به معنای «شهر» که در آیه شریفه آمده است تحقیق کنیم تا معنای آن بر همگان واضح گردد و در نتیجه برتری فاطمه زهرا علیها...السلام روشن شود.

چنانکه قبلاً یادآور شدیم «شهر» در لغت عرب عبارت است از آنچه که بین دو هلال از ایام واقع می شود که در فارسی آن را «ماه» گویند و به عربی «شهر» می نامند. با توجه به معنای لغوی «شهر» و معنای «خیر» که برتر و افزون بودن و بهتر و نیکوتر بودن است، ظاهر عبارت این چنین می شود که «لیلہ القدر» به مراتب بهتر و برتر از «هزارماه» می باشد نه اینکه با هم مساوی باشند که ما به کمک روایات و کلمات ائمه اطهار علیهم...السلام برای پی بردن به حقیقت این آیه شریفه از سوره قدر معنا و تفسیر «شهر» را بیان می کنیم و آنها را به چهار دسته تقسیم می نمائیم.

با توجه به تفسیر امام صادق علیه...السلام که فرمود منظور از «لیلہ القدر» حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام است معنا چنین می شود.

۱. که فاطمه زهرا علیها...السلام برتر و بهتر از «الف شهر» می باشند.

کلمه ی «خیر» افعال التفضیل است و در اصطلاح معنای زیادی و افزون بودن را می دهد و همچنین بعضی از مفسرین فرموده اند مراد از کلمه «هزار» خصوص عدد هزار نیست بلکه کنایه از کثرت است چون در برخی موارد در عرف مراد از ذکر اعداد خاص، کثرت است نه خود عدد. شب قدر شب بسیار با فضیلتی است و حدّ این فضیلت و برتری هم معلوم

نیست آیا هزار برابر است؟! آیا چند میلیون برابر است؟! به طور دقیق معلوم نیست فقط کلمه ی "الف" کثرت را می رساند، لذا مجملاً می فرماید شب قدر بهتر و بالاتر است از هزار ماه یعنی فاطمه علیها...السلام به تنهایی بهتر و بالاتر از همه ی آدمیان، بدون فاطمه است.

لذا هزار ماه می تواند بیانگر کثرت و مبین یک عمر و دوره باشد که معنأ چنین می شود: یک شب عمر با محبت و معرفت فاطمه علیها...السلام برای انسان به مراتب بهتر است از هزار ماه که بدون محبت و معرفت فاطمه علیها...السلام باشد و اگر کسی در عمرش شب قدر نباشد و در قلبش محبت و ولایت فاطمه علیها...السلام نباشد و زندگی اش را به آن روشن نکرده باشد هیچ ارزشی ندارد.

۲. در بعضی از روایات و تفاسیر آمده است که تأویل «شهر» به حکومت بنی امیه شده است یعنی یک شب قدر (بدون حکومت بنی امیه) از هزار بار حکومت بنی امیه برتر و بهتر است.

۳. و در بعضی دیگر از روایات آمده است که یک شب حکومت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بهتر از هزار بار حکومت بنی امیه است.

۴. در بعضی از روایات «شهر» را به ائمه معصومین علیهم...السلام معنا کرده اند مثل روایت جابر جعفی که از حضرت امام باقر علیه...السلام نقل می کند که فرمود:

منظور از و شهورها اثنا عشر شهرا امیرالمؤمنین علی علیه...السلام و امام حسن علیه...السلام و امام حسین علیه...السلام و فرزندان امام حسین که جملگی دوازده امام هستند و همگی حجج خدا بر خلقش می باشند، است.

در روایت دیگری امام محمدباقر علیه...السلام می فرمایند: منظور از «عدّه الشهور...» اینست که تمامی مردم از موافق و مخالف این «شهرها» را می دانند و معرفت دارند به آنها و آنها ائمه معصومین علیهم...السلام هستند که بر

دین خدای تعالی عمل می کنند.

و در روایت لوح حضرت فاطمه علیها... السلام از جابرین عبداللّه انصاری نقل شده که منظور از «الشهور» ائمه معصومین علیهم... السلام است.

و در روایت دیگری در معنای «شهور» جمع «شهر» حضرت امام محمدباقر علیه... السلام می فرماید:

أئمة هم الأئمة القوامون بدین الله علیهم... السلام.

یعنی: تحقیقاً (مراد از شهور) ائمه ای که قیام کننده به دین خدا هستند است. (۱)

این بود احادیث و روایاتی که «شهر» را معنا و تفسیر کرده بود. و ما بعد از ذکر احادیثی که در معنای «شهر» بود عرض می کنیم بر حسب قیاس و سنجش تقابلی باید «لیله» با «لیله» دیگری مقایسه و سنجش شود و یا اینکه «لیله» را با «یوم» که در مقابل «لیله» است مقایسه نموده و برتری و افضلیتشان بیان شود و مثلاً گفته شود که «لیله قدر» بهتر است از هزار «لیله دیگر» یا اینکه «لیله قدر» بهتر است از هزار «یوم»، ولی در این آیه شریفه «لیله قدر» را با «شهر» مقایسه نموده و سپس می فرماید: «لیله القدر» خیر است از هزار «شهر» که خود در بردارنده معنایی بس عمیق است که با توجه به معانی چهارگانه بعضی از معانی عمیق این برتری و افضلیت روشن می شود که یکی از آنها این بود که «شهر» را به معنای «معصومین» تأویل نموده بودند که فاطمه برتر است از هزار پیامبر و معصوم.

ما در اینجا این مطلب را ثابت خواهیم کرد که حضرت فاطمه علیها... السلام از فرزندانش تا حتی ائمه معصومین علیهم... السلام در عالم مُلک برتر و افضل است چنانکه در کتاب فاطمه الزهراء علیها... السلام (مجموعه سخنرانی های علامه شیخ عبدالحسین امینی رحمه... الله صاحب کتاب ارزشمند الغدیر) از آن استاد

فرزانه نقل می کند که فرمود:

ما این مطلب را ثابت خواهیم کرد که حضرت زهرا علیها...السلام از یازده امام دیگر افضل و برتر است. و اگر جز این یک منقبت، فضیلت دیگری در شأن او نبود برای اثبات مقام عظمی و والای آن بی بی، همین یک منقبت کافی بود و ما برای توضیح بیشتر و بیان افضلیت و برتری فاطمه زهرا علیها...السلام در عالم ملک بر معصومین علیهم...السلام بعضی از روایات و احادیثی که این معنا را می رسانند بیان می کنیم.

سمیت فاطمه علیها...السلام بتولاً لآنها بتلت عن النظیر.

یعنی: همانا نامیده شده فاطمه به بتول چون مثل و نظیری ندارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی ائمه علیهم...السلام می فرماید:

هم الطیبون بعد امهم. (۱)

یعنی: آنان (ائمه علیهم...السلام) پاکیزه و پاکند بعد از مادرشان (فاطمه).

حضرت اباعبدالله الحسین علیه...السلام می فرمایند:

امی خیر منی.

یعنی: مادرم (فاطمه) از من بهتر و برتر هست.

امام حسن عسکری علیه...السلام در فضیلت و برتری مادرشان فاطمه علیها...السلام می فرماید:

نحن حجج الله علی خلقه و جدتنا فاطمه حجه الله علینا. (۲)

یعنی: ما حجتهای الهی بر خلق هستیم ولی مادرمان فاطمه حجت خداوند است بر ما.

در روایت دیگری وارد شده است که آن حضرت نظیر و مثل ندارد:

لآنها فطمت و تبتت عن النظیر.

یعنی: فاطمه از مثل و مانند خود جدا و منقطع گردیده است، به عبارت دیگر

یعنی در دنیا نظیر و مانند برای فاطمه وجود ندارد و این بود معنای دیگری از «خیر من الف شهر».

خلاصه اینکه حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام بر طبق مدارک روایی موجود بانوئی است که همانند خورشید بر تارک وجود می درخشد، بانوئی است که از تمامی انبیاء و اوصیاء برتر و افضل است چنانکه سوره قدر در شأن و مقام بلند حضرتش می فرماید: «لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»، چنانکه در احادیث با صراحت کامل این معنا و مقام بیان شده و همچنین فرموده اند که خدای تعالی در شأن آن حضرت فرمود:

افضله علی جمیع الانبیاء.

یعنی: فاطمه را بر تمامی انبیاء برتر و فضیلت می دهم.

اصل روایت به نحو کامل چنین است که از امام علیه...السلام سؤال شد:

لم سمیت فاطمه الزهراء؟

فقال: لأن الله عزوجل خلقها من عظمتها، فلما أشرق، أضأت السماوات والأرض بنورها و غشت أبصار الملائكة و خرت الملائكة لله ساجدين و قالوا: الهنا و سيدنا! ما هذا النور؟ فأوحى الله اليهم: هذا من نوري و اسكنته في سمائي، خلقتة من عظمتي، اخرجته من صلب نبي من انبيائي، أفضله على جميع الانبياء، و اخرج من ذلك النور ائمة يقومون بأمرى، يهدون الى حقى، و أجعلهم خلفائى من أرضى بعد انقضاء و حى.

یعنی: از امام علیه...السلام سؤال شد چرا فاطمه علیها...السلام را زهراء نامیدند؟ امام در جواب فرمود: چون خدای تعالی فاطمه علیها...السلام را از نور عظمت خود خلق کرده است، وقتی نور وجود آن حضرت طلوع کرد، آسمانها و زمین روشن شد و چشم ملائکه را خیره کرد و ملائکه برای خدا به سجده افتادند و گفتند: پروردگارا! این نور چیست؟ خدای تعالی فرمود: این نوری است از نور من که او را در آسمان قرار داده ام و او را

از عظمت خود خلق کرده ام، او را از صلب پیامبری از پیامبرانم بیرون می آورم و او را برتر و افضل از جمیع انبیاء قرار می دهم و من از این نور، ائمه و پیشوایانی که بر انجام فرامینم قیام می کنند، خارج می نمایم، آنها مردم را به حق من هدایت می کنند و من آنها را خلفای خود در روی زمین بعد از قطع شدن وحی قرار می دهم.

لذا یکی از مقامات بلند فاطمه زهرا علیها...السلام این است که بر تمامی موجودات عالم تا حتی انبیاء واجب است که از آن حضرت اطاعت کنند چنانکه از امام محمدباقر علیه...السلام نقل شده که فرمود:

و لقد كانت عليها...السلام مفروضه الطاعه على جميع من خلق الله من الجن والانس والطيور والوحوش والانبیاء والملائكة.

یعنی: او (فاطمه علیها...السلام پیروی و اطاعتش بر همه مخلوقات خدا از جن و انس و پرندگان و وحوش گرفته تا پیامبران و ملائکه مقرب واجب و ضروری بوده است.

و همچنین هیچ پیامبری به نبوت نمی رسیده مگر اینکه به فضل و محبت فاطمه اطهر امتحان می شده است.

چنانکه مرحوم سیدهاشم بحرانی در کتاب مدینه المعاجز در ضمن حدیثی نقل می فرماید:

ما تكاملت النبوه لنبی حتی اقر بفضلها و محبتها.

یعنی: نبوت هیچ پیامبری به کمال نرسید و معبود نشد مگر اینکه به فضل و محبت فاطمه اقرار کرده است.

اسحاق بن عمّار و ابوبصیر می گویند: حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی یک چهارم دنیا را مهریه فاطمه علیها...السلام قرار داد، لذا یک چهارم آن از آن فاطمه علیها...السلام است و بهشت و جهنم را نیز مهریه او قرار داد و دشمنانش را به جهنم و دوستانش را به بهشت می برد.

روایت دیگری که بیانگر برتری فاطمه است می فرماید:

هی الصدیقه الکبری و علی معرفتها دارت القرون الاولی.

یعنی: او صدیقه کبری است و امتهای گذشته به معرفت و شناسائی حضرتش باقی بوده اند.

در اینجا برای واضح و روشن شدن معنای این حدیث عرض می کنیم «قرون الاولی» به معانی متعددی تفسیر می شود.

۱. قرون و اعصار اولیه.

۲. تمام زمین و زمان شامل قرون اولی می شود.

۳. مراد از قرون تنها از آدم ابوالبشر علیه...السلام تا خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم مراد است.

۴. یا اینکه مراد از «قرون اولی» موجودات قبل از حضرت آدم علیه...السلام نیز می باشد.

و مرحوم علامه حلی می فرماید:

قرنهای اولیه اگر (منظور) قرنهای دنیوی باشد از زمان آدم ابوالبشر تا زمان امام صادق علیه...السلام که حدود صد قرن یعنی صد تا صد سال گذشته است می شود، یعنی آدم و نوح و ابراهیم و... و یا آنکه مراد از قرون اولی «عوالم اولی» است که عالم ملکوت، عالم اشباح، عالم اظله است و عالم ذر است اینها «العوالم الاولی» هستند که در زیارت جامعه (به آن اشاره می کند) و می خوانیم (حجه الله علی أهل الدنيا و الآخرة و الأولی) (تمامی این) قرون اولیه بر مدار معرفت و شناسایی فاطمه زهراء علیها...السلام چرخ می زده است، این مطلب بزرگی است قرنهای اولیه بر مدار و محور شناسایی فاطمه دور می زده است، می دانید یعنی چه؟! یعنی لازم بود بر آدم ابوالبشر که فاطمه را بشناسد، یعنی حقایق ولایتی ادوار گذشته و قرون اولی، وقتی جوهر می گرفتند و وقتی متجلی می شدند که فاطمه علیها...السلام را بشناسند.

بنابراین اولیاء و پیامبران سلف تا شناخت و معرفت به مقام فاطمه علیها...السلام

پیدا نمی کردند چرخ نبوت و مأموریتشان به حرکت در نمی آمد، آری و علی معرفتها دارت القرون الاولى.

یعنی تمام انبیاء و پیامبران قبل از اسلام و تمام امت های پیشین از آدم علیه...السلام تا خاتم صلی الله علیه و آله و سلم، اولیاء و غیر اولیاء همه و همه تا معرفت و شناخت نسبت به مقام فاطمه علیها...السلام پیدا نمی کردند و قبول ولایت آن سرور زنان و مردان دو جهان را نمی پذیرفتند کارشان به ثمر نمی رسید و به نتیجه مطلوبشان دست نمی یافتند.

و مرحوم محقق ابوالحسن النجفی در کتابشان بنام (ملتی البحرین) در ذیل این حدیث می فرماید:

مراد از قرون، قرون جمیع انبیاء و اوصیاء و اممشان می باشند، از حضرت آدم و پس از آن تا حتی نفس خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم.

با توجه به این روایت ذکر شده ملاحظه می کنیم منزلت و مقام حضرت فاطمه علیها...السلام از تمامی انبیاء و رُسل بالاتر و والاتر بوده لذا انبیاء و اممشان به معرفت و محبت فاطمه علیها...السلام امتحان می شدند و این روایات که ذکر شد تا اندازه ای معنای «فاطمه خیر من الف شهر» را بیان می کنند.

فاطمه زهرا علیها...السلام معصومه ای است که طینتش از اعلی علین خلق شده، او طاهره و مطهره ای است که به هیچ پلیدی آلوده نگردید، البتّه آن حضرت در هیچ مقام و منزلتی غیر از منزلت رسالت و امامت ظاهری و مُلکی، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه...السلام وائمه معصومین علیهم...السلام جدا نبوده و نخواهد بود و در تمام مقامات و کمالات ظاهری و معنوی با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه...السلام مساوی بوده است. لذا اگر چه مقام نبوت و خلافت ظاهری و مُلکی به فاطمه زهرا علیها...السلام که منصب خاص مرد می باشد، داده نشده ولی تمام امتیازات و مقامات آن دو منصب (نبوت و

امامت) برای حضرتش بوده و خدای تعالی به آن وجود مبارک عطا نموده به عبارت دیگر فاطمه علیها...السلام اگر چه به ظاهر نبی یا امام نبودند ولی اطاعت حضرتش به جمیع خلق واجب و فرض بوده مانند انبیاء علیهم...السلام و ائمه علیهم...السلام بدون هیچ فرقی و اختلافی.

لذا در روایاتی آمده است که:

فاطمه علیها...السلام بحر النبوه.

یعنی: فاطمه علیها...السلام اقیانوس نبوت است.

و یا در روایت دیگر می فرماید:

فاطمه علیها...السلام حجه الله.

یعنی: فاطمه علیها...السلام حجت خدای تعالی است.

و در حدیثی آمده است:

فاطمه علیها...السلام خیره الله.

یعنی: فاطمه علیها...السلام اختیارشده خاص خداوند است.

و امام جعفر صادق علیه...السلام می فرماید:

برزخ بین بحری النبوه و الامامه.

یعنی: فاطمه جامع و دربردارنده اوصاف دو دریای نبوت و امامت است.

و امیرالمؤمنین علیه...السلام می فرماید:

(انّ فاطمه) بقیه النبوه.

یعنی: فاطمه بقیه و جاودانه نبوت و رسالت است و به تعبیر دیگری وجود فاطمه است که به رسالت و نبوت جاودانگی و پابندگی می بخشد.

لذا فاطمه تکمیل کننده نبوت و امامت است که اگر فاطمه نبود نبوت انبیاء و امامت اوصیاء به کمال نمی رسید.

چنانکه در حدیث جابر بن یزید جعفی از جابر بن عبداللّه انصاری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم آمده است که خدای تعالی فرمود:

یا احمد! لولاک لما خلقت الافلاک و لو لاعلی لما خقتک و لولا فاطمه لما خلقتکما.

یعنی: ای احمد! اگر تو نبودی جهان و جهانیان را خلق نمی کردم و اگر علی نبود تو را نمی آفریدم و اگر فاطمه نبود تو و علی را خلق نمی کردم.

(سپس جابر می گوید: این از اسراری است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم امر فرمود از ناهلان کتمان شود).

در روایت دیگری آمده است:

(فاطمه) مفروضه الطاعه علی جمیع من خلق الله.

یعنی: فاطمه علیها...السلام پیروی و اطاعتش بر جمیع مخلوقات الهی فرض و واجب است.

لذا فاطمه از تمامی موجودات برتر و افضل است که جمیع موجودات به طفیل وجود حضرتش به وجود آمدند و رزق و روزی داده شدند.

چنانکه در روایتی آمده است که خدای تعالی فرمود: اگر فاطمه علیها...السلام و پدر فاطمه علیها...السلام و همسر فاطمه علیها...السلام نبود هرگز دنیا و آخرت و بهشت و جهنم را نمی آفریدم.

و در روایت دیگر وارد شده است که هنگامی که حضرت آدم خلق شد به ساق عرش نگاه کرد و دید:

نامهای فاطمه علیها...السلام و پدر فاطمه علیها...السلام و همسر و فرزندان فاطمه علیها...السلام نوشته شده است. آدم سؤال کرد: خداوند! اینان کیانند؟

جواب رسید: اینها از تبار تو و بهتر از تو و بهتر از تمام مخلوقات من هستند اگر اینان نبودند نه تو را می آفریدم و نه بهشت و جهنم را و نه زمین

و آسمان را خلق می نمودم!

روایات دیگری که افضلیت و برتری فاطمه را بر تمامی بشر اعم از زن و مرد می رساند این است که:

هی امراه بافضل رجال العالمین.

یعنی: (فاطمه) زنی است که از همه مردان دو عالم برتر و افضل است و فرزند دلبندهش حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام می فرماید:

إنّه ليس أحدٌ يسبقها الى الفضل. (۱)

یعنی: قطعاً هیچ کسی جلوتر از فاطمه علیها...السلام در فضل و برتری نیست.

با توجه به این روایتی که ذکر شد معنای این حدیث روشن می شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

لولا علی لم یکن لفاطمه کفو.

یعنی: اگر علی نبود برای فاطمه کفو و همتایی نبود. (۲)

و در روایت دیگری آمده است که تا وقتی فاطمه علیها...السلام زنده و در قید حیات مُلکی بودند بر امیرالمؤمنین علی علیه...السلام گرفتن همسر دیگر حرام بوده است.

و در حدیثی از امام علیه...السلام سؤال کردند که چرا به فاطمه علیها...السلام بتول گویند، در جواب فرمود:

سمیت بتولاً لأنقطاعها عن نساء زمانها فضلاً و دیناً و حساباً.

یعنی: فاطمه علیها...السلام بتول نامیده شد به جهت اینکه آن حضرت از جهت فضل و ایمان و حسب از زنهای زمانش جدا و منقطع بود) کنایه از اینکه هیچ زنی از جهت فضائل و ایمان و نسب به فاطمه علیها...السلام نمی رسد).

و بعداً روایاتی نقل خواهیم نمود که حضرت فاطمه علیها...السلام مثل و نظیر

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۵.

ندارد مگر پدر و همسر گرانقدرش و با آنان اتحاد نوری دارد. (۱)

در اینجا با کمک روایات دُرربار اهلیت علیهم...السلام گوشه های دیگری از افضلیت و برتری فاطمه علیها...السلام را بیان می کنیم:

تمام انبیاء و اوصیاء الهی از مجرای طبیعی و مُلکی برای هدایت بشر وارد دنیا شدند، لذا از صلبی به صلب دیگر و از رحمی به رحم دیگر انتقال یافتند جز حضرت عیسی علیها...السلام که توسط فرشته ی مقرب الهی به جناب مریم دمیده شد ولی فاطمه زهراء علیها...السلام با احترامات و تشریفات خاصّی مستقیماً در صلب اشرف انبیاء قرار گرفته و سپس به رحم پاک خدیجه عذراء منتقل شد و پای به دنیای مُلکی گذاشت و آن تشریفات اینگونه بود که خدای تعالی خاتم پیامبرانش را به بهشت دعوت می کند و در آنجا با پذیرایی نمودن از وی با سیب بهشتی که بو و عطر و نور شگفت انگیزی داشته مستقیماً نور وجود فاطمه را وارد صلب پیامبر اسلام می نماید که معلوم می شود هیچ رحمی و صلبی جز اشرف انبیاء و خدیجه عذراء که اشرف بانوان است لیاقت پذیرش نور وجود فاطمه علیها...السلام را ندارد که این خود یکی از بزرگترین فضیلت‌های فاطمه زهراء علیها...السلام است.

باز در منقبت و فضیلت آن حضرت عرض می کنیم که بطور کلی پر واضح است که معصوم علیه...السلام هرگز در کلام و بیان حقائق غلو نمی کند بلکه حقیقت هر چیز و هر شیئی را آن گونه که هست بیان می کند، چنانکه قرآن در حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ * عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» (۲)

یعنی: او از روی هوای نفس سخن نمی گوید آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر

۱- . به صفحه ۷۷ مراجعه شود.

۲- . سوره نجم، آیات ۵-۳.

او نازل شده نیست تعلیم داده به او خدای عظیم.

لذا در حقیقت کلام معصومین علیهم...السلام در حق فاطمه علیها...السلام بیان کننده مقام واقعی و بی نظیر فاطمه زهرا علیها...السلام است، که حضرتش را آن گونه که در نظام آفرینش است به جهانیان معرفی می کنند که ما در اینجا به گوشه هایی از این روایات اشاره کرده و می کنیم:

در روایتی وارد شده است: هرگاه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل فاطمه زهرا علیها...السلام قرار می گرفت با کمال محبت و رأفت می فرمود:

فداك ابوك يا فاطمه! (۱)

یعنی: پدرت فدای تو باد! ای فاطمه!

در روایت دیگری حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

اعزّ البریّه علیّ فاطمه. (۲)

یعنی: فاطمه عزیزترین خلق نزد من می باشد.

در روایت دیگری می فرمایند:

فاطمه اعزّ الناس علیّ.

یعنی: عزیزترین مردم در نزد من است.

و در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فاطمه بهجه قلبی.

یعنی: فاطمه مایه سرور و خرسندی من است.

در روایت دیگری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است که فرمودند:

فاطمه حوراء انسیّه فکلّما اشتقت الی رائحه الجنه، شممت رائحه ابنتی فاطمه. (۳)

یعنی: فاطمه حوریه ای بشرگونه است، لذا هر گاه مشتاق بوی بهشت می شوم

- ١- . بحار الانوار، ج ٢٢، ص ٤٩٠.
- ٢- . بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٢٣.
- ٣- . بحار الانوار، ج ٤٣، ص ٤.

دخترم فاطمه را می بویم.

با تأمل در این روایات که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شد گوشه هائی از عظمت و فضائل بلند حضرت فاطمه اطهر علیها... السلام روشن می شود و بر معرفت انسان نسبت به آن بانوی بزرگوار می افزاید.

در عرب مرسوم است که علاوه بر اسم و لقب از «کنیه» نیز برای تکریم و احترام به شخص استفاده می کنند و این کار بیشتر با اضافه نمودن «اب» یا «ام» به نام بزرگترین فرزند، درست می شود ولی در مورد فاطمه زهرا علیها... السلام کنیه ایشان «مادر پدر» است که نشان دهنده عظمت و نقش آن حضرت در بقاء و توسعه رسالت پدر بزرگوارشان است و همچنین نشانه شدت و محبت و رأفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرتش می باشد.

لذا حضرت امام جعفر صادق علیه... السلام می فرمایند:

کانت کنیه فاطمه بنت رسول الله، ام اییها. (۱)

یعنی: کنیه فاطمه علیها... السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم «ام اییها» بود.

و از عایشه نقل شده است که هرگاه فاطمه علیها... السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم او را در آغوش می گرفت و دستانش را می بوسید و او را به جای خود می نشانید. (۲)

باز در صحیح ترمذی از کتابهای معتبر اهل سنت از عایشه نقل شده که:

و کانت (فاطمه) اذا دخلت علی النبی صلی الله علیه و آله و سلم قام الیها فقبلها و أجلسها فی مجلسه. (۳)

یعنی: هرگاه فاطمه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد می شد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به سوی او می رفت و او را می بوسید و در جای خود می نشانید.

۱- الاستیعاب، ج ۲، ص ۷۵۲.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۴۷.

۳- صحیح ترمذی، ج ۲، ص ۳۱۹.

و در حدیث کساء نقل شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هنگامی که در خود احساس ضعف می نمود به دختر گرانقدرش که لقب «ام ابیها» دارد پناه می برد.

ثوبان، غلام آزاد شده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

كان رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم اذا سافر كان آخر عهده بانسانٍ من اهله فاطمه و اول من يدخل عليه اذا قدم فاطمه عليها... السلام. (۱)

یعنی: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هرگاه مسافرت می رفت آخرین شخصی که از خانواده اش می دید و وداع می کرد فاطمه علیها... السلام بود و آنگاه که برمی گشت بر اولین کسی که وارد می شد فاطمه بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه... السلام که خود در کمالات و مقامات ظاهری و معنوی سرآمد همه مخلوقات عالم هستند این چنین در مقابل فاطمه زهرا علیها... السلام از حضرتش تجلیل و تکریم می کنند خود نشانه ای بر عظمت و منزلت روحی و معنوی فاطمه زهرا در جهان هستی است.

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه... السلام که کفو و همتای فاطمه زهرا است و حضرتش کسی است که اگر خلق نمی شد برای فاطمه علیها... السلام همسری و همتائی نبود در شأن و مقام فاطمه زهرا علیها... السلام می فرماید هر گاه به او نگاه می کردم غصه ها و ناراحتی هایم برطرف می شد اصل روایت این چنین است که امیرالمؤمنین علیه... السلام فرمود:

فوالله ما اغضبتها ولا كرهتها علي امرٍ، حتى قبضها الله عزوجل ولا اغضبته ولا اعصت لي امرا ولقد كنت انظر اليها فتتكشف عني الهموم والاحزان. (۲)

یعنی: به خدا قسم! تا گرفته شدن روح او (فاطمه) به وسیله خداوند عزوجل هرگز فاطمه علیها... السلام را به غضب در نیاوردم و او مرا بر کاری مجبور نکرد و او نیز هرگز

۱- . مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۵.

۲- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

مرا به غضب در نیاورد و در هیچ امری از من نافرمانی نکرد. و هرگاه به اونگاه می کردم غصه ها و ناراحتی هایم برطرف می شد.

و در روایتی وارد شده است:

قال لها امیر المؤمنین علیه السلام : یا سیدتی.

یعنی: حضرت امیر المؤمنین به فاطمه زهرا می گفت: ای سرور و بزرگ من.

و در روایت دیگری وارد شده که هرگاه حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام چشمش به فاطمه علیها السلام می افتاد می فرمود:

بابی انت و امی. (۱)

یعنی: پدر و مادرم فدایت ای فاطمه.

و هنگامی که فاطمه علیها السلام در بستر شهادت افتاده بود امیر المؤمنین علیه السلام به او می فرمود:

كنت بكِ اتعزّي.

یعنی: به وسیله تو ای (فاطمه) تسلی پیدا می کردم.

و در روایتی امیر المؤمنین علیه السلام به همسری فاطمه علیها السلام افتخار می کند و در شعری می فرماید:

و لی الفخر بفاطمه و أیها ثم فخری برسول الله إذا زوّجنیها (۲)

یعنی: من به فاطمه و پدرش فخر و مباحات می کنم و آنگاه به رسول خدا، و افتخار می کنم در آن هنگام که فاطمه را به همسری من در آوردم.

و از ابان بن تغلب نقل شده که به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم:

یا بن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم! چرا فاطمه علیها السلام زهرا نامیده شد؟ فرمود:

لأنها تزهر لامیر المؤمنین فی النهار ثلاث مرات بالنور.

٢- . فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفى، ص ١١٩.

یعنی: زیرا روزی سه بار برای امیرالمؤمنین علیه...السلام نور افشانی می کرد.

و در روایت دیگر ابوهاشم می گوید از صاحب عسکر امام هادی علیه...السلام سؤال کردم:

لم سمیت فاطمه الزهراء؟

یعنی: چرا نام فاطمه را زهرا نهادند؟

فرمود:

كان وجهها يزهر لأمير المؤمنين من أول النهار كالشمس الضاحية و عند الزوال كالقمر المنير و عند غروب الشمس كالكوب الدرّی.

یعنی: زیرا سیمای او در آغاز روز چون خورشید فروزان و در میان روز چون ماه تابان و در پایان روز چون ستاره درخشان برای امیرالمؤمنین پرتو افشانی می کرد. گرچه فاطمه علیها...السلام و علی علیه...السلام هر دو برابر و همتای یکدیگر هستند و هر دو دریای بیکران فضائل و مناقب هستند ولی امیرالمؤمنین علیه...السلام مأمور به معرفی فاطمه زهرا علیها...السلام هستند، لذا در مقابل فاطمه علیها...السلام اینگونه تجلیل نموده و حضرتش را معرفی می کردند و الا حضرت علی علیه...السلام و فاطمه علیها...السلام برابر و همسر هستند.

چنانکه از امام جعفر صادق علیه...السلام نقل شده که فرمود:

علی و فاطمه بحران من العلم عمیقان لایبغی احدهما علی صاحبه.

یعنی: علی و فاطمه دو دریای عمیق علم هستند که یکی بر دیگری تعدی نمی کند.

و از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که خدای تعالی فرمود:

انا ارسلت البحرین علی بن ابيطالب بحر العلم و فاطمه بحر النبوه يلتقیان.

یعنی: من فرستادم (در دنیا) دو بحر و دریا را تا با یکدیگر تلاقی کنند، علی بن ابیطالبی که بحر علم است و فاطمه که بحر نبوت است.

با توجه به روایات ذکر شده، علی علیه...السلام که همتا و برابر فاطمه علیها...السلام و هم

طراز حضرتش می باشد چنین خشوع و احترامی نسبت به فاطمه علیها...السلام از خود نشان می دهد که اشاره به مقام و منزلت بزرگ آن بی بی دو جهان دارد که باید به آن توجه بیشتری شود.

فاطمه زهرا یگانه دهری که «خیر من الف شهر» است یعنی تمام خوبی ها و زیبایی ها عالم وجود را در بردارد، چنانکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

لو كان الحُسن شخصا لكان فاطمه الزهراء بل هي اعظم إن فاطمه إنسيه خير أهل الأرض عنصراً و شرفاً و كراماً (۱)

یعنی: اگر خوبی و زیبایی های عالم (اعم از کمال و جلال) به صورت شخصی مجسم شود هر آینه به صورت حضرت فاطمه علیها...السلام ظاهر می شود بلکه آن حضرت بالاتر از آن است همانا فاطمه دختر من بهترین اهل زمین است از جهت تبار ریشه، شرافت و بزرگواری.

باز رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی فاطمه علیها...السلام می فرماید:

ان ابنتی فاطمه ملاً لله قلبها و جوارحها ايماناً و يقيناً (۲)

یعنی: همانا خداوند پر نموده قلب و جوارح دخترم فاطمه را از ایمان و یقین.

و امام حسن مجتبی علیه...السلام می فرماید:

ما كان في الدنيا أعبد من فاطمه (۳)

یعنی: عابدتر از فاطمه در دنیا نبوده.

و در قسمتی از گفتگوی امیرالمؤمنین علیه...السلام با فاطمه ی اطهر در هنگامی که در بستر شهادت افتاده بود آمده است:

۱- فاطمه الزهراء، ص ۱۰.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۹.

۳- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.

انْتَ اعْلَمِ بِاللَّهِ وَ أَبْرَ وَ أَتَقَى وَ أَكْرَمَ وَ أَشَدَّ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ.

یعنی: تو ای فاطمه! عالم تر به خدا و نیکوتر و پرهیزکارتر و گرامی تر و خوف تو از خدا بیشتر است.

و در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ اعْطَى فَاطِمَةَ بِنْتَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ مَا لَاعَيْنَ رَأَتْ وَ لَا أِذْنَ سَمِعَتْ.

یعنی: خداوند به فاطمه امتیازاتی داده است که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی قدرت شنیدن آن را ندارد. و چنان فضیلتی دارد که در قیامت زنانی بزرگ همچون مادرش خدیجه کبری و مریم عذراء و آسیه همراه ملائکه دورش را گرفته و همانند حجاب که دیده نشود به سوی بهشت می برند:

إِنَّ آسِيَةَ بِنْتِ مِزَاحِمٍ وَ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ وَ خَدِيجَةَ يَمَشِينَ أَمَامَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا...السَّلَامُ كَالْحِجَابِ لَهَا إِلَى الْجَنَّةِ (۱).

لذا محبت و معرفت فاطمه علیها...السَّلَامُ برای رستگاری و نجات در دنیا آخرت، ملائک و محور قرار گرفته که هر کس ایمان به ولایتش بیاورد و محبت به مقام نورانش داشته باشد جزء رستگار شدگان است و الا جایگاهش دوزخ خواهد بود. چنانکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

يَا سَلْمَانَ مِنْ أَحَبِّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَهُوَ فِي الْجَنَّةِ مَعِيَ وَ مِنْ أَبْغَضَهَا فَهُوَ فِي النَّارِ.

یعنی: یا سلمان هر کسی دخترم فاطمه علیها...السَّلَامُ را دوست داشته باشد در بهشت با من خواهد بود و هر کس او را دوست نداشته باشد و بغض او را به دل داشته باشد در دوزخ خواهد بود.

و در روایت دیگری پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

يَا فَاطِمَةَ لَوْ أَنَّ كَانِ كُلَّ نَبِيٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ وَ كُلِّ مَلِكٍ قَرَّبَهُ، اسْتَغْفَرُوا فِي كُلِّ مَبْغُضٍ لَكَ، غَاصِبٍ لَكَ، مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ ابْدَأَ. (۲)

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۶.

۲- بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۵۶.

یعنی: ای فاطمه! اگر تمام انبیاء و پیامبرانی که خدا آنها را مبعوث کرده و تمام فرشتگانی که مقرب در گاه خود گردانیده است برای هر مبغض و کینه توزی و کسی که حق تو را غصب نموده است شفاعت کنند، هرگز خدا او را از آتش جهنم خارج نمی سازد.

و در روایت دیگری آمده است:

من آمن بها فقد نجی و من لم یومن بها فقد هلك.

یعنی: هر کس به فاطمه علیها...السلام ایمان بیاورد نجات و رستگار گردیده و هر کس به او ایمان نیاورد به تحقیق هلاک می گردد.

و در حدیثی آمده است:

کفر من ابغض فاطمه علیها...السلام.

یعنی: کافر است کسی که بغض فاطمه را به دل داشته باشد.

از ابن عباس نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه...السلام فرمود:

یا علی انّ الله زوجک فاطمه، و جعل صداقها الأرض، فمن مشی علیها مبغضا لک مشی حراماً.

یعنی: ای علی! خداوند فاطمه را به همسری تو در آورد و زمین را مهریه وی قرار داد، لذا هر کس با بغض و عناد تو بر زمین راه برود، به حرام راه رفته است.

در روایت دیگری آمده است: هر کس فاطمه علیها...السلام را محزون کند مشرک می شود و تمامی اعمالش حبط گردیده و از بین می رود اصل روایت این است:

إن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم امر بقطع لَصِّ.

فقال اللّص: یا رسول الله! قدمته فی الإسلام و تأمره بالقطع!؟

فقال صلی الله علیه و آله و سلم: و لو كانت ابنتی فاطمه علیها...السلام.

سمعت فاطمه علیها...السلام فحزنت، فنزل جبرئیل بقوله:

لئن أشركت لیحبطن عملك. (۱)

فحزن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لو كان فیهما آلهة إلا الله لفسدتا. (۲)

فتعجب النبی صلی الله علیه و آله و سلم من ذلك فنزل جبرائیل و قال:

كانت فاطمه علیها... السلام حزن من قولك فهذه الآيات لموافقته لترض (۳)

یعنی: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دستور داد دست دزدی را قطع کنند.

دزد گفت: ای رسول خدا! من این دست را در (راه) اسلام تقدیم کردم و شما دستور می دهید آن را ببرند؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر دخترم فاطمه (نیز به جای تو بود این دستور را می دادم)

حضرت فاطمه زهراء علیها... السلام این سخن را شنید و غمگین شد پس جبرئیل فرود آمد و این آیه شریفه را آورد:

«لئن أشركت لیحبطن عملك».

یعنی: اگر مشرک شوی حتماً تمامی اعمال تو از بین می رود و بی ارزش می شود.

سپس رسول خدا غمگین شد در همین هنگام این آیه نازل شد:

«لو كان فیهما آلهة إلا الله لفسدتا»

یعنی: اگر خدایانی در آسمان و زمین غیر از خدا وجود داشت تباه و فاسد می شدند.

رسول خدا از نزول این آیه تعجب کرد سپس جبرئیل نازل شد و گفت: فاطمه از سخن تو غمگین شده و این آیات برای

همراهی با او نازل شده تا خشنود گردد.

در شرح و توضیح این روایت شریفه عرض می کنم: پر واضح است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم قصد اذیت و

آزار صدیقه ی کبری علیها... السلام را ندارد بلکه هدف این است که اهمّیت خطر آزدن و محزون نمودن فاطمه علیها... السلام

را به همگان گوشزد کند تا همه ی مردم بدانند وقتی خداوند به پیامبرش که اشرف

۱- .سوره زمر، آیه ۶۵.

۲- .سوره انبیاء، آیه ۲۲.

۳- .اعلموا انی فاطمه، ج ۲، ص ۴۷۲.

الأنبياء است این چنین سخن می گوید، تکلیف دیگران روشن است.

و به تعبیر دیگر اینگونه سخن گفتن از قبیل ضرب المثل معروف عرب است که می گوید:

إياك أعنى و اسمعى يا جاره.

یعنی: منظورم توئی، ولی ای همسایه تو بشنو، ظاهر خطاب به شما است ولی منظور و مقصود همسایه می باشد.

همین معنی در حدیثی از امام رضا علیه...السلام آمده است هنگامی که مأمون عباسی از اینگونه آیات سؤال کرد که چگونه خدای تعالی پیامبرش را عتاب می نماید؟

امام علیه...السلام فرمود: منظور اینگونه آیات امت هستند هر چند مخاطب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱)

جان کلام اینکه خطاب در این روایت و آیه شریفه رسول خداست و سائر انبیاء که همگی امر شدند به ایمان و محبت فاطمه علیها...السلام و این امر مولوی و خطابی است حقیقی و تهدید و اندازی است واقعی، چون همانطور که قبلاً هم یاد آور شدیم غرض این آیه شریفه اشاره به یک حقیقتی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و انبیاء به آن امر شده اند، لذا انبیاء به هر تکلیفی که امر می کردند خودشان در درجه اول به آن تکلیف عمل نموده و به آن پابند بوده اند و عصمتشان مانع از تخلفشان است و اگر این آیه شریفه با این شدت و حدت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را مخاطب قرار می دهد به جهت این است که در واقع دیگران حساب کار خودشان را بکنند که آنها نیز اگر فاطمه علیها...السلام را بیازارند و محزون کنند به طریق اولی دچار حبط اعمال شده و از زیانکاران خواهند بود.

این بود قسمتی بسیار اندک از روایاتی که خیر بودن و افضلیت و برتری فاطمه را نسبت به مخلوقات بیان می کند.

اتحاد نوری فاطمه زهرا علیها السلام با دیگر ائمه معصومین علیهم السلام

جا دارد در این قسمت از این کتاب اتحاد نوری و تساوی کمالات روحی فاطمه زهرا علیها... السلام با ائمه معصومین علیهم... السلام شرح داده شود چون مطالبی که در شرح و تفسیر آیه «لیله القدر خیر من الف شهر» ذکر شد، شاید این سؤال را ایجاد کند که مگر ائمه معصومین علیهم... السلام در مرتبه ی نازلتری از فاطمه زهرا علیها... السلام قرار دارند؟!

لذا مطلب را بسط می دهیم و عرض می کنیم هنگامی که فضائل و مناقب معصومین علیهم... السلام مورد بررسی قرار می گیرد باید از دو جنبه به آنها نظر نمود:

۱. جنبه ملکوتی ۲. جنبه ملکی

جنبه ملکوتی همان خلقت روحی و نوری آن ذوات مقدسه است که همگی یکسان می باشند به عبارت دیگر در جنبه ملکوتی هیچ اختلاف و امتیازی بینشان نیست و با مراجعه به روایاتی که در خلقت ملکوتی فاطمه اطهر علیها... السلام وارد شده، می یابیم که آن حضرت در تمامی مناقب و فضائل معنوی و روحی با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه... السلام و سایر ائمه معصومین علیهم... السلام اشتراک داشته و همردیف یکدیگر و مساوی اند.

ما قسمتی از روایاتی که راجع به خلقت نوری و روحی ائمه اطهار علیهم... السلام است که می فرماید: قبل از آفرینش موجودات آنها نور واحدی بودند که همردیف و یکنواخت تمام عوالم معنا را سیر می نمودند، نقل می کنیم.

در روایتی آمده است که حضرت حق به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

انی خلقتک و خلقت علیا و فاطمه و الحسن و الحسین من شبح نور.

یعنی: به تحقیق که من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم...السلام را از یک شبح نوری خلق کردم.

جابر بن عبدالله از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

ان الله خلقتنی و خلق علیا و فاطمه و الحسن و الحسین من نور واحد.

یعنی: به درستی که خدای تعالی من و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم...السلام را از یک نور خلق نمود.

و در روایت دیگر آمده است:

لما خلق الله الجنة خلقها من نور وجهه ثم أخذ ذلك النور فقذفه أصابني ثلث النور و أصاب فاطمه ثلث النور و أصاب عليا و اهل بيته ثلث النور.

یعنی: هنگامی که خدای تعالی بهشت را از نور جمالش آفرید آن نور را باز پس گرفت ثلث آن را بر وجود من افکند ثلث دیگر را بر فاطمه و ثلث آخرین را بر علی و اولاد علی علیهم...السلام افکند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

انا و فاطمه و علی و الحسن و الحسین فی مکان واحد یوم القیامه.

یعنی: روز قیامت من و فاطمه و علی و حسن و حسین دارای مقام و منزلت واحدی هستیم.

و در روایت دیگری آمده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه فاطمه زهرا علیها...السلام شدند و امیرالمؤمنین علیه...السلام را در حال استراحت مشاهده کردند، خطاب به فاطمه علیها...السلام فرمودند:

ینی وایاک و هذین الحسنین و هذا الراقد (یعنی النائم) یوم القیامه فی مکان واحد.

یعنی: همانا من و تو (ای فاطمه) و حسن و حسین و این شخصی که در اینجا خوابیده است (علی)، روز قیامت در یک مقام و یک جا خواهیم بود.

و در زیارت جامعه می خوانیم:

إِنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَ نُورَكُمْ وَ طِينَتَكُمْ وَاحِدَةٌ.

یعنی: به درستی که ارواح و نور و طینت شما (چهارده نور الهی) یکی است.

و در روایت دیگر=ری آمده است:

نورنا واحد، روحنا واحد اولنا محمد اوسطنا محمد و آخرنا محمد و کلنا محمد علیهم...السلام.

یعنی: نور ما (چهارده حجت الهی) یکی و روحمان یکی است، اول ما محمّد، و وسط ما محمّد و آخرمان محمّد است و همگی ما محمّد می باشیم (درود و صلوات خداوند بر تمامی آن انوار الهی باد).

با توجه به روایات ذکر شده ائمه ی اطهار علیهم...السلام از جهت خلقت ملکوتی در تمامی مناقب و فضائل همدیف و همدرجه و یکسانند و به عبارت دیگر آنها در مقامات معنوی و صفات و مکارم اخلاقی بلکه در جمیع شئون با هم برابرند.

اما از جهت خلقت ملکی (دنیای خاکی) دارای مراتب و امتیازات اعتباری هستند که بر حسب این مراتب و امتیازات اعتباری، بر یکدیگر فضیلت داشته و از جهت مقامات ملکی بر یکدیگر امتیازاتی داشته اند مثل تقدم و تأخر در دنیا یعنی یکی از آن چهارده نور پاک مقدم و امام است بر آن یکی که مؤخر است و یا اینکه یکی پدر یا مادر بوده و دیگر فرزند است، یا یکی مصائب بزرگ دیده دیگر مصائب کمتر که تمام این امتیازات اعتباری است نه حقیقی، لذا بر حسب این امتیازات اعتباری در مراتب و مدارج ملکی با هم اختلاف داشته و بر یکدیگر فضیلت و

برتری دارند. مثلاً از امام زین العابدین علیه...السلام به بعد روایت وارد شده است که «تاسعهم أفضلهم» یعنی: «نهمین آنها بر آنها برتری دارد»، لذا به همین جهت است که در دید اول در راه و روش زندگی آن انوار مطهره اختلاف مشاهده می کنیم و آن به این جهت بوده که همگی آنها بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هر یک امام و رهبر بشریت بوده اند که بر حسب نیاز روز و ظرفیت افراد سخن می گفتند و مردم را هدایت می نمودند مثل صلح امام حسن علیه...السلام و قیام امام حسین علیه...السلام که هر یک به نیاز روز و ظرفیت افراد عمل کردند و اگر جایشان عوض می شد باز همان کار را می کردند که امام قبلی انجام داده بود، لذا در دید و نگاه اول در راه و روش ائمه علیهم...السلام اختلاف به نظر می آید که اعتباری بوده و به مقتضیات زمان صورت گرفته و الا به حقیقت امر هیچ اختلاف و فرقی بین آن ذوات مقدسه نیست، لذا ائمه اطهار علیهم...السلام به طور مکرر در گفتار و عمل ضمن برشمردن فضائل فاطمه زهرا علیها...السلام در عالم ملک و تشریح شئون ولایتی آن حضرت، و فضیلت دادن آن بی بی را بر خود می خواستند حق مطلب را به خوبی ادا کنند که معرفت و ولایت فاطمه علیها...السلام را ابلاغ نمایند.

تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ

ملائکه و روح به اذن پروردگارشان برای هر کاری نازل می شوند.

امام جعفر صادق علیه...السلام می فرماید:

«تنزل الملائكة و الروح فيها» الملائكة المؤمنون الذين يملكون علم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و الروح روح القدس هی فاطمه علیها...السلام. (۱)

یعنی: منظور از «تنزل الملائکه والروح فیها» فرشتگان ایمان آورنده که مالک علم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند است و منظور از «الروح» روح مقدّس و آن فاطمه علیها...السلام است.

و همچنین در روایت دیگری با مختصر اختلاف در عبارت از امام جعفر صادق علیه...السلام نقل شده که فرمود:

و قوله «تنزل الملائکه و الروح فیها» الملائکه فی هذا الموضع المؤمنون الذین یملکون علم آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم. و الروح روح القدس و هو فی فاطمه علیها...السلام. (۱)

یعنی: منظور از «تنزل الملائکه والروح فیها» فرشتگان در این موضع مؤمنانی هستند که حمل می کنند دانش آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم را و «الروح» منظور روح مقدّس و آن در فاطمه علیها...السلام است.

ابی بصیر از امام صادق علیه...السلام نقل می کند که:

تنزل الملائکه، نازل می شوند ملائکه (در این شب) بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بر هر امری که سلام است. (۲)

در شب قدر ملائکه همراه با روح به امر پروردگار نازل می شوند و تمامی مقدرات بندگان خدای تعالی را تا سال آینده از قبیل مرگ و میر، خیر و شر و جمیع مصالح عباد تعیین کرده و تسلیم امام زمان علیه...السلام می کنند. چنانکه در زیارت امام حسین علیه...السلام آمده است:

إرادة الرّب فی مقادیر اموره تهبط الیکم و تصدر من بیوتکم.

یعنی: اراده خدای تعالی در تقدیر امور (همه مخلوقات) به شما فرود می آید و از خانه های شما (و از طرف شما به همگان و جهانیان) صادر می شود.

و چون این شب از منزلت بسیار بلندی برخوردار است افضل از هزار ماه می باشد، در آن برنامه های عبادی خاصی از قبیل احیاء و قرآن خواندن

۱- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۹۷.

۲- تأویل الایات، ج ۱، ص ۷۹۱.

و دعا خواندن و توسل جستن به اولیاء خدا وارد شده است بالاخص توسل به وجود مقدس صدیقه ی کبری فاطمه زهرا علیها... السلام که توسل به حضرتش از آثار و امتیاز خاصی برخوردار است.

ابن عباس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در یک حدیث طولانی نقل کرده که فرمود:

شب قدر خداوند جبرئیل را امر می کند با گروهی از ملائکه به همراه پرچمی سبز رنگ به زمین فرود آیند، پرچم را بر فراز کعبه می نهند که دارای ششصد جناح است که دو جناح آن جز در شب قدر گشوده نمی شود، گسترش آن دو جناح به قدر تمام شرق و غرب است. جبرئیل و ملائکه را می فرستد در میان امت و سلام می کنند بر هر کسی که نشسته و شب زنده دار است، یا در حال قیام و نماز می خواند یا در حال ذکر است. با آنها مصافحه می کنند و دعای ایشان را تا طلوع فجر آمین می گویند. (۱)

روح القدس به معنای طهارت و پاکی است و اضافه «روح» به «قدس» به منظور اختصاص می باشد یعنی روحی که از قذارت‌های مادی و معنوی طاهر و از هر خطا و غلطی منزّه و پاک است که با توجه به روایاتی که ذکر شد منظور از «روح» و «روح القدس» حضرت فاطمه زهرا علیها... السلام می باشد، در اینجا همانطور که ذکر شد در شب قدر خدای تعالی طبق تشریفات خاصی ملائکه را بر امام زمان علیه... السلام نازل می کند و آنها مقدرات و مصالح جدید خلق را تسلیم امام زمان علیه... السلام می کنند، ولی طبق روایاتی که ذکر نمودیم این عمل یعنی تشریفات نزول، نزول ملائکه همراه روح مقدس فاطمه زهرا علیها... السلام صورت می گیرد و مقدرات و مصالح جدید به حجت زمان ابلاغ می گردد و این عمل جای هیچ گونه اشکال و استغرابی نیست چون خدای تعالی قدرت دارد که در شب قدر به جای «فرشته ای» برای

نزول مقدرات و مصالح از «روح مقدّس فاطمه زهرا علیها...السلام» استفاده کند و حضرتش را واسطه فیض و رحمت خویش در شب قدر قرار دهد.

به بعضی دیگر از روایات که در معرّفی روح آمده است و در آنها تفسیر و تأویل روح به حضرت فاطمه علیها...السلام بسیار نزدیک است می پردازیم:

ابی بصیر از امام صادق علیه...السلام نقل می کند که از حضرتش سؤال کردم از این آیه شریفه: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» (۱)

که روح چیست؟

امام علیه...السلام فرمود:

خلق اعظم من جبرئیل و میکائیل کان مع رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و سلم و هو مع الائمه و هو من الملكوت. (۲)

یعنی: روح موجودی است اعظم از جبرئیل و میکائیل، و او با رسول خدا بوده و با ائمه علیهم...السلام نیز همراه و از عالم ملکوت است.

و همچنین در روایتی شخصی از امام جعفر صادق علیه...السلام سؤال کرد: آیا روح همان جبرئیل است؟ امام علیه...السلام پاسخ فرمود:

جبرئیل من الملائکه و الروح هی اعظم من الملائکه، لیس انّ اللّٰه عزوجل يقول تنزل الملائکه و الروح؟

یعنی: جبرئیل از ملائکه است و روح اعظم از ملائکه است مگر خداوند متعال نمی فرماید: ملائکه و روح نازل می شوند (یعنی به قرینه مقابله، این دو با هم متفاوتند).

و در روایت دیگری، از ابابصیر نقل شده که می گوید از حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام شنیدم که در مورد «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي» فرمود:

خلق و اللّٰه اعظم من جبرئیل و میکائیل لم یکن مع احد ممن مضی غیر محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و هو مع الائمه و یوفقهم و یسددهم.

۱- .سوره ی اسراء، آیه ۸۰.

۲- .تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۴۴.

یعنی: به خداوند سوگند روح، اعظم و بزرگتر از جبرئیل و میکائیل است و با هیچ کسی از گذشتگان نبوده غیر از حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم و این روح همواره با ائمه علیهم...السلام است و کارش تشدید و تأیید آن حضرات است.

طبق احادیث ذکر شده روح القدس بعد از رحلت حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با ائمه اطهار علیهم...السلام بوده و اکنون در این زمان قرین و همراه حضرت بقیه الله علیه...السلام است که در هر شب قدر طیّ تشریفات خاصی و به همراهی و مشایعت ملائکه بر آن حضرت نازل می شود و علوم جدید از مقدرات مخلوقات را بر امام زمان علیه...السلام عرضه می کند.

سعد الاسکاف می گوید:

أتی رجل امیر المؤمنین یسئله عن الروح، الیس هو جبرئیل؟

فقال له امیر المؤمنین علیه...السلام: جبرئیل من الملائکه و الروح غیر جبرئیل یکرر ذلك علی الرجل. قال الرجل: لقد قلت عظیماً من القول ما احد یزعم ان الروح غیر جبرئیل، فقال له امیر المؤمنین علیه...السلام: انک ضال تروی عن اهل الضلال یقول الله عزوجل لنبیه اتی امرالله و لاتستعجلوه، سبحانه و تعالی عما یشرکون، ینزل الملائکه بالروح، و الروح غیر الملائکه.

یعنی: سعد اسکاف گوید: مردی خدمت امیر المؤمنین علیه...السلام رسید و درباره روح پرسید که آیا همان جبرئیل است؟ امیر المؤمنین علیه...السلام فرمودند: جبرئیل از ملائکه است و روح غیر جبرئیل است و این سخن را تکرار فرمود.

آن مرد عرض کرد: سخن بزرگی گفتمی! هیچکس عقیده ندارد که روح غیر از جبرئیل است. امیر المؤمنین علیه...السلام فرمود: تو خود گمراهی و از اهل گمراهان روایت می کنی خدای تعالی به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: فرمان خدا آمدنی است، آن را با عجله نخواهید خداوند منزّه و برتر است از آنچه مشرکان با وی شریک قرار

می دهند ملائکه را با روح فرود می آورد پس روح غیر از ملائکه است.

جابر جعفی از امام محمد باقر علیه...السلام نقل می کند که حضرتش راجع به آیه «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا» فرمود:

تفسیرها فی الباطن أنها لم یؤت العلم الا اناس یسیر.

یعنی: تفسیر این آیه در باطن این است که علم «روح» به کسی داده نشده مگر به انسانهای کم.

در روایتی آمده است هنگامی که خدای تعالی آدم را خلق نمود فرمود:

إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ. (۱)

در این هنگام جبرئیل همراه ملائکه، برای روح سجده کردند (سپس امام علیه...السلام می فرماید) خدای تعالی پرتویی از انوار ما را در وجود آدم تابش داد پس از آن امر شد به فرشتگان که از جهت آن انوار بر آدم سجده کنند. (۲)

این روایت مؤید حدیثی است که می فرماید روح القدس فاطمه علیها...السلام است، چون فاطمه علیها...السلام محور انوار ائمه علیهم...السلام است و در آیه شریفه به روح تعبیر شده است.

حسن بن جهم از حضرت امام رضا علیه...السلام روایت کرده که آن حضرت فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِيدَنَا بِرُوحٍ مِنْهُ مَقْدَسِهِ مَطْهَرِهِ لَيْسَتْ بِمَلَكٍ لَمْ تَكُنْ مَعَ أَحَدٍ مِمَّنْ مَضَى الْأَمَّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَهِيَ مَعَ الْأَئِمَّةِ مَنَّا لَتَسَدَّهُمْ وَتُوفِّقَهُمْ وَهُوَ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (۳)

یعنی: همانا خداوند عزوجل ما را به روحی مقدس و مطهر از جانب خودش تأیید

۱- .سوره ص، آیه ۷۲ و ۷۱.

۲- .بحار الانوار، ج ۱۱ ص ۱۵۰.

۳- .بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۴۸.

فرموده که فرشته نیست و از ملائکه نیست و با احدی از گذشتگان به جز رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نبوده است. با ما اهل بیت است و تأیید کننده و ارشاد کننده ما است و آن همانند عمودی از نور بین ما و خداوند عزوجل است.

با توجه به روایات ذکر شده و بالأخص روایت اخیر، شواهدی هستند که تفسیر آیه شریفه را تأیید می کنند و آن این است که اولاً این روایات می فرمایند: فرشته و ملک نیست ثانياً: با هیچ یک از انبیاء و اوصیاء قبل نبوده (چون فاطمه همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه...السلام بوده. ثالثاً: پیامبر و ائمه معصومین علیهم...السلام را یاری و تأیید می کند (چنانکه در روایات وارد شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرالمؤمنین علیه...السلام و سایر ائمه علیهم...السلام در شدائد به فاطمه علیها...السلام پناه می بردند. رابعاً: دو صفت «مقدسه» و «مطهره» دو لقب فاطمه زهرا علیها...السلام می باشد.

خامساً: در روایت اخیر صفات روح با ضمائر و کلمات تأییدی آورده شده مثل «هی» و «مقدسه» و «مطهره» که به فاطمه علیها...السلام که یک زن بوده بسیار نزدیک است.

کوتاه سخن اینکه با ملاحظه روایات گذشته تفسیر آیه مورد بحث منظور از روح وجود مقدس فاطمه ی اطهر علیها...السلام می باشد و چنانچه تفسیر فرات کوفی در یکی از معانی روح القدس فرمود: روح القدس فاطمه ی زهرا علیها...السلام است. (۱)

و این مطلب را تذکر می دهیم که برای اهل تحقیق واضح است که «روح» در معانی مختلف و متعدد دیگری نیز آمده است و ما به جهت رعایت اختصار و خروج از بحث کتاب، از ذکر آنها صرف نظر نمودیم و

فقط بر حسب روایت ذکر شده ذیل آیه شریفه «تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ...» که امام جعفر صادق علیه...السلام فرمود: روح القدس فاطمه علیها...السلام است، سعی نمودیم روایاتی که این معنا را با قرائن و اماراتی تأیید می کنند بیاوریم.

جان کلام اینکه با توجه به روایاتی که در شأن و مقام فاطمه علیها...السلام وارد شده که فرمود روح فاطمه است و او پناهگاه و تأیید کننده پیامبر و امیرالمؤمنین و ائمه علیهم...السلام بوده با معنای روایات ذکر شده در معنای روح بسیار نزدیک است و در اینجا بد نیست در ارتباط با نزول ملائکه (چنانکه در سوره قدر آمده) متذکر این مقام و مرتبه فاطمه زهرا علیها...السلام نیز شویم که ملائکه ای را خداوند گماشته که در حیات ملکی فاطمه علیها...السلام بر حضرتش نازل می شدند و با او سخن می گفتند و یا اینکه همچنان که ذکر شد در شب قدر آن بانوی بزرگوار را همراهی می کنند، در عوالم دیگر وجود نیز حضرتش را همراهی می نمایند، ما در این قسمت از این نوشته بعضی از روایاتی را که این معنا را بیان می کنند ذکر می کنیم.

ابن عباس از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

دخترم فاطمه سیده و سرور زنان عالم از اولین و آخرین است و هنگامی که در محراب عبادت به نماز می ایستد هفتاد هزار فرشته از ملائکه مقربین بر او فرود می آیند و سلام و درود می فرستند. (۱)

اسحاق بن جعفر می گوید: از امام جعفر صادق علیه...السلام شنیدم که می فرمود:

فاطمه علیها...السلام از آن سبب محدّثه نامیده شده است که ملائکه از آسمان نازل شده و همچنان که مریم دختر عمران را ندا می کردند، او را ندا می نمودند. (۲)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۴.

۲- بحارالانوار، ج ۴۲، ص ۷۸.

هنگامی که روز قیامت فرا می رسد منادی از باطن عرش ندا می کند:

ای اهل محشر سرهای خود را به زیر افکنید و چشمان خود بر هم نهید تا فاطمه علیها...السلام از صراط بگذرد، در این هنگام فاطمه علیها...السلام با هفتاد هزار فرشته از حورالعین عبور می کند. (۱)

جابر بن عبدالله انصاری در عظمت مقام فاطمه و نزول ملائکه بر حضرتش نقل نموده که: پیرمردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تقاضا نمود که احتیاج وی را رفع نماید. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: من نزد خود چیزی برای تو نمی یابم ولی هر که بر خیری راهنمایی کند مثل انجام دهنده آن است، برو به سوی منزل کسی که خدا و رسولش را دوست دارد و خدا و رسول هم او را دوست دارند، کسی که خدا را بر خود مقدم داشته، برو بر در خانه فاطمه علیها...السلام.

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا بیشتر از فضائل فاطمه برایتان نگوییم؟! خداوند گروهی از ملائکه را گماشته است تا وی را از چهار جهت حفظ کنند و آنان در حال حیات و در قبر و هنگام پس از مرگ با او هستند که بر او و پدر و شوهر و فرزندانش بسیار درود می فرستند. (۲)

و در روایت دیگری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به همین مضمون آمده است که می فرماید: خداوند گروهی از ملائکه را گماشته است تا فاطمه را از چهار جهت حفظ کنند و آنان در حال حیات و در ممات و در نزد قبر با او هستند و بر او و پدر و شوهر و فرزندانش بسیار درود می فرستند.

حضرت امام صادق علیه...السلام می فرماید:

فاطمه بنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم کانت محدّثه لم تکن نبیّه، انّما سمّیت فاطمه

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۳.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۶.

محدثه لائن الملائكة كانت تهبط من السماء فتناديها كما تنادي مريم بنت عمران، يا فاطمه ان الله اصطفاك و طهرتك و اصطفاك على نساء العالمين يا فاطمه اقتني لربك واسجدي واركعي مع الراكعين.

یعنی: فاطمه دخت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم «محدثه» بود و نبی و پیامبر نبود و به این جهت به فاطمه «محدثه» گفته شده که ملائکه از آسمان بر حضرتش فرود می آمدند کما اینکه بر مريم بنت عمران فرود می آمدند و همانطور که با مريم صحبت و تکلم می کردند با فاطمه علیها... السلام نیز تکلم می کردند و عرض می کردند:

ای فاطمه! البتّه که خداوند تو را برگزید و پاک ساخت و بر زنان جهانیان برگزید، ای فاطمه! برای خدایت قنوت گیر و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع کن. (۱)

و در روایت دیگر امام جعفر صادق علیه... السلام می فرماید:

و ان فاطمه علیها... السلام مکثت بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم خمسه و سبعین یوما و کان دخلها حزن شدید علی ابیها و کان یأتیها جبرئیل فیحسّن عزاها علی ابیها و یطیب نفسها و یخبرها عن ابیها و مکانه و یخبرها بما یكون بعدها فی ذریّتها و کان علی علیه... السلام یکتب ذلک.

یعنی: حضرت فاطمه علیها... السلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز زنده بود و از رحلت پدرش اندوهی سخت او را گرفته بود، جبرئیل نزدش می آمد و او را در فقدان پدرش نیکو تعزیت می گفت و دلش را خوش می ساخت و از حال پدرش و مقام او و آنچه بعد از او برای ذریّه اش پیش می آید گزارش می داد و علی علیه... السلام آنها را می نوشت.

و در عدّه ای دیگر از روایات وارد شده است که جبرئیل بر حضرت فاطمه علیها... السلام نازل می شد و علوم و معارفی را از آینده به حضرتش خبر می داد

که حضرت علی علیه... السلام آنها را می نوشت و به مصحف فاطمه شهرت یافت.

این بود قسمتی از روایات بسیار زیادی که در مقام والای فاطمه زهرا علیها... السلام و نزول ملائکه بر حضرتش وارد شده است.

در اینجا بد نیست این نکته را متذکر شویم که چنانچه گذشت امام جعفر صادق علیه... السلام فرموده و در آیه شریفه «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» منظور از روح، روح القدس و آن فاطمه علیها... السلام است، همچنین در روایت دیگری در عِلل الشرایع در بیان علت احتیاج به امام علیه... السلام و همچنین در بیان خصائص امام علیه... السلام از امام محمد باقر علیه... السلام نقل می کند که فرمود:

هم المعصومون المطهرون لا یدنبون و لا یعصون هم المؤیدون... و لا تفارقهم روح القدس و لا یفارقونه و...

یعنی: (ائمه) معصوم و پاکند و گناه و معصیت نمی کنند، آنها تأیید شد گانند که روح القدس از آنها جدا نمی شود و آنان از روح القدس جدا نمی گردند. (۱)

و همچنین در روایات دیگری وارد شده است خداوند انبیاء و ائمه علیهم... السلام را به روح القدس تأیید و یاری می کند.

بنابر تفسیر روح به فاطمه علیها... السلام این همیاری روح القدس با ائمه معصومین علیهم... السلام از باب تشریفات و ارج نهادن به مقام مقدس فاطمه زهرا علیها... السلام است و الا نه اینکه ائمه معصومین نقص داشته باشند که بخواهند از این طریق نقصشان را برطرف نمایند خلاصه اینکه با توجه به روایاتی که می فرماید منظور از روح در آیه «تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ» جناب صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها... السلام است مقام بسیار بلند و با عظمت فاطمه علیها... السلام به دست می آید که خدای تعالی به محبوبه اش فاطمه علیها... السلام داده که تمام امور خلایق در دست با کفایت اوست و اوست که با ملائکه در شب قدر بر امام

زمان علیه...السلام نازل می شود و مقدرات را تسلیم می کند.

سَلَامٌ هِيَ...

آن شب، شب سلامتی است.

باید دانست که «سلام» اشاره به یکی از اسماء حسنی الهی است، همچنانکه در سوره ی حشر می فرماید:

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ...

یعنی خدا که هیچ معبودی جز او نیست منزّه است سلام و ایمنی ده است.

در تفسیرالمیزان آورده است که سلام به معنای کسی است که با سلام و عافیت به تو برخورد کند نه با جنگ و ستیز و یا شر و ضرر.

راغب نیز گوید: علت توصیف خداوند به سلام آن است که عیوب و آفات به حضرتش راه ندارد، چنانکه به امر خلاق می رسد در این صورت سلام به معنی سالم است. و طبق تفسیر و تأویل «سلام» یعنی فاطمه ی زهرا علیها...السلام چنانکه روایات اسلامی این تفسیر و حقیقت را بیان می کند.

از امام جعفر صادق علیه...السلام در تعریف و تفسیر اسماء الحسنی وارد شده است که فرمود:

نحن والله الاسماء الحسنی.

یعنی: قسم به خداوند! ما اسماء نیکوی پروردگار هستیم. (۱)

برای روشن شدن مطلب عرض می کنیم «هی» مبتداء و «سلام» خبر است که مقدم شده بر مبتداء یعنی آن «لیله» تا طلوع فجر سلام است.

شب قدر شبی سراسر نور، رحمت، خیر و برکت و سعادت و بی نظیر از هر جهت است لذا یکی از معانی «سلام» این است که ملائکه از هر امری

به اذن پروردگارشان در حالی که سلام می گویند برای امام زمان می آورند. تا فجر طلوع کند.

امّا معنای دیگری که از سیاق آیات سوره ی قدر فهمیده می شود و همچنین با کمک روایاتی که در ذیل این آیات مبارکه است چنین به دست می آید که فاطمه علیها...السلام سلام است برای متمسکین به حضرتش تا طلوع فجر و قیام فرزند دلبندهش قائم آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم.

برای توضیح بیشتر عرض می کنیم اهل معرفت عقیده دارند هر موجودی به اندازه بهره وجودی اش از ویژگی های کمال، جلوه ای از اسماء و صفات بی نهایت کامل الهی را متجلی و نمایان می سازد و تنها فردی می تواند مظهر نور اسماء و صفات الهی (یعنی فاطمه ی زهرا علیها...السلام شود که با زدودن رذائل و اوصاف ناپسند به سوی نور جمال و جلال فاطمه علیها...السلام اوج گیرد و آینه تمام نمای نور فاطمه علیها...السلام گردد و خود فاطمه علیها...السلام چون آینه دار تمام اسماء و صفات پروردگار است حضرتش محور کمال و جلال صفات پروردگار قرار گرفته است. که یکی از آنها صفت «سلام» است. و چون فاطمه زهرا و ائمه معصومین علیهم...السلام مظهر جمیع اسماء و صفات الهی هستند، چنانکه فرموده اند: «نحن اسماء الله» و همچنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها...السلام فرمودند:

شق الله لك يا فاطمه اسماً من اسمائه (۱)

یعنی: خداوند جدا نموده برای تو اسمی از اسمهای خودش را.

لذا فاطمه علیها...السلام مظهر کل اسماء الهی است، فاطمه تجلیگاه علم و قدرت و عظمت و رحمت پروردگار است که یکی از آن اسماء و صفات

«سلام» است، لذا این صفت پروردگار به شهادت سیاق آیات سوره قدر که «لیلَه» تأویل و تفسیر به فاطمه علیها...السلام شده است و ضمیر «هی» به «لیلَه» برمی گردد، فاطمه علیها...السلام است.

فاطمه علیها...السلام سلام است و مظهر نور تام رحمت و رأفت و عطوفت و مغفرت الهی گردیده است، چنانچه خدای تعالی فرموده «هذا (فاطمه) نور من نوری»، هنگامی که خدای تعالی نور فاطمه علیها...السلام را خلق نمود ملائکه آسمانها از عظمت این نور به سجده افتادند و متحیر شدند و پرسیدند: ای پروردگار! این چه نوری است؟

خطاب شد:

هذا نور من نوری و اسکنته فی سمائی، خلقته من عظمتی اخرجہ من صلب نبی من انبیائی و أفضله علی جمیع الانبیاء. (۱)

یعنی: این نوری از نور من است که او را در آسمان قرار دادم و او را از عظمت خود خلق کردم، او را از صلب پیامبری از پیامبرانم بیرون می آورم و او را بر جمیع انبیاء افضل و برتر قرار می دهم.

چنانکه گفتیم «سلام» یکی از صفات خدای تعالی است که هر کس را بخواهد از این صفت بهره مند می سازد، چنانکه در روایتی وارد شده است خدای تعالی به وسیله جبرئیل «سلام» خود را به فاطمه علیها...السلام می رساند و فاطمه علیها...السلام در جواب می فرماید:

ان الله هو السلام و منه السلام و الیه یعود السلام. (۲)

یعنی: خداوند خود سلام است، و سلام از او است و به سوی او است سلام.

در این جملات اگر خوب دقت شود این معنا روشن می شود که

۱- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۲.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۸.

حضرتش فانی در سلام خاص خدای تعالی بوده تا جائی که خود مظهر تام سلام خدای تعالی می گردد.

فاطمه تجلی علم و حکمت خدا است

فاطمه مظهر صبر و حلم خداست

فاطمه تجلی عظمت و قدرت خداست

فاطمه مظهر جمال و جلال خداست

مجمع البیان از قتاده نقل می کند که «سَلَامٌ هِيَ» یعنی این «لیله» تا آخرش سلامتی از شرور و بلا یا و آفات شیطان است.

و از عطاء و کلیبی نقل می کند: «سَلَامٌ هِيَ» یعنی سلام بر اولیاء خدا و اهل طاعت او، و هر وقت که ملائکه در این شب آنها را ببینند از طرف خدا بر ایشان سلام می کنند. مفردات نوشته:

«سلام» و «سلامت» به معنای عاری بودن از آفات ظاهری و باطنی است، لذا جمله «سَلَامٌ هِيَ» این چنین می شود که «لیله القدر» سلامت است و شامل همه آن بندگانی می شود که به سوی او روی می آورند، لذا آن شب برای آنان سلامت را به ارمغان می آورد.

و چنانکه عرض کردیم ضمیر «سَلَامٌ هِيَ» به «لیله» که تأویل و تفسیر به فاطمه علیها...السلام شده بود بر می گردد، پس فاطمه زهرا علیها...السلام نیز سلام است به این معنا که ایشان خیر و برکت و سلامت هستند برای افرادی که به معرفتش قائل شوند و ولایتش را بپذیرند تا زمان ظهور مطلع الفجر، چون اگر بخواهید که به حقیقت «سلام» برسید و آن معنی را که خداوند در این اسم مبارک قرار داده است در یابید باید ابتدا خود را سالم بدارید و نفس خود را سالم کنید تا برکت سلامت نفس شامل خودتان و دیگران شود و برای سالم

داشتن نفس خود فقط و فقط باید دین خود را سالم نگاه داشت و سالم نگاه داشتن دین و عمل، جز اقتدا به فاطمه علیها... السلام و دیگر معصومین علیهم... السلام هرگز امکان ندارد، چنانکه زیارت جامعه همین معنا را می فرماید:

وما خصنا به من ولایتکم طیباً لخلقنا و طهاره لانفسنا و تزکیه لنا و کفاره لذنوبنا.

یعنی: و آنچه (خدای تعالی) اختصاص داده به ما از ولایتان برای نیکویی خلقت ما و طهارت نفسمان و تزکیه ی ما و کفاره گناهان ما است.

و بدین جهت نیز است که خدای تعالی در هر اذان و اقامه ای مسلمانان را دعوت نموده که با صدای بلند یکدیگر را به سوی «خیرالعمل» یعنی «اقتدا به فاطمه» دعوت کنند، چنانکه از حضرت امام جعفر صادق علیه... السلام سؤال شد: چیست معنای «حی علی خیرالعمل» بشتابید به سوی بهترین عملها؟ فرمود:

خیر العمل بَرِّ فاطمه و وُلدها.

یعنی: خیرالعمل نیکی و اقتدا نمودن به فاطمه و فرزندان فاطمه است. (۱)

و هر گاه کسی خطا و اشتباهی مرتکب شده و سپس توبه نموده و به سوی آن حضرت پناه برده باشد «سلام» شامل این شخص نیز می شود چنانکه قرآن می فرماید:

انه من عمل منکم سوء بجهاله ثم تاب من بعده و اصلح فانه غفور رحیم.

یعنی: هر آینه کسی از شما به سبب نادانی مرتکب عمل زشتی گردد و سپس توبه کرده و نفس خود را اصلاح کند، خداوند آمرزنده و مهربان است.

به عبارت دیگر این آیه شریفه می فرماید: باید قابلیت «سلام» را در خود ایجاد کنیم تا به حقیقت «سلام الهی» برسیم.

خلاصه کلام اینکه مؤمنین باید اقتدا به این اسم خدا (فاطمه) نمایند و آن وجود مقدس را برای خود در سراسر زندگی الگو قرار دهند تا بر اثر این

پیروی و اقتدا خود مظهر برخی از اسماء خدا به نحو موجب جزئیة گردند.

نکته ای که در اینجا باید تذکر دهیم اینست که حضرت فاطمه علیها...السلام که خود «سلام» هستند به این معنا است که ایشان تمام خیر و برکت و سلامت هستند و سالم بودن آن حضرت امان دادن است از تمام شرور زمانه و اینکه از ایشان شرّی نمی رسد. چون وجود مقدّس فاطمه علیها...السلام و دیگر معصومین علیهم...السلام خیر محض هستند و ابدا شائبه شرّی در آنها متصوّر نیست تا آنکه لازم باشد از خود به دیگران امان دهند، آن وجود مبارک در ذات و صفات و افعالشان هیچ نقص ندارند و از هر عیبی منزّه و میزّی می باشند چنانکه در روایت آمده است:

إنّما سمیت فاطمه بنت محمد "طاهره" لطهارتها من کل دنس.

یعنی: به این جهت فاطمه علیها...السلام دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «طاهره» نامیده شده که خداوند او را از جمیع پلیدیها و آلودگیها پاک و منزّه گردانیده است.

و در روایت دیگر در وجه تسمیه آن حضرت به «فاطمه» فرموده اند:

فطمت من الشرّ (۱)

یعنی از هر شر و بدی بریده شده (و در امان و سلامت است) و به همین معنا سوره ی احزاب آیه ۳۳ اشاره دارد که می فرماید:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا.

یعنی: همانا خداوند اراده نموده که دفع کند از شما اهل بیت پلیدی را و طاهر و پاک گرداند به پاکی کاملی.

لذا آن بی بی «سلام» هستند و تمام حرکات و سکانات و اقوال و افعال و احوال آن بی بی بزرگوار خیر محض است و برای هیچ مفسده و شرّی در

آن وجود مبارک راهی نیست و محض خیر و برکت و دعا می باشند تا حتی در آن ایام مصیبت باری که به در خانه اش هجوم آوردند و همسر بزرگوارش را به طرز فجیعی از خانه بردند و حضرتش را مجروح و مضروب کردند، در آن لحظات غم بار و پر تلاطم از مردم بی گناه غافل نبود و به جهت حفظ و آسیب ندیدن آنها نفرین نفرمود، چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه...السلام می فرماید:

ان فاطمه علیها...السلام لَمَّا اُنْ كَانَ مِنْ اَمْرِهِمْ مَا كَانَ اخذت بتلابیب عمر فجذبتہ الیہا ثم قالت علیہا...السلام:

اما و اللہ یا ابن الخطاب لو لا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له، لعلمت انی سأقسم علی اللہ ثم اجدہ سریع الاجابہ.

یعنی: چون آن مردم کردند آنچه کردند (کنایه از آتش زدن خانه و مجروح و مضروب کردن آن بی بی و بردن علی علیه...السلام را به مسجد) فاطمه علیها...السلام گریبان عمر را گرفت و او را کشید و فرمود: همانا به خدا قسم ای پسر خطاب! اگر من از رسیدن بلا به بی گناهان کراهت نداشتم می فهمیدی که خدا را سوگند می دادم و او را زود اجابت کننده می یافتم (یعنی من نفرین می کردم و به زودی بلا نازل می شد و همگان را مقصران و بی تقصیران را شامل می گشت ولی نمی خواهم بی گناهان به آتش تو بسوزند).

لذا هر کس به سوی حضرتش پناه برد مشمول سلام آن حضرت می گردد، چنانکه قرآن در این آیه شریفه که یکی از مصادیق آن فاطمه زهرا علیها...السلام است می فرماید:

«وَ اِذَا جَاءَكَ الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِآیَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَیْكُمْ»

یعنی: وقتی کسانی که به آیات ما ایمان دارند به نزد تو آمدند به آنها بگو سلام

بر شما باد.

باید این حقیقت را نیز بیان کنیم که گروهی از افراد بشر استعداد دریافت اسم «سلام» را ندارند و مورد لعن و نفرین الهی قرار می گیرند چنانکه سوره ی احزاب می فرماید:

مَلْعُونِينَ أَيْمًا ثَقُفُوا أُخِذُوا وَقُتِلُوا تَقْتِيلًا. (۱)

یعنی: از همه جا وارد می شوند و هر جا یافت شوند گرفته خواهند شد و به سختی کشته خواهند شد.

حاصل کلام بنابر اینکه «سلام» رحمت خاص الهی است و تنها کسانی که با اختیار خویش گریزانند از این نعمت «سلام» محروم و در جهنم لعنت الهی گرفتار و معذب خواهند بود و اینان کسانی هستند که از ولایت فاطمه علیها... السلام روی گردانیده اند و اطاعتش نکرده اند چنانکه خود فاطمه علیها... السلام فرموده اند:

و من خالفنا فقد خالف الله و من خالف الله فقد استوجب من الله العذاب الالیم و العقاب الشدید فی الدنیا و الآخرة (۲)

یعنی: و هر کس با ما مخالفت کند تحقیقاً که با خدا مخالفت کرده و هر کس با خدا مخالفت کند از جانب خداوند مستحق عذاب سخت و عقاب شدید در دنیا و آخرت می گردد.

در اینجا توجه شما را به روایاتی که خبر از نجات و رسیدن به حقیقت سلام برای شیعیان و دوستداران حضرت فاطمه علیها... السلام می دهد، جلب می کنم:

چنانکه اسماء بنت عمیس می گوید: در لحظه های آخر عمر فاطمه علیها... السلام متوجه آن بانوی بزرگ بودم، ابتدا غسل کرد و لباسها را عوض کرد و در خانه

۱- . سوره احزاب، آیه ۶۱.

۲- . بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۵.

مشغول راز و نیاز با خدای متعال شد. جلو رفتم، فاطمه علیها...السلام را دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را به سوی آسمان بلند کرده و چنین دعا می خواند:

الهی و سیدی اسئلک بالذین اصطفیتهم و ببکاء وُلدی فی مفارقتی ان تغفر لعصاه شیعی و شیعه ذریتی.

یعنی: پروردگارا! بزرگوارا! به حق کسانی که برگزیدی و به گریه های فرزندانم که در فراق من اشک می ریزند، از تو می خواهم گنهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان مرا ببخشائی.

مطلب حائز اهمیت است که از این روایت در معنای «سلام» بودن آن حضرت به دست می آید اینست که حضرت فاطمه زهراء علیها...السلام خدا را به اشک چشمان فرزندانش اعم از فرزندان معصوم و غیرمعصومش که شامل سادات نیز می شود قسم داده اند، آن حضرت به اشک چشم فرزندانش که برای فقدان حضرتش و ظلمهایی که به آن مادر شده است اشک می ریزند، قسم یاد نموده که خداوند شیعیان گنهکارش را بیامرزد از این روایت ارزش این نوع گریه و اشک ریختن نیز منکشف می شود.

لذا جای دارد مؤمنین به مجالسی که به نام نامی فاطمه علیها...السلام اقامه می شود بیشتر توجه کنند، چون حقیقتاً دعای فاطمه علیها...السلام در آن مجالس مستجاب است، زیرا حضرت بدین وسیله گنهکاران از شیعیانش را شفاعت نموده تا خداوند از گناهانشان درگذرد و آنان را بیامرزد، این دعای آن حضرت سبب پاک شدن و استجاب دعای مؤمنین نیز می گردد که نمونه ای دیگر از معنای «سلام» بودن آن حضرت می باشد.

در روایت دیگر آمده است: در روز محشر که خلائق جمع گردیده و همه در اضطراب و هراس هستند حضرت فاطمه علیها...السلام به پیشگاه خدای تعالی

ندا می دهد:

الهی و سیدی ذریتی و شیعتی و شیعه ذریتی و محبّی و محبّی ذرّیتی.

یعنی: ای معبود و مولای من! نجات فرزندان و شیعیان و نجات شیعیان فرزندانم و دوستان خود و فرزندانم را خواهانم.

در اینجا به برکت فاطمه زهرا علیها...السلام شیعیان و دوستان فاطمه علیها...السلام از پل صراط مانند برق عبور می کنند و نجات می یابند.

در روایت دیگر خدای تعالی به فاطمه علیها...السلام می فرماید:

فمن اعتصم بک نعمه معک فی الجنه فعند ذلک یوّد الخلاق انهم کانوا فاطمین. (۱)

یعنی: هر کسی به ولایت تو چنگ زند در بهشت با تو در نعمت و همراه تو خواهد بود. اینجا است که همه خلائق آرزو می کنند ای کاش «فاطمی» بودند.

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خبر از ورود تمامی شیعیان فاطمه در دارالسلام دنیا و آخرت که همان دارالنعیم است، می دهند و می فرمایند:

فتدخل فاطمه ابنتی الجنه و ذریتها و شیعتها و ذلک قوله تعالی «لا یحزنهم الفزع الاکبر، و هم فی ما اشتت انفسهم خالدون» هی واللّه فاطمه و ذریتها و شیعتها.

یعنی: سپس دخترم فاطمه و فرزندان و شیعیانش وارد بهشت می شوند چنانکه خدای تعالی فرموده: به هراس در نمی آورد ترس بزرگ (روز قیامت) و آنها در آنچه میل دارند متنعم و جاودانند، قسم به خداوند آنها فاطمه و فرزندان فاطمه و شیعیان فاطمه هستند

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایت دیگری می فرماید:

ان الله عزوجل فطم ابنتی فاطمه و ولدها و من احبهم من النار فلذلک

یعنی: همانا خداوند متعال قطع نموده دخترم فاطمه را و فرزندانش را و هر کس دوست بدارد آنها را از آتش، بدین جهت است که (دخترم) نامیده شده به فاطمه.

و در روایتی وارد شده است که فاطمه علیها...السلام از خداوند نجات دوستانش را خواسته و فرمود:

الهی انت المنی و فوق المنی، اسئلک ان لاتعذب محبی و محبی عترتی بالنار. (۱)

خدایا! تو امید من، بلکه بالاتر از امید من هستی، از تو می خواهم که دوستان من و دوستان فرزندانم را به آتش عذاب نکنی.

و حضرت امام محمد باقر علیه...السلام می فرماید: خدای عزوجل در روز قیامت می فرماید: ای فاطمه! من نام تو را فاطمه گذاشتم و به واسطه ی تو هر کس را که تو را دوست بدارد و به تو متصل گردد و ذریه ی تو را دوست بدارد و به آنان متصل شود او را از آتش جهنم حفظ می کنم و وعده ی من حق است و تو را شفیع قرار دادم. (۲)

نمونه ای از «سلام» بودن فاطمه علیها...السلام که خاص فرزندانش می باشد سلامی است که در وصیتشان به تمامی ذراری و فرزندانش تا روز قیامت نموده:

و اقرء ولدی السلام الی یوم القیامه.

یعنی: (علی جان!) تا روز قیامت سلام مرا به فرزندانم برسان

در اینجا این حقیقت را یادآور می شویم که به صریح روایت حضرت امام محمدباقر علیه...السلام خداوند به برکت فاطمه ی زهرا علیها...السلام سادات را در دنیا و آخرت نجات می دهد، البته اگر خودشان بخواهند و توبه نمایند هرچند گنهکار باشند و نباید مایوس از رحمت خداوند گردند چنانچه آن حضرت

۱- بیت الاخزان، ص ۲۷.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۱۴.

در تفسیر آیه ۵۳ سوره زمر در شأن فرزندان فاطمه زهرا علیها... السلام فرمودند:

.... و فی ولد فاطمه علیها... السلام انزل الله هذه الآیه خاصه:

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (۱)

یعنی: و در مورد فرزندان فاطمه مخصوصاً این آیه نازل شده:

ای بندگانم که بر خود ظلم نموده و اسراف کرده اید از رحمت خداوند مأیوس نشوید که همانا خداوند می آمرزد همه گناهان را و اوست بسیار آمرزنده و مهربان.

حضرت رسول به دختر گرامی شان این بشارت را می دهد و می فرماید:

یا فاطمه! من صلی علیک غفر الله تعالی له و الحقه بی حیث كنت فی الجنة. (۲)

یعنی: ای فاطمه! هر کسی بر تو درود و صلوات فرستد، خداوند بزرگ او را می آمرزد و در هر جای بهشت که باشم او را به من ملحق می سازد.

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد نجات شیعیان فاطمه علیها... السلام نقل می کند که فرمود:

اشهدکم انی قد امنت شیعتها من النار. (۳)

یعنی: شما را شاهد می گیرم که شیعیان و پیروان فاطمه علیها... السلام را از آتش دوزخ نجات داده و امتیت بخشیده ام.

خلاصه اینکه صدیقه کبری فاطمه ی زهرا مظهر اسماء و صفات پروردگار می باشد که یکی از آن اسماء و صفات «سلام» است.

و همچنین می توان معنای سلام بودن آن بانوی بزرگوار را از این روایت بدست آورد که فرزند دلبندهش حضرت امام جعفر صادق علیه... السلام می فرماید:

۱- . بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۵۸.

۲- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۵.

۳- . بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۱۷.

نحن اصل كل خير و من فروعنا كل برٍ من البر التوحيد، و الصلاه و الصيام، و كظم الغيظ، و العفو عن المسيئ و رحمه الفقير، و تعاهد الجار و الاقرار بالفضل لاهله.

یعنی: ما اصل تمام خیرها و خوبی‌ها هستیم و تمام نیکی‌ها از فروع ما است که از جمله این نیکی‌ها: توحید، نماز، روزه، فرو بردن خشم، عفو از گناهکار، مهربانی به فقیران رسیدگی به همسایگان و اقرار به فضل و برتری صاحب فضل است.

در اینجا توجه شما را به روایت زنان یهود جلب می‌کنم که در آن آمده است: زنان یهود هنگامی که جلوه‌ای از جمال و جلال فاطمه علیها... السلام را دیدند در برابرش زانو زده و او را سجده کردند و زمین را می‌بوسیدند و از خود بیخود شده بودند و اشک می‌ریختند، در این هنگام «سلام الهی» شامل حالشان می‌شود و فاطمه علیها... السلام تک تک آنها را نوازش نمود و از زمین بلند می‌کرد و به دست مبارکش ایمان آورده و در پناه اسلام قرار گرفتند. اصل روایت اینگونه است:

طایفه‌ای از یهود عروسی داشتند نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمدند و گفتند: برای ماست حق همسایگی، خواهش می‌کنیم که فاطمه را به خانه ما بفرستید تا زیاد شود رونق عروسی ما و به آن حضرت بسیار خواهش و اصرار نمودند، در جواب فرمود: او همسر علی بن ابیطالب علیه... السلام است و او در حکم و فرمان اوست. پس خواهش کردند آن حضرت نزد علی بن ابیطالب علیه... السلام شفاعت کند تا حضرتش بپذیرد. جماعت یهود جمع کردند لباسها و کمر بندهای عتیقه‌ی خود را و زینتها و زیورهای که داشتند و گمان می‌کردند که فاطمه زینت نکرده می‌آید و می‌خواستند او را خفت و خواری دهند پس جبرئیل نازل شد با جامه‌ها و زینت و زیورهای بهشتی که مانند آنها را ندیده بودند، و فاطمه علیها... السلام آنها را پوشید و به آنها زینت کرد

به نحوی که تعجب کردند، مردمان از زینت او و رنگها و بوهای خوش آنها، چون فاطمه با آن زینت ها وارد خانه یهود شد، زنهای ایشان به او سجده کردند و در برابر او زمین را می بوسیدند. و به این سبب خلق بسیاری از زنان یهود مسلمان شدند. (۱)

پر واضح است که زنان یهود به جهت لباس و زینتهای فاطمه علیها...السلام منقلب نشده بودند و سجده نمی کردند بلکه به جهت لیاقتی که داشتند گوشه ای از عظمت و جلال و جمال الهی فاطمه علیها...السلام را دیدند، لذا از خود بیخود شده بودند و به زمین به حالت سجده افتاده بودند و نهایتاً مشرف به دین اسلام گردیدند و اینگونه اسلام به خانه های یهود نفوذ کرد و «سلام الهی» شامل حال آنها گردید.

اهل معرفت اسماء و صفات خداوند را بر دو دسته تقسیم می کنند: «جمالیه» و «جلالیه».

اسماء و صفاتی که در بردارنده مفاهیمی چون محبت و لطافت و رأفت و عطف و رحمت باشد به صفات جمالیه تعبیر می شود که یکی از آنها «سلام» است و آن دسته اسماء و صفاتی که در بردارنده مفاهیمی چون صلابت غضب، عقوبت و قهاریت و جباریت می باشند، جزء صفات جلالیه قرار می دهند. و همه ی اسمائی که برای خدای تعالی در قرآن ذکر شده در این دو قسم داخلند و همانطوری که عرض کردیم «سلام» یکی از آن اسمائی است که در قسم صفات جمالیه داخل است و بر طبق روایات بسیاری منظور از «اسم» و «اسماء» خدای تعالی که در قرآن آمده چهارده نور پاک محمّد و آل محمّد علیهم... السلام می باشند. که فاطمه زهراء علیها...السلام یکی از

آن انوار پاک است و با جرأت می توان گفت فاطمه علیها...السلام مظهر کل اسماء جلال و جمال الهی است تا جائی که رضایت و خشنودی حضرتش یا خشم و غضبش معیار رضایت و خشنودی خدای تعالی و خشم و غضب حضرت حق گردیده.

لذا در روایات آمده است:

انّ الله لیغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها. (۱)

یعنی: خداوند با خشم فاطمه خشمگین و با رضایتش راضی می گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به دخت گرانقدرشان می فرمایند:

یا فاطمه انّ الله لیغضب لغضبک و یرضی لرضاک. (۲)

یعنی: ای فاطمه! همانا خداوند با خشم تو به خشم می آید و با رضایت تو راضی می گردد.

ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که فرمود:

انّ فاطمه شجنه منی یؤذینی ما آذاها و یسرنی ما سرّها و انّ الله تبارک و تعالی لیغضب لغضب فاطمه و یرضی لرضاها. (۳)

یعنی: همانا فاطمه شاخه و پاره ای از من است هر که او را اذیت کند مرا اذیت کرده و هر کس مسرور کند او را، مرا مسرور کرده و همانا خداوند متعال غضب می کند به غضب فاطمه و خشنود می شود به خشنودی فاطمه.

آری فاطمه همان بانویی است که مظهر اسماء و صفات پروردگارست، لذا قهرش معیار قهر خداوند و خوشنودی اش ملاک خوشنودی خداوند قرار گرفته است.

۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

۲- مسند فاطمه، ص ۳۵۵.

۳- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۶.

چگونه می توان به سلام و خوشنودی فاطمه زهرا علیها...السلام رسید؟

در جواب این سؤال توجه شما را به این دستورالعمل که از حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام نقل شده است، جلب می کنیم:

در تفسیر امام حسن عسکری علیه...السلام آمده است که روزی مردی به همسرش گفت: نزد فاطمه علیها...السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برو و سؤال کن آیا من از شیعیان حضرتش هستم یا خیر؟

آن زن خدمت حضرت فاطمه علیها...السلام رسید و سؤال کرد.

حضرت فاطمه علیها...السلام فرمود: به شوهرت بگو:

ان كنت تعمل بما امرناك و تنها عمّا زجرناك عنه فانت من شيعتنا و الا فلا.

یعنی: اگر به دستورات ما عمل می کنی و از منہیات ما می پرهیزی از شیعیان ما هستی و گرنه شیعه ما نیستی.

آن زن بازگشت و پاسخ را به شوهرش رساند. مرد گفت: وای بر من کیست که هیچ گناهی نکند و از خطا دوری کند! بنابراین من در آتش جهنم جاودانه خواهم بود زیرا کسی که شیعه آنان نباشد همیشه در آتش است. آن زن برگشت و گفتار شوهرش را به حضرت فاطمه علیها...السلام رساند.

حضرت فاطمه فرمودند: به او بگو شیعیان ما از برجستگان اهل بهشت هستند. و هر یک از محبین ما و محبین محبین ما و دشمنان دشمنان ما و هر کس که به قلب و زبان تسلیم ما باشد ولی اوامر و نواهی ما را در اموری که آنان را به هلاکت (وسوء عاقبت) مبتلا می کند، مخالفت نماید باز آنها وارد بهشت می شوند، اما بعد از آنکه از گناهانشان طاهر و پاک شوند تا اینکه ما به محبت خود آنان را از جهنم نجات دهیم و به نزد خود می بریم. (۱)

در این دستورالعمل حضرت فاطمه علیها...السلام می فرمایند هر کس بخواهد به سلام و بهشت برسد باید به آنچه که ما امر می کنیم عمل کند و اطاعت نماید و از آنچه که ما نهی می کنیم خود را نگه دارد تا در زمره شیعیان شان قرار گیرد. و به طور کلی چنین نتیجه گرفته می شود که کسانی که به معرفت این «لیله القدر» یعنی فاطمه علیها...السلام دست یابند و در حریم معرفت و محبت و اطاعت او قرار گیرند و در میان تاریکی ها و آشفته بازار غیبت امام زمان علیه...السلام، زمینه های اتصال را در خود فراهم نموده باشند به وادی «سلام» رسیده اند و در حریم محبت رأفت و نعمتهای الهی چه مادی و چه معنوی وارد می شوند و از هر بدی و پلیدی و ناخوشی در امان قرار می گیرند.

حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

تا وقتی که فجر طالع شود.

قاسم بن عبید از امام جعفر صادق علیه...السلام نقل می کند که فرمود:

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ یعنی بخروج القائم علیه...السلام. (۱)

و در روایت دیگری که از زراره نقل می کند می گوید: امام جعفر صادق علیه...السلام فرمود:

حتى مطلع الفجر یعنی حتی یقوم القائم علیه...السلام. (۲)

یعنی: «حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ» یعنی تا زمانی که حضرت قائم علیه...السلام قیام می کند.

سلام و برکت و خیر در «لیله القدر» امتداد دارد تا وقت طلوع فجر و حَتَّى در یک آن هم قطع نمی شود بلکه در تمامی مدّت آن شب ادامه خواهد داشت.

از امام جعفر صادق علیه...السلام نقل شده که فرمود منظور از «حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ»

۱- فرات الکوفی، ج ۱، ص ۵۸۱.

۲- بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۶۹.

زمان ظهور موفورالسرور حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) است و با توجه به روایات قبلی که فرمود: تأویل «لیله القدر» فاطمه زهرا علیها... السلام است معنای این آیه چنین می شود که حضرت فاطمه سلام و خیر است برای افرادی که در شب تاریک غیبت معرفتش را درک نموده و به حضرتش اقتدا کنند و به ذیل عنایت کریمانه اش متوسل شوند و در صدد تقرب روحی و معنوی با آن بی بی بزرگوار برآیند، و این امر امتداد دارد تا فرزند دلبندهش حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) ظهور کند. و بر جمیع مردم فضلشان روشن و آشکار گردد.

در اینجا این نکته را تذکر دهم که کلمه ی «حتی» دلالت بر «انتهای» شب و نقطه ی پایان شرایط نامساعد غیبت دارد که در این زمان و شرایط نامساعد فاطمه علیها... السلام برای مؤمنین و متوسلینش «سلام» است و مسلّم است که بعد از طلوع فجر و ظهور قائم علیه... السلام باز فاطمه علیها... السلام «سلام» است به عبارت دیگر در ایام تاریک غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فاطمه علیها... السلام برای گروه خاصی از مؤمنین «سلام» است و بعد از تجلی و ظهور دولت حق که تمام عالم از تاریکیهای جهل و ظلم ها رهایی بخشیده می شوند و به ایمان کامل می رسند، فاطمه علیها... السلام برای همه افراد «سلام» هستند.

در حقیقت این مطلب بشارت و پیامی است برای مسلمانانی که ولایت فاطمه علیها... السلام را پذیرفته اند و محبت به آن وجود مطهر دارند. که در این دوران ناامید نباشند و با ایمان راسخ و محکم در زمان تاریک غیبت با اصلاح نفس خود و با عمل به دستورات اسلام و توسل به آن بانوی دو سرای هستی خود را به «سلام» و جلوه نمای صفات الهی یعنی فاطمه علیها... السلام و جنة النعیم برسانند. و مسلّم است که بعد از «حتی» که زمان ظهور است همه از الطاف خاص و «سلام» حضرت فاطمه علیها... السلام توسط یگانه فرزندش بقیه الله (ارواحنا فداه)

بهره مند می گردند، به این معنا که مسلّم است که بعد از طلوع فجر و ظهور قائم علیه...السلام باز مؤمنین و اهل معرفت در «سلام» هستند و در الطاف و عنایات خاصّه ی فاطمه علیها...السلام و فرزند برومندش بقیه الله (ارواحنا فداه) قرار دارند و در حقیقت در بهشت دنیای خاکی به کمال لذائد معنوی و مادی می رسند. چون با ظهور حضرت بقیهالله علیه...السلام تمامی تاریکی ها و ظلم ها و بی حرمتی ها از بین می رود و نقطه ی پایان شرایط نامساعد خواهد بود که پس از آن همه ی مردم و خلق در نعمت واقعی و در «سلام» همیشگی قرار می گیرند.

فصل سوم: سرّ آیاتی از سوره مبارکه دخان

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حم * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ *

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ *

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ. (۱)

۱- . سوره مبارکه دخان، آیات ۱-۶.

سَرَّ آیاتی از سوره دُخَان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حم * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ * فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ.

یعنی: حم، سوگند هبه این کتاب روشن، همانا ما آن را در شب مبارک نازل کردیم، همانا ما انذارکننده بوده ایم، در آن شب هر امری براساس حکمت تدبیر و جدا می گردد.

عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه...السلام قال: (فی لیلہ المبارکہ) و اما اللیلہ ففاطمه علیها...السلام.

در این قسمت از این کتاب آیات سوره «حم دُخان» به مناسبت اینکه در آن «اللیلہ» به «فاطمه» تأویل و تفسیر شده است، آورده شد، که خود تأیید و تشدید تفسیر سوره قدر نیز می باشد. قسمتی از اصل روایت این چنین است:

جعفر بن ابراهیم قال: کنت عند ابی الحسن موسی بن جعفر علیه...السلام اذا أتاه رجل نصرانی (فسأله عن مسائل، فکان فیها مسأله الی ان قال له) أخبرنی عن «حم و الکتاب المبین انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ انا کنا منذرین، فیها یفرق کل امر حکیم» ما تفسیرها فی الباطن؟

فقال علیه...السلام: اما «حم» فهو محمد صلی الله علیه و آله و سلم و هو فی کتاب هود الذی انزل علیه و هو منقوص الحروف و اما «الکتاب المبین» فهو امیر المؤمنین علیه...السلام و اما «اللیلہ» ففاطمه علیها...السلام و اما قوله «فیها یفرق کل امر حکیم»، ینخرج منها خیر کثیر فرجل

حکیم و رجل حکیم و رجل حکیم (۱)

جعفر بن ابراهیم می گوید: خدمت حضرت موسی بن جعفر علیه... السلام بودم که مردی نصرانی وارد شد و گفت: من سؤال دارم. حضرت فرمود: بپرس. گفت: خبر دهید به من از معنای باطن «حم» و «کتاب مبین» و «انا انزلناه فی لیلہ المبارکہ انا کنا منذرین، فیها یفرق کل امر حکیم». حضرت فرمودند: حم حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و این نام در کتاب هود است که بعضی از حروف آن ذکر نشده و اما «کتاب مبین» امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه... السلام است و «لیلہ» فاطمه است و اما «فیها یفرق کل امر حکیم» یعنی از او (فاطمه علیها... السلام) ناشی می شود خیر کثیر و شخصیت های برجسته و حکیم یکی پس از دیگری.

بنابر روایت حضرت موسی بن جعفر علیه... السلام که ذیل این آیه شریفه وارد شده است فرموده اند:

منظور از «لیلہ مبارکہ» صدیقہ کبری فاطمه زهرا علیها... السلام است که قرآن در آن نازل شده که در اینصورت معنای «انا انزلناه فی لیلہ مبارکہ» این چنین می شود که ما حقیقت قرآن را در ظرف وجودی حضرت فاطمه نازل کردیم.

لذا با توجه به روایات گذشته که راجع به مقامات و معرفت فاطمه علیها... السلام بود و در آنها از سعه علم فاطمه بیان شده بود، این تفسیر و تأویل که فرموده «لیلہ القدر»، «فاطمه» است و قرآن در قلب مطهر آن حضرت نیز نازل شده و عالم به علم الهی بودند چنانکه حضرتش به امیرالمؤمنین فرمود:

ادن لاحدثک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن الی یوم القیامه حتی تقوم الساعه.

یعنی: نزدیک بیا تا به تو از حوادث گذشته و حال و آینده تا روز قیامت، آن هنگام که قیامت بر پا می شود خبر دهم. (۲)

۱- بحارالانوار، ج ۲۴، ص ۳۹۹؛ کافی، ج ۲، ص ۳۸۸.

۲- بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۸.

و با توجه به روایتی که می فرماید هنگامی که حضرتش متولد می شود، بلافاصله شهادت به توحید و رسالت و امامت می دهد و می فرماید:

اشهد ان لا اله الا الله و انّ ابی رسول الله سید الانبیاء و انّ بعلی سید الاوصیاء.

یعنی: شهادت می دهم که معبودی جز خدا نیست و پدرم رسول خدا و سید و سرور پیامبران است و شوهرم سرور اوصیاء و فرزندانم سادات و سروران اسباط و نوادگان هستند.

و با توجه به این که «مبارکه» یکی از القاب حضرت فاطمه علیها...السلام نیز هست که از ماده «برکت» به معنی سودمند و جاویدان و پر دوام است. معنای آیه شریفه این چنین می شود که: فاطمه زهرا علیها...السلام تأویل و تفسیر «لیلۀ مبارکه» است و حضرتش میزان جداسازی حق و باطل است (فیها یفرق کلّ أمر حکیم) همان شبی که ظرف نزول حقیقت قرآن و همچنین ظرف نزول یازده قرآن ناطق نیز است.

علامه مجلسی رحمه...الله در توضیح و وجه این تأویل می فرماید:

تشبیه حضرت فاطمه علیها...السلام به «لیلۀ» یا برای ستر و عفاف ایشان و یا برای ظلم و جورهایی که فاطمه علیها...السلام را دربر گرفته است، می باشد. (۱)

و همچنین عالم جلیل محقق و عارف بزرگ مرحوم قطب الدین محمد شریح لاهیجی که از معاصرین مرحوم علامه مجلسی و محدث فیض کاشانی است در جلد چهارم تفسیر خود پس از نقل روایت می نویسد:

وجه تسمیه ی سیده نساء العالمین به «لیلۀ» به طریق مجاز است و می تواند که علاقه ی مجاز این باشد که آن حضرت مانند شب به حجاب عصمت، مستور و مخفی است یا آنکه چون غالب اوقات زوج در شب

پیش زوجه جا می گیرد، از این جهت تعبیر آن حضرت به «لیله» شده است و ضمیر "انزلناه" راجع است به امیرالمؤمنین علیه... السلام و ظاهراً حاصل معنی آیات این باشد که: قسم به محمد صلی الله علیه و آله و سلم و وصی او امیرالمؤمنین علیه... السلام که تزویج کردیم، امیرالمؤمنین علیه... السلام را به فاطمه ی زهرا علیها... السلام و به تحقیق ما عباد را در باب امامانی که از سیده نساءالعالمین علیهم... السلام عرصه جهان را منور می سازند، انذار کننده ایم زیرا که هر که قبول ولایت ایشان نکند، به عذاب ابد معذب خواهد گشت و در فاطمه ی زهرا علیها... السلام هر امام حکیم دانا جدا کرده می شود، یعنی از بطن او ائمه معصومین علیهم... السلام از امام حسن مجتبی تا قائم آل محمد علیهم... السلام بیرون می آیند.

لذا فاطمه زهرا علیها... السلام باطن و تأویل ليله القدر است همان شبی که «مبارکه» است و همان شبی که حاجات بندگان در آن بر آورده می شود و دعایشان به هدف اجابت می رسد و نهایتاً آن بی بی بزرگوار سرچشمه بیکران علم و حکمت و رحمت و برکت و خیر می باشند.

در خاتمه تأویل و تفسیر آیه «أنا انزلناه فی ليله مبارکه» روایت حضرت موسی بن جعفر علیه... السلام را که ذیل این آیه شریفه وارد شده بود، جهت استفاده بیشتر از مضامین بلند آن به صورت کامل نقل می شود:

اصل روایت یعقوب بن جعفر بن ابراهیم چنین است که می گوید: خدمت موسی بن جعفر علیه... السلام بودم که مردی نصرانی نزد آن حضرت آمد، و ما در عریض (وادی مدینه) بودیم، نصرانی عرض کرد: من از شهری دور و سفری پر مشقت نزد شما آمده ام و ۳۰ سال است که از پروردگارم درخواست می کنم که مرا به بهترین دینها و به سوی بهترین و داناترین بندگان خود هدایت کند، تا آنکه شخصی در خواب من آمد و مردی را که

در علیاء دمشق است به من معرفی کرد.

من نزدش رفتم و با او سخن گفتم، او گفت: من از تمام همکیشان خود داناتریم ولی از من داناتر هم هست. من گفتم: مرا به کسی که از تو داناتر است رهبری کن، زیرا مسافرت برای من دشوار و سنگین نیست من تمام انجیل و مزامیر داوود و چهار سفر از تورات و ظاهر تمام قرآن را خوانده ام.

دانشمند به من گفت: اگر علم نصرانیت را می خواهی، من از تمام عرب و عجم به آن داناتریم و اگر علم یهودیت خواهی باطی بن شرحبیل سامری، در این زمان داناترین مردم است. و اگر علم اسلام و تورات و انجیل و زبور و کتاب هود و هر کتابی که بر هر پیغمبری در زمان تو و زمانهای دیگر نازل شده و هر خبری که از آسمان نازل شده که در آن باشد بیان هر چیز و شفاء برای جهانیان و رحمت است برای جویندگان رحمت، و مایه بصیرت کسی که خدا خیر او را خواهد، و انس با حق گرفته باشد، اگر چنین شخصی را می خواهی تو را به سویش رهبری می کنم، اگر توانی با پایت نزدش برو و اگر نتوانی با سر زانو و اگر نتوانی با کشیدن نشیمنگاه و اگر نتوانی با چهره و صورت خود به زمین کشیدن برو.

گفتم: نه، بلکه من با تن و مال خود توانائی مسافرت دارم.

گفت: فوری برو به یثرب. گفتم: یثرب را نمی شناسم. گفت: برو تا بررسی به مدینه پیغمبری که در عرب مبعوث شده و او همان پیغمبر عربی هاشمی است، چون وارد مدینه شدی قبیله بنی غنم بن مالک بن نجار را پیرس که نزدیک در مسجد مدینه است و خود را به هیئت و زیور نصرانیت در آور، زیرا والی مدینه بر آنها (موسی بن جعفر و شیعیانش که تو را نزدشان می فرستم) سختگیر است و خلیفه نیز سختگیرتر است. آنگاه نشانی بنی

عمر بن مبدول را که در بقیع زیبر است بگیر، و پس از آن پسر موسی بن جعفر علیه... السلام کیست و منزلش کجاست و آیا به سفر رفته یا حاضر است. اگر به سفر رفته بود نزدش برو که مسافرت او از راهی که (اکنون) به سویش می روی نزدیک تر است، آنگاه به او خبر ده که (مطران علیای غوطه دمشق) مرا به سوی شما رهبری کرده و او سلام بسیار می رساند و می گوید: من با پروردگار خود بسیار مناجات می کنم و از او می خواهم که مرا به دست شما مسلمان کند.

مرد نصرانی ایستاده و به عصای خود تکیه کرده، این داستان را (که در خواب دیده بود) بیان کرد سپس گفت: آقای من اگر به من اجازه دهی تکفیر (۱) کنم و بنشینم. فرمود: اجازه می دهم که بنشیننی ولی اجازه نمی دهم که تکفیر کنی، پس بنشست و کلامه نصرانیت از سر بگرفت. آنگاه عرض کرد: قربانت شوم. به من اجازه سخن می دهی؟ فرمود: آری، تو فقط برای آن آمده ای.

نصرانی گفت: جواب سلام رفیقم (مطران) را بده، مگر شما جواب سلام نمی دهی؟ امام فرمود: جواب رفیقت اینست که خدا هدایتش کند، و اما سلام زمانی است که به دین ما در آید.

نصرانی گفت: اصلحك الله، من اکنون از شما سؤال می کنم.

فرمود: پسر. گفت: به من خبر ده از کتاب خدای تعالی که آن را بر محمد نازل کرده و بدان سخن گفته و آن را به آنچه باید معرفی کرده و فرمود: «حم سوگند به کتاب روشن که آن را در شبی مبارک نازل کرده ایم

۱- . تکفیر: تواضع و کرنش مخصوصی است که در برابر سلاطین و بزرگان انجام می داده اند. باین نحو که اندکی خم شده و دو کف دست را در میان رانها پنهان می کرده اند.

که ما بیم دهنده ایم. در آن شب هر امر محکمی را فیصل دهند(۱)» تفسیر باطنی این آیات چیست؟

فرمود: اما حم محمد صلی الله علیه و آله و سلم است و آن در کتابی است که بر هود نازل گشته و از حروفش کاسته شده (یعنی در کتاب هود از محمد به حم تعبیر شده و دو حرف «م، د» آن، از نظر تخفیف یا جهت دیگری افتاده است) و اما کتاب روشن امیرالمؤمنین علی علیه...السلام است، و اما شب مبارک فاطمه علیها...السلام است و اما اینکه می فرماید: «در آن شب هر امر محکمی را فیصل دهند» یعنی از آن فاطمه خیر بسیار زیادی متولد شود و آن مردی حکیم و مردی حکیم و مردی حکیم است (یعنی امام حسن و امام حسین و امام زین العابدین علیهم...السلام اند و امامان دیگر هم به اینها عطف می شوند).

مرد نصرانی گفت: اولین و آخرین این مردان را معرفی کن، فرمود: اوصافشان به یکدیگر شباهت دارد «و ممکن نیست شخصی را با بیان اوصافش کاملاً مشخص و ممتاز ساخت) ولی من سومی آن قوم (یعنی امام حسین علیه...السلام را برای تو معرفی می کنم که چه کسی از نسل او ظاهر می شود. (مقصود حضرت قائم علیه...السلام است) و اوصاف او در کتابهایی که بر شما نازل شده هست، اگر تغییرش نداده و تحریفش نکنید و کفر نورزید ولی از قدیم این کار را کرده اید. نصرانی گفت: من آنچه را می دانم از شما پنهان نکنم و به شما دروغ نگویم [شما را تکذیب نکنم] و شما راست و دروغ گفتار مرا می دانید. به خدا سوگند که خدا از فضل و نعمت خود به شما بخشی عطا کرده که به خاطر هیچکس خطور نکند و کسی نتواند پنهانش کند. و هر کسی هر چند دروغگو هم باشد نسبت به آن دروغ نتواند

گفت، هر چه من در این باره گویم حق است و درست و چنانست که بیان فرمودی. [آنچه فرمودی درست است و مطابق واقع].

امام موسی بن جعفر علیه...السلام فرمود: هم اکنون به تو خبری دهم که آن را جز اندکی از خوانندگان کتب (آسمانی) ندانند: به من بگو اسم مادر مریم چه بود؟ و در چه روزی (روح عیسی) در شکم او دمیده شد؟ و در چه ساعتی از روز بود؟ و در چه روزی مریم عیسی علیه...السلام را زائید؟ و در چه ساعت از روز بود؟ نصرانی گفت: نمی دانم.

حضرت موسی بن جعفر علیه...السلام فرمود: امّیا مادر مریم نامش «مرثا» بود که در لغت عربی «وهیبه» است و اما روزی که مریم باردار گشت روز جمعه هنگام ظهر بود و آن روزی بود که جبرئیل از آسمان فرود آمد، و برای مسلمین عیدی مهمتر از آن نیست. خدای تبارک و تعالی و محمد صلی الله علیه و آله و سلم آن روز را بزرگ دانسته و دستور داده که عیدش قرار دهند و آن روز جمعه است و اما روزی که مریم زائید سه شنبه بود، در چهار ساعت و نیم از روز بر آمده. سپس فرمود: نهی را که مریم عیسی را در کنار آن زائید می دانی کدام نهر بود؟ گفت: نه، فرمود: آن نهر فرات است که درختان انگور و خرما در کنار آن است و هیچ نهی از لحاظ درختان انگور و خرما با فرات برابر نیست. و اما روزی که زبان مریم بسته شد و قیدوس (پادشاه یهود آن زمان) فرزندان و پیروان خود را طلید تا او را یاری کنند و آل عمران را بیرون برد تا به مریم بنگرند، و آنها آنچه را خدا در کتاب تو (انجیل) و کتاب ما (قرآن) بیان کرده، گفتند آیا آنچه گفتند فهمیده ای؟ گفت: آری، همین امروز خوانده ام. فرمود: بنابراین از این مجلس برنخیزی تا خدا تورا هدایت کند.

نصرانی گفت: اسم مادر من به لغت سریانی و عربی چیست؟

حضرت فرمود: اسم مادر تو به لغت سریانی "عنقالیه" است و اسم مادر پدرت "عنقوره" بوده است. و اما اسم مادرت به لغت عربی «هومیه» است و نام پدرت «عبدالمسیح» است و به لغت عربی «عبدالله» می شود، زیرا مسیح را عبدی نیست، عرض کرد: راست گفתי و احسان کردی (که آنچه را هم نپرسیدم جواب گفתי).

باز پرسید اسم جدّم چیست؟ فرمود: اسم جدت «جبرئیل» بود و من او را در این مجلس عبد الرحمن نامیدم. نصرانی گفت: ولی او مسلمان بود، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: آری و شهید هم گردید، زیرا لشکری از اهل شام ناگهان به منزلش ریختند و او را کشتند. نصرانی گفت: نام من پیش از آنکه کنیه ی خود تعیین کنم چه بوده؟ فرمود: نام تو «عبدالصلیب» بود، عرض کرد: شما چه نامی به من می دهی؟

فرمود: من تو را «عبدالله» نام می گذارم. نصرانی گفت: من هم ایمان به خدای بزرگ آوردم و گواهی می دهم که شایسته پرستش جز خدای یگانه بی شریک نیست و او یکتا و مورد نیاز مخلوق است، او نه چنان است که نصاری و صفش کنند (که مسیح را پسر یا شریک یا متحد با او دانند) و نه چنان است که یهود معرفی اش نمایند (که جسمش دانند و عزیر را پسرش خوانند) و هیچگونه شرکی نسبت به وی راه ندارد و گواهی دهم که محمد صلی الله علیه و آله و سلم بنده و فرستاده اوست، که او را به حق فرستاده است و او حق را برای اهلش آشکار ساخت و اهل باطل در کوری و گمراهی بماندند، و او فرستاده خدا بود به سوی تمام مردم از سرخ پوست و سیاه پوست و همه نسبت به او یکسان بودند، گروهی بینا شدند و هدایت یافتند و اهل باطل در کوری بماندند و آنچه ادعا می کردند از دست بدادند و گواهی

دهم که ولی و جانشین او حکمت وی را بیان کرد و پیغمبران پیش از او به حکمت کامل و رسا، گویا بودند و در فرمانبری خدا تشریک مساعی کردند و از باطل و اهل باطل و پلیدی و اهل پلیدی دوری گزیدند و گمراهی را کنار گذاشتند و خدا هم ایشان را به فرمانبرداری خود یاری کرد و از گناه بازشان داشت. ایشان اولیاء خدا و یاران دین بودند، مردم را به کار خیر ترغیب نموده و امر می فرمودند، من به خردسال و بزرگسالشان و به هر کس از آنها که یاد کردم و یاد نکردم ایمان آوردم و به خدای تبارک و تعالی که پروردگار جهانیان است ایمان آوردم. سپس زنا و صلیب طلائی را که به گردن داشت برید و بشکست و گفت: بفرمائید زکاتم را به چه مصرفی برسانم؟ فرمود: در اینجا برادری داری که هم کیش تو و از قوم خودت از قبیل «قیس بن ثعلبه» است، و او همانند تو در نعمت (اسلام) است، با یکدیگر مواسات و همسایگی کنید و من از حق اسلامی شما دریغ نخواهم کرد. او گفت: اصطلاحک الله به خدا که من ثروتمندم و در محل خود ۳۰۰ اسب نر و ماده و هزار شتر دارم و حق شما در مال من بیش از حق من است به گردن شما.

امام علیه...السلام فرمود: تو آزاده شده خدا و رسولش هستی و نسب و نژادت به حال خود باقی است. سپس او مسلمانی نیکو شد و از قبیل «بنی فهر» زنی گرفت و امام کاظم علیه...السلام از صدقه علی بن ابیطالب علیه...السلام ۵۰ دینار مهرش داد و برای او نوکر گرفت و منزلش داد و در آنجا بود تا امام کاظم علیه...السلام را از مدینه بیرون بردند و او ۲۸ شب پس از بیرون بردن حضرت در گذشت.

در فضیلت این آیات سوره ی دخان و سوره ی قدر روایتی از امام محمد جواد علیه...السلام نقل شده که فرمود:

یا معشر الشیعه! خاصموا بسوره انا انزلنا، تفلحوا، و أنّها لحجه الله تبارک و تعالی علی الخلق بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و انها سیده دینکم و أنّها لغایه علمنا.

یا معشر الشیعه! خاصموا ب «حم و الکتاب المبین انا انزلناه فی لیلہ مبارکه انا کنا منزلین» فانها لولاه الأمر خاصّه بعد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم.

یا معشر الشیعه! یقول الله تبارک و تعالی: و إن من أمه إلّا خلا فیها نذر..

یعنی: ای گروه شیعه! با سوره «انا انزلناه» با (مخالفین ما) مخاصمه و مباحثه کنید تا پیروز شوید. به خدا که آن سوره پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حجت خدای تبارک و تعالی است بر مردم و آن سوره سرور دین شماس است (بزرگترین دلیل مذهب شماس) و نهایت دانش ماست. (زیرا کاشف از شب قدر است و در آن شب مکنونات علمی برای ما هویدا می گردد.)

ای گروه شیعه! به وسیله آیات «حم و الکتاب المبین، انا انزلناه فی لیلہ مبارکه انا کنا منذرین» با دشمنان مخاصمه کنید، زیرا این آیات مخصوص والیان امر است بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

ای گروه شیعه! خدای تبارک و تعالی می فرماید: هیچ امتی نیست مگر آنکه بیم رسانی در میان آنها بوده است.

شخصی گفت: ای ابا جعفر! بیم دهنده امت ما محمد شما است فرمود: درست گفتی ولی آیا پیامبر در زمان حیاتش چاره ای از فرستادن نمایندگان خود در اطراف زمین داشت؟ (یعنی می توانست آنها را نفرستد؟)

آن شخص گفت: نه

امام علیه السلام فرمود: به من بگو مگر فرستاده پیامبر بیم رسان او نیست چنانکه خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرستاده خدای عزوجل و بیم رسان او بود؟

گفت: چرا؟ (همینطور است)

فرمود: پس همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای پس از مرگ خود هم فرستاده و بیم دهنده دارد، اگر بگویی ندارد، لازم آید که پیامبر آنها را که در صلب مردان امتش بودند، ضایع کرده (و بدون رهبر و امام گذاشته) باشد.

آن مرد گفت: مگر قرآن برای آنها کافی نیست؟

فرمود: چرا در صورتیکه مفسری برای قرآن داشته باشید.

گفت: مگر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قرآن را تفسیر نفرموده است؟

فرمود: چرا تنها برای یک مرد تفسیر کرده و شأن آن مرد را که علی بن ابیطالب علیه...السلام است به امت خود گفت.

قال السائل: یا ابا جعفر! کان هذا امر خاص لا یحتمله العامه.

مرد سائل گفت: ای ابا جعفر! این مطلبی است خصوصی که عامه از مردم زیر بار آن نروند.

فرمود: خدا حتماً می خواهد که در نهان پرستش شود تا برسد هنگام و زمانی که دینش آشکار شود، همچنانکه (سالهای اول بعثت) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با خدیجه در نهان پرستش خدا کردند تا زمانی که مأمور به اعلان گشت.

مرد سائل گفت: آیا صاحب این دین باید آن را پنهان کند؟

فرمود: مگر علی بن ابیطالب علیه...السلام از روزی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اسلام آورد آن را پنهان نکرد تا زمانی که امرش ظاهر گشت؟ کار ما نیز همچنین است تا نوشته ی خدا، مدتش برسد (هنگام ظهور امام زمان علیه...السلام و آشکار شدن دین فرا رسد). (۱)

فصل چهارم: سر سوره مبارکه کوثر

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ *
فصل لربك وانحر

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * اِنَّا اَعْطٰیْنٰكَ الْكُوْثَرَ.

قطعا ما به تو (کوثر) عطا کردیم.

پس برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن.

اعطیناک، - از ماده «اعطاء» گرفته شده به معنای تملیک و بخشیدن است.

کوثر - بر وزن «فوعَل» به معنای کثرت و زیادی است و کتاب قاموس قرآن در معنای کوثر می نویسد: کوثر مبالغه در کثرت است.

اِنَّا اَعْطٰیْنٰكَ

این آیه مبارک با کلمه «اَنَا» شروع شده که دلالت بر عظمت و جلالت آن شیء عطا شده دارد چون این سوره مبارکه در مقام احترام نهادن است با سیاق متکلم مع الغیر آمده و می فرماید: «ما عطا کردیم» که در آن یک نوع عظمت و جلالت برای عطاکننده، و آن شیء عطا شده نهاده شده است و چون در مقام مسرور نمودن و خوشحال نمودن رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده مطلب را با واژه «اعطاء» بیان داشته و فرموده «ما به تو عطا کردیم» یعنی به تو مَنّت گذاشته و «بخشیدیم و عطا کردیم» و نفرموده «اتیناک» یعنی «به تو دادیم» و فرق این دو کلمه بسیار زیاد است چون اولی یک نوع بخشش همراه مَنّت را می رساند تا ارزش آن چیزی که عطا شده روشن شود ولی اگر می فرمود «اتیناک» یعنی به تو دادیم، معنای ارزش و قدر فاطمه علیها...السلام آنطوری که باید روشن نمی شد، لذا فرموده «اَنَا اعطیناک».

حائز اهمیت است که این صیغه «اعطینا» فقط یک بار در قرآن آمده و همچنین کلمه «کوثر» و «فصل» و «وانحر» و «شائک» نیز فقط یک بار در قرآن آمده است چون فاطمه ی زهرا علیها... السلام دُرّ یگانه عالم هستی و وجود است، لذا در بعضی از روایات از آن حضرت به «التحفه» تعبیر شده چنانکه در زیارت آن بی بی بزرگوار می خوانیم:

و التحفه خصصت بها وصیّه.

یعنی: تحفه ای که اختصاص دادی او را به جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم.

الکوثر

کوثر بر وزن «فَوْعَلٌ» وصفی از کلمه «کثرت» و به معنای «خیر و برکت فراوان» است و مفسرین شیعه و سنی برای آن معانی و مصادیق متعددی نقل کرده اند که از جمله آن مصادیق است:

قرآن، حکمت، علم به حقایق اشیاء، مقام شفاعت، کثرت معرفت توحید و کثرت نعمت های دنیوی و اخروی و نهایتاً کثرت نسل و ذریّه. امّا با وجود شواهد متعدد از همین آیات شریفه ی سوره کوثر و روایات وارده، تأویل و تفسیر «کوثر» فقط حضرت فاطمه اطهر علیها... السلام است که یکی از این شواهد سیاق آیات شریفه است که خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید ما به تو کوثر را عطا کردیم و بر این نعمت نماز گزار و نحر کن و به تحقیق که آن شخص که به تو «ابتر» می گوید خودش مقطوع النسل می باشد. با توجه به این سیاق آیات اگر معنای کثرت نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منظور نباشد تأکید و تقریر کلام سابق با آیه «إِنَّ شَائِكَ هُوَ الْأَبْتَرُ» بی فایده بود. و قرآن منزّه است از عبث و بی فایده بودن. از جمله شواهد دیگر، شأن نزول سوره ی مبارکه ی

کوثر است که با توجه به شأن نزول چنین به دست می آید که منظور از «کوثر» فراوانی ذریه و ماندگاری نسل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که از طریق وجود پر برکت فاطمه ی زهرا علیها...السلام تحقق یافته است. چون مشرکان منتظر رحلت و فوت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بودند و می گفتند چون آن حضرت از دنیا برود شریعتش نیز از بین خواهد رفت، لذا خداوند در مقام تسلی دادن به آن حضرت وعده می دهد که دین تو و نسل تو و آوازه تو پیوسته در گسترش و تزايد خواهد بود و هرگز مقطوع النسل و بی دنباله و مقطوع الذکر نخواهی بود بلکه این دشمن است که مقطوع النسل و بی دنباله است.

بی تردید این فراوانی ذریه و باقی ماندن نسل پیامبر اکرم از نسل یکتا دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه زهرا علیها...السلام نشأت گرفته و تداوم نسل و ذریه با برکت آن حضرت از طریق ایشان است. و از وجود پربرکت آن بی بی دو عالم یازده امام معصوم علیهم...السلام پدید آمده که آثار و برکات آنان شرق و غرب عالم را فرا گرفته است و حقائق قرآن و معرفت حقیقی پروردگار از آنان به خلق رسیده است. و گسترش نسل آن حضرت توسط حضرت فاطمه علیها...السلام از عجائب عالم است که قطع نظر از اینکه هر یک از ائمه معصومین علیهم...السلام از نسل فاطمه اطهر علیها...السلام هستند خود مصداقی از کوثر می باشند که در عرض چهارده قرن مردم را از کوثر قرآن سیراب می کنند، فرزندان رسول خدا زمین را پر کرده اند که با توجه به این کثرت نسل واقعا معنای حقیقی «کوثر» فاطمه ی اطهر علیها...السلام می باشند.

لذا فاطمه علیها...السلام منبع همه خوبی ها و خیرات در عالم هستی است که خداوند آن وجود مقدس را به پیامبرش عطا کرده است. و با توجه به معنای حقیقی این سوره ی مبارکه است که بعضی از علما و محدثین یکی

از نام های مقدّس فاطمه علیها...السلام را «کوثر» گفته اند. چنانکه مرحوم طریحی در مجمع البحرین می فرماید: کوثر یکی از القاب شریفه حضرت فاطمه ی اطهر علیها...السلام بوده و در حقیقت فاطمه علیها...السلام آن کوثر و نهری است که همه آنهار علوم و معارف از آن کوثر جاری گشته است چنانکه گفته شده کوثر جویی است همانند منبع که جوی های بهشت از آن جاری می گردد.

علامه طباطبائی در ذیل این سوره شریفه پس از ذکر قول زیادی درباره معنای کوثر، چنین می نگارد: در هر صورت آخر سوره (انّ شائک هو الابر) که ظاهر کلمه ابر به معنای کسی است که نسلش منقطع شده است و ظاهر جمله از باب قصر قلب است، بیانگر آن است که مراد از «کوثر» که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اعطا شده تنها و تنها کثرت ذریه آن حضرت است و یا مراد از آن هم خیر کثیر است و هم کثرت ذریه، و اگر جز این بود تأکید و تقریر کلام سابق با جمله «ان شائک هو الابر» بی فایده بود.

تا آنجا که می فرماید: و این جمله «ان شائک هو الابر» اشاره دارد بر اینکه فرزندان فاطمه علیها...السلام ذریه و نسل رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هستند این خود از پیشگوئی های قرآن کریم است، زیرا خداوند متعال بعد از رحلت ایشان آن چنان نسلش را زیاد کرد که هیچ نسلی در کثرت بدان نمی رسد، با آن مصائبی که بر آنان نازل شد و کشتارهای فجیعی که گروههای بسیاری از آنان را از بین بردند. (۱)

خلاصه اینکه با توجه به مطالب مذکور کاملاً روشن می شود که این سوره مبارکه مخصوص بوده به حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام و در شأن آن حضرت است. و برای تأیید این معنا و تأویل آن، اقوال و گفتار بعضی از

مفسرین شیعه و سنی را نقل می کنیم،

آیت الله سیدصادق شیرازی می نویسد:

منهم البیضاوی فی تفسیره عند تفسیر کلمه «الکوثر» قال: و قیل: «اولاده».(۱)

یعنی: از جمله مفسرین بیضاوی است که در تفسیرش در کلمه «کوثر» می گوید: گفته شده که معنای آن فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

و منهم الفخر الرازی فی تفسیره الکبیر قال: الکوثر اولاده صلی الله علیه و آله و سلم لأنّ هذه السوره انما نزلت ردّاً علی من عابه صلی الله علیه و آله و سلم بعدم الاولاد فالمعنی: انه يعطيه نسلًا یبقون علی مّر الزمان، فانظر کم قتل من اهل البیت ثم العالم ممتلئ منهم، و لم یبق من بنی امیه فی الدنیا احد یعبأ به.(۲)

یعنی: و همچنین فخررازی در تفسیر کبیر می گوید:

«کوثر» اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد چون این سوره نازل شده در ردّ کسی که بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عدم فرزند را عیب می گرفت پس معنا چنین می شود که خداوند به او (پیامبر) نسلی می دهد که به مرور زمان باقی می ماند. و بین چه بسیار از فرزندان اهلیت را که کشتند ولی دنیا از آنها پر است و از فرزندان بنی امیه احدی باقی نمانده است که به آنها نسبت داده شود.

و منهم شیخ زاده فی حاشیته علی تفسیر البیضاوی عند تفسیر سوره الکوثر:

ان المفسرین ذکروا فی تفسیر الکوثر اقوالاً کثیره (منها) انّ المراد بالکوثر اولاده صلی الله علیه و آله و سلم و یدلّ علیه ان هذه السوره نزلت ردّاً علی من قال فی حقه صلی الله علیه و آله و سلم: انه ابتر لیس له من یقوم مقامه.(۳)

یعنی: از جمله شیخ زاده در حاشیه اش بر تفسیر بیضاوی است که در تفسیر «کوثر»

۱- انوار التنزیل و اسرار التأویل، ص ۱۱۵۶.

۲- التفسیر الکبیر، ج ۳.

۳- تفسیر البیضاوی، ج ۹، ص ۳۴۱.

می گوید مفسرین در تفسیر کلمه ی «کوثر» اقوال زیادی دارند که بعضی از آنها گفته اند مراد از «کوثر» اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و دلالت می کند بر آن اینکه، این سوره در ردّ کسی نازل شد که در حق پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفت ابتر است و فرزندی ندارد که جانشین او باشد.

و منهم شهاب الدین فی حاشیته علی تفسیر الیضاوی المسماه بعنایه القاضی. (۱)

یعنی: از جمله شهاب الدین در حاشیه اش بر تفسیر بیضاوی، به نام عنایه القاضی است (که کوثر را به معنای فرزند، تفسیر نموده)

و منهم عثمان بن حسن المشتهد ب (کوسه زاده) فی کتاب له فی تفسیر بعض آیات القرآن المسماه بالمجالس. (۲)

و همچنین عثمان بن حسن، مشهور به کوسه زاده در کتاب خود که در تفسیر بعضی از آیات قرآن است به نام المجالس (همین تفسیر را نموده)

و منهم: العلامه ابوبکر الحضرمی فی کتابه (القول الفصل). (۳)

و همچنین: علامه ابوبکر الحضرمی در کتاب القول الفصل (نیز همین تفسیر را نموده)

این بود بعضی از اقوال علماء و مفسرین اهل سنت که قائل شده اند، کوثر به کثرت فرزندان و ذریه که همه از نسل دختر پیامبر بزرگ اسلام یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها... السلام به وجود آمده اند، تفسیر شده است و علماء و مفسرین شیعه قریب به اتفاق این تفسیر را در کتب خود نقل کرده اند. بنابراین ممکن است تأویل «حوض کوثر» نیز وجود مقدس فاطمه علیها... السلام

۱- . حاشیته الشهاب المسماه ب (عنایه القاضی، ص ۴۰۳.

۲- . المجالس الکوسه زاده، ص ۲۲۲.

۳- . القول الفصل، ص ۴۵۷. فاطمه الزهراء فی القرآن السید صادق الشیرازی، ص ۳۵۲.

باشد، زیرا آن چنانکه «حوض کوثر» در روز قیامت حیاتبخش و مفید است که جگر تشنگان قیامت را تشفی می بخشد و سپس لیاقت ورود به بهشت به آنها داده می شود، همچنین از ناحیه وجود پاک و معصوم فاطمه علیها... السلام از حیات ولایت کلیه که همان معارف و کمالات روحی و معنوی و حقایق قرآن است از طریق ائمه اطهار علیهم... السلام در عالم گسترش پیدا می کند و بالاخص در آخر زمان که گسترش علم حقائق با دست با عظمت ترین و رشیدترین فرزنداناش یعنی حضرت بقیه الله علیه... السلام در عالم گسترش می یابد و تشنگان معارف را سیراب می سازد و به کمال می رساند.

خلاصه اینکه کوثر یا خوبی زیاد، که به تمامی افراد می رسد بالاتر از این معنا چیزی دیگر نمی تواند باشد لذا فاطمه علیها... السلام ولی خداست و وجودش منشأ خیر بسیار و هرچه خوبی است می باشد. و اوست کوثر قرآن.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ

پس برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن.

فصل: از ماده «صلّ» و به معنای نماز گزاردن است

وانحر: از ماده «نحر» یعنی گلوگاه و زیرگردن است.

از ظاهر سیاق این آیه شریفه و ظاهر اینکه حرف «فاء» که بر سر این جمله و آیه در آمده استفاده می شود که امر نماز و نحر شتر که متفرع بر جمله «أَنَا اعطيناك الكوثر» شده از باب شکر نعمت است و چنین معنا می دهد که: حال که ما بر تو منت نهادیم و خیر کثیر (فاطمه) را به تو عطا کردیم بر این نعمت بزرگ با «نماز و نحر» شکر گزاری کن و چون پر واضح است که هر نعمتی شکرانه ای را می طلبد هر چند که مخلوق نمی تواند حق نعمت

را به وسیله شکر کردن خویش ادا کند چون خود شکر باز نعمت دیگر الهی است، به هر حال پس از این خبر و بشارت به پیامبر خداوند از حضرتش می خواهد که این گونه شکرگزاری کند که: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْحَرْ» یعنی برای پروردگارت نماز بخوان و شتر قربانی کن.

از امام صادق علیه...السلام سؤال شد که:

لم صارت المغرب ثلاث ركعات و اربعا بعدها ليس فيها تقصير في حضرٍ و لاسفرٍ؟

یعنی: چرا نماز مغرب سه رکعت است و نافله آن چهار رکعت است که در سفر و حضر تقصیری در آن (نماز مغرب و نافله هایش) نیست؟ (پر واضح است که نماز مغرب و نافله هایش در سفر قصر نمی شود) (۱) آن حضرت فرمودند:

انَّ الله عزوجل انزل على نبيه صلى الله عليه و آله و سلم لكل صلاة ركعتين في الحضر فاضاف اليها رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم لكل صلاة ركعتين في الحضر و قصر فيها في السفر الا المغرب و الغداة فلما صلى المغرب بلغه مولد فاطمه عليها... السلام فاضاف اليها ركعة شكرا لله عزوجل و فلما ان ولد الحسن عليه...السلام اضاف اليها ركعتين شكرا لله عزوجل فلما ان ولد الحسين عليه...السلام اضاف اليها ركعتين شكرا لله عزوجل. فقال للذكر مثل حظ الانثيين فتركها على حالها في الحضر و السفر.

یعنی: خداوند تبارک و تعالی همه نمازها را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به صورت دو رکعتی نازل کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم (به امر پروردگار) به همه نمازها به جز نماز مغرب و نماز صبح، دو رکعت اضافه نمود که در حضر به صورت تمام و در سفر به طور قصر خوانده شوند. هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مشغول برپائی نماز مغرب بودند، حضرت فاطمه علیها...السلام به دنیا آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به شکرانه این نعمت (و به امر

۱- . نمازهای چهار رکعتی مسافر که به دو رکعت تبدیل می شود قصر گویند.

پروردگار) یک رکعت به نماز مغرب اضافه فرمودند، پس چون امام حسن علیه...السلام به دنیا آمد دو رکعت دیگر (به عنوان نافله) به آن سه رکعت اضافه نمود و زمانی که امام حسین علیه...السلام به دنیا آمد به نافله مغرب دو رکعت دیگر اضافه فرمود و اینها را شکرانه تولد آن حضرات قرار دادند. سپس فرمودند: برای فرزند مذکر به مثل دو بهره مؤنث می باشد. و این اضافه ها را در حضر و سفر به حال خود باقی گذاشتند.

در معنای «وانحر» چند نوع تفسیر نقل شده است:

۱. «و انحر» از ماده «نحر» و به معنای گلوگاه و گردن می باشد، لذا «و انحر» را در این آیه شریفه به معنای نحر و قربانی کردن شتر تفسیر نموده اند و آیه را چنین معنا کرده اند که: ای پیامبر! برای این نعمت بزرگ شتر قربانی کن.
۲. «و انحر» به معنای رو به قبله ایستادن و نماز برپا کردن است و در لسان عرب این کلمه را برای مقابله با چیزی بکار می برند و شخصی که به نماز می ایستد در واقع با تمام وجود خویش رو به قبله ایستاده است. و در لغت در معنای «نحر» آمده است: منازلنا تتناحر.

یعنی: منزلهای ما در مقابل یکدیگر است.

۳. منظور از «و انحر» بلند کردن دستها به هنگام تکبیر و آوردن دو دست است تا به گلوگاه و صورت.

و در حدیثی نیز از حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام نقل شده که در تفسیر این آیه شریفه می فرماید: منظور این است که دستها را این گونه در آغاز نماز بلند کنی و به طوری که کف آنها رو به قبله باشد. (۱)

هر یک از این سه معنی که ذکر شد به جهت شکر نعمت بسیار بزرگ

الهی است که باید خداوند را به جهت آن سپاس گفت و از این طریق شکر و سپاس را ظاهر ساخت.

إِنَّ شَانِكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ

قطعاً دشمن تو اوست که نسلش قطع خواهد شد.

شانک: از ماده «شأن» در اینجا به معنای دشمن کینه توز است.

الابتَر: به معنای منقطع و بدون نسل و عقب می باشد. قریش که از مقابله و ستیز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم مأیوس شده بودند و به ظاهر تظاهر اسلام می کردند انتظار رحلت و فوت آن حضرت را می کشیدند تا با رحلت حضرتش بساط اسلام برچیده شود، چون آنها می گفتند: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرزند ندارد که از آئین او حفاظت کند و دنباله رو آئین او باشد. لذا این سوره مبارک نازل شد:

..... إِنَّ شَانِكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ.

«به درستی که دشمن تو قطعاً بریده نسل و بی عقب است».

در بعضی از تفاسیر آمده است که «شأن» از ماده «شئآن» است بر وزن «ضربان» به معنای عداوت و کینه ورزی و بدخلقی کردن است، و «شانی» کسی است که دارای این وصف باشد. (۱)

«ابتَر» در اصل به حیوانی گفته می شود که دم آن حیوان بریده شده باشد و دشمنان از روی عمد و عداوت این کلمه سبک را برای اهانت و هتک حرمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به کار می بردند.

لذا قرآن می فرماید: این لقب از آن افرادی است که این نسبت زشت را

به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می دهند.

در تفسیر علی بن ابراهیم نقل شده است که:

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وارد مسجد شد، عمرو بن عاص و حکم بن ابی العاص حاضر بودند. عمرو بن عاص خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت: یا ابا ابتر! یعنی: ای پدری که مقطوع النسل هستی، چون در جاهلیت رسم بود اگر کسی فرزند پسر نداشت او را «ابتر» یعنی «مقطوع النسل» می نامیدند. عمرو بن عاص گفت: من دشمن محمّد و بغض او را به دل دارم بعد از آن خداوند این سوره مبارکه را در ارتباط با همین برخورد نازل کرد:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ * فَصَلِّ لِرَبِّكَ - وَأَنْحَرْ * إِنَّ شَانِئَكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ.

و در تفسیر درالمنثور از ابن عباس نقل می کند:

بزرگترین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قاسم بود و بعد زینب و سپس عبدالله و ام کلثوم و پس از آنها جناب فاطمه علیها... السلام قاسم که اولین فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود از دنیا رفت و بعد عبدالله از دنیا رفت، عمرو عاص بن وائل سلمی گفت: دیگر نسلش قطع شد و او ابتر و بدون عقب است خداوند این آیه را نازل فرمود:

«إِنَّ شَانِئَكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ» (۱).

و همچنین ذیل این آیه شریفه آمده است که: حضرت امام حسن مجتبی علیه... السلام در یک محاوره و مناظره به عمرو عاص فرمود: تو دشمن عیب جو و ابتری، تو یک سگ هستی، اولین نکبت این است که مادرت زنی زناکار بود و تو را در بستری که گروهی مدعی پدری ات بودند زائید، در مورد تعیین پدرت کار به محاکمه کشیده شد، زیرا گروهی از قریش این

ادّعا را داشتند از قبیل ابوسفیان، ولید بن مغیره، عثمان بن حارث، نضر بن حارث بن کلدّه و عاص بن وائل. از میان این جمع عاص بن وائل حاکم شد که از همه پست تر و رذل تر و زناکارتر بود. آن وقت تو بپا می خیزی و در جمع سخنرانی می کنی و می گوئی من عیجوی محمدم؟! و عاص بن وائل پدر زناکارت نیز گفت: محمّد صلی الله علیه و آله و سلم مردی است که نسل و نژادی ندارد، زیرا فرزند پسر برایش نمانده، به محض مردنش یاد و نامش از میان خواهد رفت و خداوند این آیه را در مورد او نازل فرمود:

إِنَّ شَانِئَكَ - هُوَ الْأَبْتَرُ. (۱)

و فخررازی که یکی از علماء اهل سنّت است در تفسیر خود در ذیل سوره کوثر برای آن معانی و تفسیرهای مختلفی نقل می کند که یکی از آنها این است که می نویسد: این سوره به عنوان ردّ بر کسانی نازل شده که عدم وجود اولاد را بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم خرده می گرفتند بنابراین معنی این سوره چنین است که خداوند به او نسلی می دهد که در طول زمان باقی می ماند، بین چه اندازه از اهل بیت را شهید کردند و در عین حال جهان مملوّ از آنها است، این در حالی است که از بنی امیه (که دشمنان اسلام بودند) شخصی قابل ذکری در دنیا باقی نماند، پس بنگر و بین چقدر از علماء بزرگ در میان آنها است مانند باقر و صادق و رضا و نفس زکیه. (۲)

پرواضح است که بزرگ ترین و روشن ترین مصداق این سوره ی مبارکه و این آیه ی شریفه وجود مبارک فاطمه ی زهرا علیها... السلام است، چون بر حسب روایاتِ شأن نزول که دشمنان پیامبر اسلام او را متهم به مقطوع النسل می کردند و می گفتند بلاعقب است این سوره ی مبارکه نازل شد، پس خیر

۱- . نورالثقلین، ج ۵، ص ۳۶۵.

۲- . تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۰۴.

کثیر همان فاطمه ی اطهر علیها...السلام است که نسل و ذریّه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به وسیله آن بانوی بزرگ در جهان انتشار یافت که تمامی آنها یادآور پیامبر اسلام و آئین او بوده و هستند و تا حَتّی در ترویج و حفظ اسلام از هر کوششی دریغ نمی کردند. نه تنها ائمه معصومین علیهم...السلام از نسل آن حضرت بودند که همگی حافظ شریعت اسلام بودند بلکه فرزندان غیر معصوم آن حضرت نیز در سراسر جهان پخش شدند که در میان آنها علماء بزرگ و فقها و محدثین و مفسرین و نویسندگان والامقام و فرماندهان بزرگ که هر یک با ایثار و فداکاری و جان فشانی از آئین جدّ خود حفاظت کرده و آن را گسترش دادند.

خلاصه اینکه این سوره ی مبارکه این دلالت را دارد که فرزندان فاطمه زهرا علیها...السلام ذریّه ی رسول خدایند و این خود یکی از خبرهای غیبی قرآن کریم است که خداوند چنان نسل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را زیاد نمود که هیچ نژادی در عالم چنین کثرتی را ندارند با این که دچار حوادث و ناملایمات بسیار بزرگی شدند و چگونه آنها را در جنگ ها به فنا و نابودی کشاندند و گروه گروه آنها را از بین بردند و هر کجا سیدی می دیدند می کشتند تا جائی که دعای ندبه به آن اشاره می کند و می فرماید:

و الامه مضره علی مقته مجتمعه علی قطیعه رحمه و اقضاء ولده.

یعنی: مسلمانان بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اصرار بر دشمنی با علی علیه...السلام و قطع نژاد و نسل او داشتند و فرزندان او را در بدر کردند.

و با مراجعه به تاریخ در می یابیم که بنی امیه هشتاد سال اولاد حضرت فاطمه علیها...السلام را کشتند و بنی عباس پانصد سال مرتکب جنایت و قتل سادات شدند. و دیگر دشمنان در طول تاریخ تا توانستند فرزندان آن بانوی

بزرگ اسلام را از بین بردند، با وجود این همه جنایت و قتل خدای تعالی نسل آنها را حفظ کرده و در سراسر جهان نشر داده و در قرآن از آن خبر داده است. همه آیات این سوره ی مبارکه دلالت بر این دارد که خداوند نسل آخرین پیامبرش را در ذریه ی دختر والا گوهرش حضرت فاطمه ی زهرا علیها...السلام قرار داده است و به این مضمون روایات متواتری نیز نقل شده است که به جهت اختصار چندی از آن روایات را نقل می کنیم.

مجمع الفوائد از اهل سنت نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کل بنی آدم ینتمون الی عصبته الا ولد فاطمه فأنا ولیهم و انا عصبتهم.

یعنی: هر فرزند آدمی نسبتی با پدرش دارد، مگر فرزندان فاطمه که من سرپرست و پدر ایشانم و آنان به من نسبت می رسانند.

و در روایت دیگری آمده است:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

کل بنی آدم ینعتون الی عصبته الا ولد فاطمه.

یعنی: هر ابنای بشری موصوف به فرزند پدری است مگر فرزندان فاطمه. (۱)

طبقات الکبری که از کتب اهل سنت است نقل می کند:

عمر بن الخطاب از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

به روز جزا هر نسب و سببی قطع و گسسته می شود مگر نسب و حسب من، برای هر فرزندی هم پدری است که نسبت به او

می رساند، جز فرزندان فاطمه که من پدرشان هستم و آنان نسبت به من می رسانند. (۲)

مناقب ابن شهر آشوب از حضرت امام جعفر صادق علیه...السلام نقل می کند

۱- . مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۲.

۲- . الطبقات الکبری، ج ۷، ص ۴۶۴، ذخایر العقبی، ص ۱۶۹.

که فرمود: روزی رسول خدا بر حضرت خدیجه علیها...السلام وارد شد، شنید که حضرت خدیجه با کسی سخن می گوید پرسید: ای خدیجه علیها...السلام! با چه کسی سخن می گفتی؟ جناب خدیجه علیها...السلام فرمود:
الجنین الذی فی بطنی یحدثنی و یونسنی.

یعنی: با جنینی که در رحم من است با من سخن می گوید و مونس تنهائی من شده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

یا خدیجه! هذا جبرئیل یبشرنی أنّها ابنتی و أنّها النسله الطاهره المیمونه و ان الله تعالی سیجعل نسلی منها.

یعنی: ای خدیجه! این جبرئیل است که مرا بشارت می دهد و خبر می دهد که این طفل دختر است که اصل و ریشه ی پاک و پاکیزه ی من است و خداوند تبارک و تعالی نسل مرا از او قرار خواهد داد.

سپس فرمود:

و سیجعل من نسلها ائمه و یجعلهم خلفاء فی ارضه بعد انقضاء وحیه.

یعنی: و از سلسله اولاد او پیشوایانی مقرر فرموده که بعد از اتمام وحی (و انقضاء و ارتباط مستقیم با پیامبر) آنها را جانشینان خود در زمین قرار خواهد داد. (۱)

دعایی از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام جهت حاجت

حضرت امام حسین علیه...السلام ظهر عاشورا خون آلود به خیمه ی امام زین العابدین علیه...السلام آمدند و او را در بغل گرفتند و فرمودند: ای پسر! از من دعائی را حفظ کن که آن را مادرم فاطمه ی زهرا علیها...السلام به من تعلیم نمود جهت قضاء

حاجت و رفع بلاهای سخت و امور شدید:

بِحَقِّ يَسِّ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طِهِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنْفَسَّ عَنْ
الْمَكْرُوبِينَ يَا مُفْرِجَ عَنِ الْمَعْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى التَّفْسِيرِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ.

سپس حاجت خود را طلب کن.

الهی بحق فاطمه و آبیها و بعلها و بنیها و السرّ المستودع فیها (تقبّل منّا)

یا فاطمه الزهراء یا بنت محمّد یا قرّه عین الرّسول یا سیدتنا و مولاتنا إنّنا توجّهنا و استشفعنا و توسّلنا بک إلى الله و قدّمناک بین
یدی حاجاتنا، یا وجیهه عند الله اشفعی لنا عند الله.

یا مولاتی یا فاطمه اُغیثینی، یا مولاتی اشفعی لی فی الجنّه فی الدّنیاء و الآخره.

ما گوشه نشینان غم فاطمه ایم

محتاج عطا و کرم فاطمه ایم

یک عمر چو شمع گر بسوزیم کم است

دلسوخته عمر کم فاطمه ایم

ص: ١٤٣

فصل پنجم: مصحف و لوح فاطمه عليها السلام

اشاره

مصحف فاطمه علیها السلام

کلینی رحمه...الله راجع به مصحف فاطمه علیها...السلام نقل می کند که امام صادق علیه...السلام فرمود: ...جبرائیل نزد آن حضرت می آمد و او را در مرگ پدرش به نیکی تسلیت می گفت و خوشدل می ساخت و از حال پدر و مقام او و آنچه که بعد از وی برای فرزندانش پیش می آید گزارش می داد، و حضرت علی علیه...السلام آنها را می نوشت. (۱)

طبری از ابی بصیر نقل کرده است که گفت: از امام محمد باقر علیه...السلام پیرامون مصحف فاطمه و اوصافش پرسیدم فرمود: پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مصحف بر آن حضرت علیها...السلام نازل شد....

گفتم: فدایت شوم در آن چه بود؟ فرمود: خبر آنچه که تاکنون بوده است و آنچه که تا روز قیامت می آید، خبر آسمان، و عدد آنچه که در آسمانها است از فرشتگان و غیر آنها....

امام محمدباقر علیه...السلام فرمود:

چون خداوند متعال اراده فرمود مصحف را بر فاطمه علیها...السلام نازل کند، جبرائیل و میکائیل و اسرافیل آن را حمل نموده و در ثلث دوم شب جمعه بر آن حضرت فرود آوردند، و آن بانو به نماز ایستاده بود؛ چون نمازش تمام شد فرشتگان بر او سلام کردند و گفتند: «السَّلَامُ يُقَرِّئُكَ السَّلَامَ» خدای سلام به تو سلام می رساند، و مصحف را در دامان آن حضرت نهادند.
حضرت

۱- . الکافی، ج ۱، ص ۴۸۵، ح ۱؛ مجلسی ره در مرآة العقول، ج ۵، ص ۳۱۴ سند این حدیث را صحیح معرفی می کند.

فاطمه علیها...السلام گفت: از برای خدا است سلام، و از اوست سلام، و به سوی اوست سلام، و بر شما ای فرستادگان خدا سلام باد؛ سپس فرشتگان به سوی آسمان عروج کردند. حضرت زهرا علیها...السلام این صحیفه را بعد از نماز صبح تا زوال شمس پی در پی می خواند، تا به پایان رسید.

در ادامه این حدیث امام محمد باقر علیه...السلام می فرماید: اطاعت آن حضرت بر همه خلق خدا - از جن، انس، پرنده، وحوش، انبیاء و ملائکه - واجب بود. (۱)

ابوبصیر گوید: فدایت شوم بعد از وفات فاطمه علیها...السلام این مصحف چه شد؟ امام علیه...السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها...السلام آن را به امیرالمؤمنین علیه...السلام داد، و چون حضرت علی علیه...السلام از دنیا رفت به امام حسن علیه...السلام سپس به امام حسین علیه...السلام سپرد، سپس نزد أهلش [ائمه معصومین علیهم...السلام] باقی است تا [سرانجام] آن را به صاحب این امر (امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسپرنند. (۲)

در برخی از روایات به آنچه که فاطمه زهرا علیها...السلام بعد از وفات رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم از جبرائیل شنیده و املاء می کرده و حضرت علی علیه...السلام می نوشته است «مصحف فاطمه» گفته شده است و در این مصحف از حلال و حرام سخن به میان نیامده است بلکه از آنچه در آینده واقع خواهد شد ذکر شده است. (۳)

۱- این جمله نورانی و خوب اطاعت حضرت فاطمه علیها...السلام را بر همگان و همچنین ولایت تکوینی آن حضرت را بر همه مخلوقات روشن می کند.

۲- دلائل الامامه، ص ۲۷-۲۸، و روایات دیگری در: بصائر الدرجات، ص ۱۷۲ ضمن ح ۳، و ص ۱۷۹ ح ۲۷، و الکافی، ج ۱، ص ۲۳۸ باب فیه ذکر الصحیفه و الجعفر و الجامعه و مصحف فاطمه علیها...السلام.

۳- بصائر الدرجات، ص ۱۷۷ ح ۱۸ و ص ۱۷۴ ح ۶ و ص ۱۷۰، باب فی الائمة علیهم...السلام انهم اعطوا الجعفر و الجامعه و مصحف فاطمه علیها...السلام؛ و الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰ ح ۲. و در برخی از روایات آمده است که مصحف فاطمه قرآن نیست بلکه کلامی است از کلام خدا که او آن را به فاطمه نازل فرموده است پس سخن خداست که به املاء رسول خدا و خط علی بر فاطمه فرود آمده است، بصائر الدرجات، ص ۱۷۶ ذیل ح ۱۴ و ص ۱۷۳ ح ۵ و ص ۱۷۸ ح ۱۹.

لوح فاطمه

لوح فاطمه لوحی است که خداوند عزوجل برای رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرستاد تا به حضرت فاطمه علیها...السلام دهد، سپس حضرت فاطمه آن را به جابر بن عبدالله انصاری داد، او خواند و نسخه ای از آن نوشت. در این لوح نام دوازده وصی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آمده است.

کلینی با سند خود از ابوبصیر نقل کرده است که امام صادق علیه...السلام فرمود: پدرم از جابر بن عبدالله انصاری خواست که در خلوت او را ببیند، و در آن مجلس به او فرمود: ای جابر مرا خبر ده از لوحی که در دست مادرم فاطمه دختر رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم دیدی و از آنچه مادرم به تو خبر داد که در این لوح نوشته شده است. جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که من در زمان زندگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد مادرت فاطمه علیها...السلام رفتم تا ولادت امام حسین علیه...السلام(۱) را

تبریک گویم. دیدم که در دست او لوحی سبز رنگ با خطی نورانی است. گفتم: پدر و مادرم فدایت باد ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم این لوح چیست؟ فرمود: این لوحی است که خدای عزوجل به پیامبرش هدیه فرمود که در آن نام پدرم و شوهرم و دو فرزندم و نام های اوصیای از فرزندانم وجود دارد. و آن را پدرم به من داد تا مرا خوشنود کند. سپس جابر ادامه داد و گفت: و مادرت فاطمه آن را به من داد، خواندم و از آن نسخه ای نوشتم. پدرم امام

۱- . در نسخه ای «امام حسن علیه...السلام» آمده است.

محمدباقر علیه...السلام به او فرمود: ای جابر! آیا ممکن است آن را به من نشان دهی؟ جابر گفت: آری. و پدرم با جابر به راه افتادند تا به منزل جابر رسیدند، او برای پدرم صحیفه ای که از پوست بود آورد. امام باقر علیه...السلام فرمود: ای جابر تو به نوشته ی خود نگاه کن تا من آن را برای تو بخوانم. جابر نگاه کرد و پدرم خواند، به خدا سوگند حرفی با حرفی مخالف نبود. جابر گفت: خدا را گواه می گیرم که دیدم در لوح اینگونه نوشته است:

این کتابی است از طرف خداوند عزیز حکیم برای محمد نور او، سفیر او، حجاب او و دلیل او؛ روح الامین آن را از نزد پروردگار جهانیان فرود آورد. ای محمد! اسماء مرا بزرگ دار، و نعمت های مرا سپاس گوی و آنها را انکار مکن، به درستی که من «الله» هستم که هیچ معبود به حقی جز من نیست، من درهم کوبنده ی جباران و نابودکننده ی متکبران و خوارکننده ی ستمگران و داور روز جزا هستم.

من «الله» هستم که هیچ معبود به حقی جز من نیست، پس هر کس به غیر فضل من امیدوار باشد یا از غیر عدل من هراس داشته باشد او را عذابی خواهم کرد که احدی را آن چنان عذاب نکنم. فقط مرا عبادت کن و فقط بر من توکل نما، من پیامبری را نفرستادم و روزگارش را به پایان نرساندم مگر آن که برای او وصیّ [و جانشین] قرار دادم.

من تو را بر پیامبران برتری دادم و وصیّ تو را بر اوصیا فضیلت بخشیدم و تو را پس از او با [وصایت] دو شیربچه که دو فرزند دخترت، حسن و حسین باشند، گرامی داشتم.

حسن را معدن علم خود پس از وفات پدرش قرار دادم.

و حسین را نگهبان وحی خود قرار دادم، و او را با شهادت گرامی داشتم

و مُهر سعادت بر او زدم، پس او برترین شهید راه خداست، و در بالاترین درجه ی شهیدان است. کلمه ی تامه ی خود را با او قرار دادم و حجت بالغه را نزد او نهادم و به [پیروی از] فرزندان او ثواب می دهم [و به مخالفت آنان] عقاب می کنم که اولین ایشان علی، سرور عابدان و زینت اولیای پیشین من است و فرزند او همنام جدش محمود، محمدباقر که شکافنده ی علم من معدن حکمت و دانش من است، زود باشد آنها که در جعفر شک کنند هلاک شوند، هر که او را رد کند همانند آن است که مرا رد کرده است. محقق گردیده که منزلت جعفر را گرامی می دارم، و او را با کثرت اولیا و پیروان و یارانش شادمان می کنم.

و بعد از موسی فتنه ی کور ظلمانی رخ خواهد داد، زیرا رشته ی واجب من [وصایت] قطع نمی شود و حجت من مخفی نمی ماند، و هرگز اولیای من از هم جدا نخواهند شد. آگاه باش هر کس یکی از آنها را انکار کند نعمت مرا انکار کرده است. و هر کس آیه ای از کتاب مرا تغییر دهد بر من افترا بسته است، و او بر کسانی که پس از وفات بنده ام و حبیبم و برگزیده ام موسی افترا زنند و انکار کنند، آگاه باشید تکذیب کنندگان [وصی] هشتم تکذیب کننده ی همه اولیای من هستند، و علی، ولی و یاری کننده ی من است. و او کسی است که بارهای سنگین نبوت را بر دوش او نهم و او را با تحمل آن بیازمایم، و مرد بسیار پست و خود بزرگ بینی او را خواهد کشت، و در شهری که بنده ی صالح ذوالقرنین بنا نموده، در کنار بدترین مردم دفن خواهد شد. سخن من محقق گردیده که چشم او را با محمد فرزند و جانشین او روشن کنم، پس او وارث علم من و معدن حکمت من و جایگاه ستر من و حجت من بر خلائق خواهد بود، بهشت را جایگاه او قرار دهم و او را برای هفتاد نفر از خاندانش - که مستوجب

آتشند - شفیع کنم.

و بر فرزندش علی مُهر سعادت زَنَم که ولی و یاری کننده ی من و شاهد در خلق و امین بر وحی ما است. از نسل او حسن را بیرون آورم که دعوت کننده به راه من و نگهبان علم من است. سپس وصایت را با فرزند او که رحمت عالمیان است تمام کنم، او دارای کمال موسی و زیبایی و درخشش عیسی و صبر ایوب است. در زمان [غیبت] او اولیای من خوار شوند، و سر آنها را همچون سرهای ترک و دیلم به ارمغان فرستند، پس کشته شوند و سوزانده شوند و در خوف و ترس به سر برند، زمین از خون آنها رنگین شود، و وای و شیون از زنانشان برخیزد. آنها به حق، اولیای من هستند، و با ایشان هر فتنه و تاریکی را دفع کنم و اضطراب و فتنه ها را برطرف سازم، و از ایشان سختی ها و زنجیرها را بردارم، درودها و رحمت ها از پروردگارش بر آنان باد و ایشان هدایت شدگانند. (۱)

بخشی از اسرار و مناقب و فضائل فاطمه زهراء علیها...السلام را در این نوشته خواندید. والحمدلله رب العالمین

کتاب فضل تو را آب بحر کافی نیست

که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم

گر چه بسیار در این باب بگفتند سخن

ولی اندکی بیش نگفتند هنوز سخن

روزی در حسینیه جمکران در محضر استاد عزیزم سخرنانی نمودم و در فضائل و معارف بزرگ بانوی هستی حضرت صدیقه کبری فاطمه زهرا (جانم فدای خاک پایش) مطالبی ایراد نمودم، وقتی سخرنانی ام تمام شد، استاد تمام قد بلند شدند و مرا در آغوش گرفتند و با لبخند فرمودند: انت فاطمه الزهرایی، یعنی تو «فاطمه زهرایی» هستی. و من این لقب را از آن تاریخ برای خود حفظ نمودم و بدان افتخار می کنم.

«رفیع الدین سید جعفر رفیعی (فاطمه الزهرایی)»

اللهم صلّ علی فاطمه و آل فاطمه

والسلام علی من احب فاطمه

ربنا تقبل منا

زهرا که وجودش سبب خلقت ماست

صد شکر که نور مهر او قسمت ماست

فرمود امام عسکری علیه...السلام در وصفش

ما حجت خلق و فاطمه حجت ماست

فصل ششم: فضیلت و آثار حدیث کساء

اشاره

اجتماع خمسه طيبه عليهم...السلام در زیر کساء و نزول آیه تعظیم در شأن آن بزرگواران امری است مسلم که هیچ یک از فرقه های اسلامی نمی تواند آن را منکر شود و در رابطه با احیای این واقعه ی بسیار بزرگ جهان اسلام حدیثی بسیار نفیس و مبارک از صدیقه ی کبری فاطمه زهرا علیها...السلام صادر شد که خواندن آن به اضافه بر اینکه فضیلت بی نظیر خمسه ی طيبه احیاء می شود، آثار و برکاتی برای خواننده و مستمعین آن دارد چنانکه در فقراتی از آن حدیث شریف آمده است:

يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا مَا ذُكِرَ خَيْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شِيعَتِنَا وَمُحِبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَقَرَجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَعْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ وَلَا طَالِبٌ حَاجَهُ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ.

یعنی: ای علی! سوگند به آن کسی که مرا بر حق به پیامبری فرستاد و مرا به رسالت برگزید و نجات دهنده بشریت ساخت. این خبر ما یعنی (داستان اصحاب کساء) در مجلسی از مجالس اهل زمین یاد نشود که در آن مجلس جمعی از شیعیان و دوستداران ما بوده باشند و در میان آن جمع صاحب غمی و همی حضور داشته باشد جز آنکه خداوند متعال هم و غم او را برطرف گرداند و هیچ حاجتمندی در آن مجلس نباشد مگر اینکه خداوند حاجب او را (به برکت این حدیث) برآورده سازد.

ولی بعضی که به تعبیر قرآن «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ» (آل عمران - ۷)

این افراد به دنبال تشکیک در سند حدیث کسای معروف، خود از قرائت آن محروم گشتند و دیگران را نیز به شک و شبهه انداختند. این حرکت آنان باعث شد که بسیاری از زنان و مردان مؤمن به جوش و

خروش در آیند و به دنبال حقیقت بگردند و از علماء و دانشمندان توضیح بخواهند؛ اولین سؤال آنان این است که «حدیث کساء معروف» که در مجالس قرائت می شود چه ایراد علمی و اعتقادی در متن آن وجود دارد؛ که نباید آن را خواند؟!

ثانیاً بر فرض ضعف سند مگر قاعده تسامح در ادله سنن در مورد قرائت این حدیث شیرین جاری نمی شود.

ثالثاً سند این حدیث شریف در کتابهای روایی به چند طریق آورده شده است.

رابعاً چه لزومی دارد پرداختن به موضوعاتی که ضرری به اصل عقائد حقه ندارد و برعکس در تحکیم آن مفید و مؤثر است مثل حدیث شریف کساء.

خامساً: ردّ و انکار حدیث شریف معروف کساء چه امتیازی دارد و چه ضرری را از دامنه اسلام و عقائد صحیحہ دفع می کند.

دامنه بحث و ایراد به «حدیث شریف و معروف کساء» به اصل خود حدیث کساء کشیده شده است که اصل واقعه اتفاق افتاده یا نه؟

سعی کردیم در این نوشته در ابتدا، روایاتی که در اصل حقیقت «حدیث کساء» وارد شده است و سپس سند «حدیث کساء معروف» را بیاوریم تا خوانندگان این حدیث شریف با کمال اطمینان خاطر روی به خمسه طیبه علیهم السلام آورده و با توسل به وسیله این حدیث شریف رفع هم و غم و اندوه بنمایند و حوایج خود را طلب کنند، و این حقیر و والدینم را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

رفیع الدین سید جعفر رفیعی

چون فاطمه دختری نیامد والله

این هدیه بود به مصطفی از الله

چون دید پدر جمال او را گفتا

لا حول و لا قوه الا بالله

خلقت نورانی آل کسا

۱. از پیامبر خدا روایت شده است:

آنگاه که خداوند آدم ابوالبشر را از خاک بیآفرید و در او روح دمید، آدم علیه السلام - به یمین عرش خداوندی نظر نمود و پنج نور را مشاهده کرد که سرگرم عبادت و تسبیح حضرت حق بودند. او از خداوند باری تعالی پرسش نمود که: پروردگار من! آیا من نخستین مخلوق تو از خاکم، یا پیش از من کسی را از تیرهٔ تُراب آفریده ای؟ از جانب خدا ندا آمد: خیر، ای آدم! آدم گفت: پس این پنج شبخ که به هیئت و صورت من هستند و من آنها را نظاره گرم کیانند؟

قال: هؤلاء خمسة من ولدك، لو لاهم ما خلقتك، هؤلاء خمسة شققت لهم خمسة اسماءٍ من أسمائي، لو لاهم ما خلقت الجنة، ولا النار، ولا العرش، ولا الكرسي، ولا السماء، ولا الأرض، ولا الملائكة، ولا الإنس، ولا الجن، فأنا المحمود و هذا محمّد، و أنا العالی و هذا علّی، و أنا الفاطر و هذه فاطمه، و أنا الإحسان و هذا الحسن، و أنا المحسن و هذا الحسين؛ آلیت بعزّتی أنّه لا یأتینی أحد بمثقال ذرّة من خردل من بغض أحدهم إلّا أدخلته ناری و لا أبالی.

یا آدم، هؤلاء صفوتی من خلقی، بهم أنجیهم و بهم أهلکهم؛ فإذا كان لك إلّی حاجة فبهؤلاء توّسل. فقال النبی صلی الله علیه و آله و سلم: نحن سفینه النجاه، من تعلّق بها نجا، و من حاد عنها هلک. فمن كان له إلی الله حاجة فلیسأل بنا أهل البیت. (۱)

۱- . خموی: فرائد السمطین، ج ۱، ص ۳۶ [و] بحرانی: غایة المرام، ص ۵، ح ۱ و ص ۱۵.

ندا آمد: اینان، پنج تن از اولاد تو هستند که خلق تو به یمن وجود این پنج نفر است. اینان پنج نفری هستند که پنج نام از اسماء خودم را جدا نموده و بر آنها نهادم. اگر فیض وجودی آنان نمی بود هر آینه بهشت، جهنم، عرش، کرسی، آسمان، زمین، ملائکه، انس و جن را نمی آفریدم. من محمودم و این شیخ را محمد نام است. من عالی ام و این علیست. من فاطر و شکافنده ام و این فاطمه است. من احسانم و این حسن است و من محسنم و این حسین است. به عزت و بزرگی ام سوگند، اگر کسی به مقدار دانه خردل نسبت به اینان بغض و کینه داشته باشد او را مخلد در آتش می کنم؛ بی آنکه شفاعت شافعی را بپذیرم.

..ای آدم، اینان برگزیدگان از مخلوقاتم هستند که به سبب ایشان نجات داده و یا هلاک می کنم. پس اگر حاجتی در مد نظر داشتی برای برآورده شدن آن به ایشان متوسل شو. پیامبر اکرم فرمودند: ما کشتی نجات هستیم، هر که به آن درآویزد نجات یافته و هر که از آن روی گرداند به ورطه هلاکت در غلتیده، پس اگر حاجتی از درگاه قادر متعال خواستار باشید اهل بیت را بخوانید و به ما متوسل شوید.

فضیلت دوم

اصحاب کساء نخستین مخلوقاتند

۲. از پیامبر اکرم روایت شده که فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنِي وَخَلَقَ عَلِيًّا وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنَ وَالحُسَيْنَ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ لَأَسْمَاءَ مَبِيَّةً، وَ لَأَرْضَ مَدْحِيَّةً، وَ لَأَظْلَمَةَ وَ لَأَنوَرَ، وَ لَأَشْمَسَ وَ لَأَقْمَرَ، وَ لَأَجَنَّهُ وَ لَأَنَارَ.

خداوند من و علی و فاطمه و حسن و حسین را پیش از خلقت آدم بیآفرید، آنگاه که نه آسمانی برافراشته بود و نه زمینی گسترانیده. نه تاریکی بود و نه نور، نه خورشید و نه ماه، نه بهشت و نه جهنم.

عبّاس گفت: ای رسول خدا! آغاز خلقت شما چگونه بود؟

قال: يا عمّ: لمّا أراد الله أن يخلقنا تكلم بكلمه خلق منها نوراً، ثمّ تكلم بكلمه أُخرى فخلق منها روحاً، ثمّ مزج النور بالروح فخلقني من خلق عليّاً و فاطمه و الحسن و الحسين، فكنا نسبّحه حين لا تسبيح، و نقدّسه حين لا تقدّس.

فلمّا أراد الله تعالى أن ينشئ خلقه فتق نوري فخلق منه العرش، فالعرش من نوري، و نوري من نور الله، و نوري أفضل من العرش. ثمّ فتق نور أخى عليّاً فخلق منه الملائكة، فالملائكة من نور عليّ، و نور عليّ من نور الله، و عليّ أفضل من الملائكة. ثمّ فتق نور ابنتي فخلق منه السماوات و الأرض، فالسماوات و الأرض من نور ابنتي فاطمه، و نور ابنتي فاطمه من نور الله، و ابنتي فاطمه أفضل من السماوات و الأرض. ثمّ فتق نور ولدى الحسن فخلق منه الشمس و القمر، فالشمس و القمر من نور ولدى الحسن، و نور الحسن من نور الله، و الحسن أفضل من الشمس و القمر. ثمّ فتق نور ولدى الحسين فخلق منه الجنّة و الحور العين، فالجنّة و الحور العين من نور ولدى الحسين، و نور ولدى الحسين من نور الله، و ولدى الحسين أفضل من الجنّة و الحور العين. (۱)

حضرت پاسخ داد: ای عمو! هنگامی که مشیت خداوند بر آفرینش ما تعلق گرفت، تکلم به کلامی نمود و از آن نور آفریده شد. پس از آن به کلمه ای دیگر تکلم نمود و روح پدید آمد. پس آنگاه، روح و نور را با هم درآمیخت و ما پنج تن را بیآفرید. ما او را تسبیح می نمودیم پیش از آنکه تسبیحی موجود باشد، و او را تقدیس می کردیم قبل از آنکه تقدیسی به زیور وجود آراسته گردد.

چون خداوند خواست که خلقتش را تداوم بخشد از شکافتن نور من عرش را پدید آورد؛ پس عرش از نور من و نور من از نور خدا است. از این رو، نور من برتر از عرش است. پس از آن، از شکافتن نور برادر من علی ملائکه را بیآفرید، پس ملائکه

۱- . مجلسی: بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۰، ح ۱۱ [و] بحرانی: البرهان، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۵.

از نور علی و نور علی از نور خدا است. از این رو، علی برتر از ملائکه است. پس از آن نوبت به دخترم فاطمه رسید و از شکافتن نور او آسمانها و زمین را ایجاد نمود؛ پس آسمانها و زمین از نور فاطمه و نور خداست. از این رو، فاطمه برتر از آسمانها و زمین است. پس از آن، نور فرزندانم حسن را شکافت و از آن خورشید و ماه را خلق نمود؛ پس خورشید و ماه از نور حسن و نور خداست. از این رو، حسن برتر از خورشید و ماه است. در آخر، نور فرزندانم حسین را شکافته و بهشت و حورالعین را ایجاد نمود؛ پس بهشت و حورالعین از نور حسین و نور خداست. از این رو، حسین بالاتر از بهشت و حورالعین است.

فضیلت سوم

ولایت اصحاب کسا را بر اشیاء عرضه می دارند

۳. در حدیث اسراء آمده است:

یا محمد! إني خلقتك و خلقت علياً و فاطمه و الحسن و الحسين و الأئمة من ولد الحسين من نوري، و عرضت ولايتكم علي أهل السماوات و الأرض، فمن قبلها كان عندي من المؤمنين، و من بعدها كان عندي من الضالين (الظالمين خ ل). يا محمد! لو أن عبداً من عبيدي عبدني حتى ينقطع، أو يصير كالشئ البالي، ثم أتاني جاحداً لولايتكم ما غفرت له حتى يقرّ بولايتكم.

یا محمد: أتحبُّ أن تراهم؟ قلت: نعم، یا ربِّ! قال: التفت، فالتفتُ عن يمين العرش، فاذا أنا باسمی و باسم علی و فاطمه و الحسن و الحسين و علی و محمد و موسی و علی و محمد و علی و الحسن، و المهدی فی وسطهم كأنه کوكب دري: فقال: یا محمد! هؤلاء، حججی علی خلقی، و هذا القائم من ولدك بالسيف، و المنتقم من أعدائك... (۱)

۱- طوسی: کتاب الغیبه، ص ۹۵ [و] بحرانی: البرهان، ج ۲، ص ۲۶۶.

ای محمّد! همانا من، تو و علی و فاطمه و حسن و حسین و ائمه از صلب حسین را از نورم آفریدم و ولایت و محبت و دوستی شما را بر اهل آسمان و زمین عرضه داشتم. پس اگر کسی آن را بپذیرد و در عداد مؤمنان است، و الا از گمراهان خواهد بود.

ای محمّد! اگر بنده ای از بندگان من آن مقدار بندگی و عبادت مرا بکند تا رشته حیات او قطع گردد و مرگ او را فرا گیرد و یا بسان مشکی خشکیده درآید و پس از آن به نزدم آید در حالی که منکر ولایت شما باشد او را نیامرزم تا اقرار به ولایت شما کند.

ای محمّد! آیا می خواهی ذریه ات را نظاره کنی؟ گفتم: بلی، ای پروردگار من، خداوند فرمود: نگاه کن! پس متوجه یمین عرش گردیدم و نام خود، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمّد، جعفر، موسی، علی، محمّد، علی، حسن و مهدی را دیدم، که نام مهدی در میان آنها درخششی چون ماه تابان در میان ستارگان داشت. آنگاه خداوند فرمود: ای محمّد! اینان حجّت های من بر خلائقند و این قائم از اولاد توست، که قیام به شمشیر می کند و از دشمنان تو و خاندانت انتقام به شمشیر می کشد.

فضیلت چهارم

اصحاب کسا پیش از هر کسی وارد بهشت می شوند

۴. از علی علیه السلام، از پیامبر خدا روایت شده است که:

إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَنَا وَأَنْتَ وَفَاطِمَةُ وَالحَسَنُ وَالحُسَيْنُ. قَالَ عَلِيٌّ: فَمَحَبُّونَا؟ قَالَ: مَنْ وَرَائِكُمْ. (۱)

همانا من و تو و فاطمه و حسن و حسین نخستین کسانی هستیم که داخل بهشت می شویم. علی علیه السلام فرمود: ما چطور؟ پیامبر پاسخ دادند: آنها هم به دنبال شما.

۱- . سیوطی: مسند فاطمه الزهرا علیها السلام، ص ۴۵.

فضیلت پنجم

اصحاب کسا در حظیره

اصحاب کسا در حظیره (۱) القدس جای دارند

۵. از پیامبر خدا روایت شده است که فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ وَعَلِيًّا وَالحسن وَالحسين فِي حظيره القدس فِي قَبَّةِ بيضاء، سقفها عرش الرحمن. (۲)

فاطمه و علی و حسن و حسین در حظیره القدس، به زیر گنبد سفیدی که سقف آن عرش الهی است، جای دارند.

فضیلت ششم

آل عبا در هر حالتی اجازه ورود به مسجد را دارند

۶. پیامبر خدا فرمودند:

ألا لَا يحلُّ هذا المسجد لجنب و لَا حائض إِلَّا لرسول الله و علي و فاطمه و الحسن و الحسين عليهم...السلام. (۳)

آگاه باشید! داخل شدن در این مسجد [مسجد النبی] بر جنب و حائض جایز نمی باشد؛ مگر بر رسول خدا، علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم...السلام.

فضیلت هفتم

آل عبا را بهشت مأواست

۷. پیامبر اکرم فرمودند:

در بهشت مقامی وجود دارد که آن را «وسیله» خوانند؛ پس اگر از خدا خواستید

۱- . درجه ای از درجات بهشت است.

۲- . سیوطی: مسند فاطمه الزهرا علیها...السلام، ص ۴۵ [و] مجلسی: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۷۶.

۳- . سیوطی: مسند فاطمه الزهرا علیها...السلام، ص ۴۶.

از من در مورد وسیله برسید. گفته شد: ای رسول خدا! چه کسانی با تو در آنجا زندگی می کنند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم...السلام(۱).

فضیلت هشتم

فاطمه علیها السلام تکیه گاه علی علیه السلام است

۸. از پیامبر اکرم روایت شده است که حضرتش به علی علیه...السلام فرمودند:

سلام بر تو ای پدر ریاحینم! آگاه باش! پس از اندک مدتی یکی از تکیه گاههای تو از دنیا رخت برمی بندد. قسم به خدا، جانشینی و وصایت من از آن توست. چون رسول خدا به سرای باقی شتافتند علی [علیه...السلام] فرمودند: این یکی از دو تکیه گاهی بود که از دست دادم. و چون همسرش فاطمه را - که خداوند از او خشنود باشد - از دست دادند؛ فرمودند: و این هم دومین تکیه گاه.

گردآورنده گوید: سزاوار است که دقت نظری در معنای رکنیت شود؛ زیرا هر معنایی که در رکن بودن رسول خدا برای علی نهفته است در رکن بودن فاطمه برای علی جاری و ساری می باشد. این مقام رتبه ای است شامخ و بلند و هر کسی را توانایی نائل شدن به این رتبت بلند نیست؛ مگر فاطمه علیها...السلام و این فضیلت از مختصات حضرتش می باشد.(۲)

فضیلت نهم

نور حق بر فاطمه علیها السلام تابیده است

۹. از پیامبر خدا روایت گردیده که حضرتش فرمودند:

لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْجَنَّةَ خَلَقَهَا مِنْ نُورٍ وَجْهَهُ، ثُمَّ أَخَذَ ذَلِكَ النُّورَ فَقَذَفَهُ فَأَصَابَنِي

۱- سیوطی: مسند فاطمه الزهرا علیها...السلام، ص ۶۹.

۲- محب الدین طبری: ذخائر العقبی، چاپ مصر، ص ۵۶.

ثَلَاثُ النُّورِ، وَ أَصَابَ فَاطِمَةَ ثَلَاثَ النُّورِ، وَ أَصَابَ عَلِيًّا وَ أَهْلَ بَيْتِهِ ثَلَاثَ النُّورِ. فَمَنْ أَصَابَهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ اهْتَدَى إِلَى وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ مَنْ لَمْ يَصِبْهُ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ ضَلَّ عَنْ وَلايَةِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلِمَ. (۱)

آنگاه که خداوند بهشت را از نور خود بیافرید، آن نور را گرفته و یک سومش را به من و ثلث دوشم را به فاطمه و ثلث آخرش را به علی و اهل بیتش داد. پس هر کس این نور بر او بتابد به ولایت آل محمد هدایت می شود و هر کس که از تابیدن محروم ماند گمراه گردد.

گردآورنده گوید: دقت و تدبیر در این روایت جلالت قدر و علو شأن حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام را روشن می سازد؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی او را در نورانیت قسیم و هم عرض پدر و شوهر و فرزنداناش قرار داده است. به جانم سوگند، حصول این رتبه برای هر کس میسر نیست و دریایی است که ژرفای آن از دیده ادراک غواصان بحر معارف و حکم پنهان است.

فضیلت دهم

اصحاب کسا بهترین مخلوقاتند

۱۰. از پیامبر خدا حدیث بلند بالایی روایت شده که حضرت در فرازی از آن می فرمایند:

عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ مَكْتُوبٌ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خَيْرُ خَلْقِ اللَّهِ. (۲)

بر پایه های عرش خداوندی مکتوب است: معبودی جز خدا نیست، محمد فرستاده اوست و علی و فاطمه و حسن و حسین بهترین آفریدگان اویند.

۱- ابن شهر آشوب: المناقب [و] مجلسی: بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۴.

۲- مولی عبدالصمد همدانی: بحر المعارف، ص ۴۲۸.

فضیلت یازدهم

خداوند فاطمه علیها السلام را بر دیگر بانوان مقدّم داشته است

۱۱. رسول خدا به علی علیه السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَشْرَفَ عَلَى الدُّنْيَا فَاخْتَارَنِي مِنْهَا عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّانِيَةَ فَاخْتَارَكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الثَّلَاثَةَ فَاخْتَارَ الْإِثْمَةَ مِنْ وَلَدِكَ عَلَى رِجَالِ الْعَالَمِينَ، ثُمَّ أَطَّلَعَ الرَّابِعَةَ فَاخْتَارَ فَاطِمَةَ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ. (۱)

همانا خداوند باشکوه و جلال بر جهان هستی نظر افکنده و من را بر مردان جهانیان اختیار نمود. آنگاه در نگاه دوم تو را بر مردان جهانیان اختیار نمود و در نظر سوم پیشوایان از فرزندان تو را بر مردان جهانیان اختیار نمود و در نگاه چهارم فاطمه را بر زنان جهانیان برگزید.

۱۲. رسول خدا فرمودند:

لِيلَهُ عَرَجٌ بِي إِلَى السَّمَاءِ رَأَيْتَ عَلِيَّ بَابَ الْجَنَّةِ مَكْتُوبًا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ، عَلِيُّ حَبِيبُ اللَّهِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ صَفْوَةُ اللَّهِ، فَاطِمَةُ خَيْرَةُ اللَّهِ، عَلِيٌّ بَاغِضِهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ. (۲)

در شبی که به آسمان عروج کرده و بالا رفتم بر درب بهشت مشاهده نمودم که نوشته شده است: معبودی جز خدا نیست، محمد فرستاده او، علی دوست و یاورش، حسن و حسین برگزیدگان او، فاطمه بهترین ها در نزد اوست که نفرین خداوندی بر دشمنان آنان باد.

فضیلت دوازدهم

فرمانبرداری از آنان بر کائنات فرض است

۱۳. در فرازی از روایت بلندی که از امام باقر علیه السلام نقل شده آمده است:

۱- حافظ عاصمی: زین الفتی (به نقل از کتاب «فاطمه الزهرا» علامه امینی، ص ۴۳، چاپ امیرکبیر). بهجه قلب المصطفی ص ۴۳۰.

۲- خطیب بغدادی: تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹.

و لقد كانت عليها...السلام مفروضه الطاعه على جميع من خلق الله من الجنّ و الإنس و الطير و الوحش و الأنبياء و الملائكة...[\(۱\)](#)

به یقین فرمانبرداری از فاطمه علیها...السلام بر تمامی مخلوقات از جنّ و انس و پرنده و درّنده و انبیاء و ملائکه واجب است.

۱۴. از محمّد بن سنان روایت شده است که گفت: در خدمت امام باقر علیه...السلام بودیم، سخن به اختلاف عقیده در میان شیعیان رسید حضرت فرمودند:

يا محمّد، إنّ الله تبارك و تعالی لم یزل منفرداً بوحدانیّه، ثمّ خلق محمّداً و علیّاً و فاطمه، فمكثوا ألف دهر، ثمّ خلق جميع الأشياء فأشهدهم خلقها، و أجرى طاعتهم علیها، و فوّض أمورها، إلیهم، فهم یحلّون ما یشاؤون، و یحرّمون ما یشاؤون، ولن یشاؤوا إلّا یشاء الله تبارك و تعالی. ثمّ قال: یا محمّد، هذه الدیانة الّتی من تقدّمها موق، و من تخلف عنها محق، و من لزمها لحق. خذها إلیک یا محمّد.[\(۲\)](#)

ای محمّد، به راستی که خدا به وحدانیتش متفرد و بی بدیل بود. آنگاه محمّد و علی و فاطمه را بیافرید و پس از آن یکهزار سال از آفرینش دست شست؛ چون یکهزار سال به سر آمد کلیّه اشیاء را آفرید و این سه نور پاک را بر این آفرینش شاهد گرفت و فرمانبرداری از آنان را در تمامی اشیاء جاری نمود و جریان تدبیر امور را به آنان واگذار نمود.

آنان حلال و حرام را وضع نمودند، که کرده آنان جز به مشیت خدا نبود. آنگاه حضرت در ادامه گفتار خود فرمودند: ای محمّد! هر کس در این دیانت از این باورها پا به پیش نهد مُبدع (= بدعت گذار و نوآور) در دین بوده و هر کس سرباز زند به وادی ضلالت در غلتیده و هر کس پای بند به آن باشد به حقّ پیوسته است. ای محمّد! این مطلب را را به گوش جان سپار و بر این باور باش.

۱- . طبری: دلائل الامامه، چاپ نجف، ص ۲۸.

۲- . کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۱، ح ۵ [و] مجلسی: بحارالانوار، ج ۱۵، ص ۱۹، ح ۲۹.

علامه مجلسی در شرح این حدیث گوید: «فاشهدهم خلقها» یعنی آفرینش اشیاء را در نزد آنان انجام داد و آنها بر چگونگی و اسرار خلقت اشیاء آگاه بودند. «و اجرای طاعتهم علیها» یعنی فرمانبرداری از آنان را بر تمامی اشیاء، حتی جمادات و اجرام سماوی و ارضی واجب و فرض نمود. «و فوّض امورها الیه» یعنی حرام کردن و حلال نمودن و انجام دادن و انجام ندادن را بر دوش آنان نهاد؛ هر چند که ظاهر عبارت و حال می رساند که تدبیر نظام این عالم را از حرکات و سکنتات و روزی و... بر عهده آنها گذارد. (۱)

۱۵. از ابوسعید خدری روایت شده است که:

ما نزد پیامبر خدا نشستیم که شخصی به خدمت حضرتش شرفیاب شد و گفت: ای فرستاده خدا، مرا از سخن خداوند که به ابلیس فرمود: «آیا تکبر و نخوت کردی، یا از بلندرتبگان بودی؟» آگاه کن و برایم معلوم دار که اینان چه کسانی هستند؟

فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم: أنا و عليّ و فاطمه و الحسن و الحسين، كُنّا في سرادق العرش نسبح الله فسبّحت الملائكة بتسبيحنا قبل أن يخلق الله عزّوجلّ آدم بالفى عام، فلما خلق الله عزّوجلّ آدم أمر الملائكة أن يسجدوا له، و لم يؤمروا بالسُّجود إلّا لأجلنا، فسجدت الملائكة كلّهم أجمعون إلّا إبليس أبى أن يسجد، فقال الله تبارك و تعالی: «يا إبليس ما منعك أن تسجد لما خلقت بيدى أستكبرت أم كنت من العالين» أى من هؤلاء الخمسة المكتوبه أسماؤهم فى سرادق العرش، فنحن باب الله الذى يؤتى منه، و بنا يهتدى المهتدون، فمن أحبنا أحبه الله و أسكنه جنته، و من أبغضنا أبغضه الله و أسكنه ناره، و لا يحبنا إلّا من طاب مولده. (۲)

حضرت پاسخ داد: مراد از آنها من، علی، فاطمه، حسن و حسین هستیم. ما در

۱- . علامه مجلسی: مرآة العقول، ج ۵، ص ۱۹۰-۱۹۲.

۲- . شیخ صدوق: فضائل الشیعه، ص ۴۹، ح ۷ [و] استرآبادی نجفی، تأویل الآیات، ج ۲، ص ۵۰۹، ح ۱۱.

سراپرده عرش خداوندی به تسبیح او مشغول بودیم، که ملائکه به تسبیح ما، خدا را تسبیح می نمودند آن هم دو هزار سال پیش از آفرینش آدم. پس آنگاه که خدا آدم را بیآفرید ملائکه را فرمان به سجده داد، که منشأ این حکم نبود مگر به وجود ما. تمامی فرشتگان امر حق تعالی را امتثال کرده سجده نمودند؛ جز ابلیس که سر باز زد. خداوند ابلیس را مخاطب قرار داد و فرمود: «ای ابلیس! چه تو را از سجده کردن - و کرنش در مقابل آنچه که خود با دستانت بیآفریدم باز داشت؟ آیا کبر می ورزی و خود را برتر می شماری؟»، یعنی خود را از این پنج نفری که نامهایشان را بر سراپرده عرش نوشته ام بالاتر و والاتر می شماری؟

ما در بهای خداوندی هستیم که باید از آن داخل [دژ خداوندی] شد، به وجود ما هدایت صورت می گیرد. هر کس ما را دوست بدارد خدا را دوست داشته و در بهشت شیکنایش دهند و هر کس ما را دشمن بدارد خدا را دشمن داشته و مأوایش را آتش قرار می دهند. ما را دوست نمی دارد مگر کسی که از دامنی پاک زاده شده باشد.

فضیلت سیزدهم

روز جزا فاطمه علیها السلام سواره به محشر قدم می نهد

۱۶. از پیامبر اکرم روایت شده است که:

یبعث الله الأنبياء يوم القيامة على الدواب، و يبعث صالحاً على ناقته كيما يوافي بالمؤمنين من أصحابه المحشر، و تبعث فاطمه و الحسن و الحسين عليهم السلام على ناقتين من نوق الجنة، و علي بن أبي طالب على ناقتي، و أنا على البراق، و يبعث بلالاً على ناقته فينادي بالأذان - الحديث. (۱)

خداوند پیامبران را در روز حشر در حالی که سوار بر چارپایانند برمی انگیزد و صالح

۱- . متقی هندی: کنز العمال، ج ۶، ص ۱۹۳ [و] فیروز آبادی: فضائل الخمسة، ج ۳، ص ۱۶۳.

پیغمبر سوار بر شترش برانگیخته می شود، تا به یاران خود در صحرای قیامت ملحق گردد. فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام وارد صحرا می شوند در حالیکه بر دو شتر از شتران بهشت سوار هستند. علی بر شتر من و من بر بُراق سوار هستم. بلال هم برانگیخته می شود در حالیکه بر شترش سوار است و صدایش را به اذان بلند کرده است...

فضیلت چهاردهم

فاطمه علیها السلام در شکم با مادر خود سخن می گوید

۱۷. به نقل از برخی راویان گرامی آمده است:

روزی از روزها خدیجه کبری - که خدایش از او خشنود باشد - از حضرت ختمی مرتبت تقاضای میوه نمود. جبرئیل از بهشت برای آقای دوسرا دو عدد سیب آورد و گفت: ای محمد! آن که برای هر چیز مقداری معین نموده است تو را می گوید: یکی از این دو سیب را خود تناول کن و دیگری را به خدیجه بخوران؛ زیرا که من در سر قصد آفرینش فاطمه از صلب شما را دارم. احمد مختار هم انجام داد آنچه را که جبرئیل امین بدان امر و اشارت نموده بود.

چون کفّار از پیامبر درخواست شکافتن ماه را نمودند، آن هم در زمانی که حامل بودن خدیجه آشکار گردیده بود، خدیجه گفت: «رشته امیدش گسسته باد هر که محمد را تکذیب کند، در حالیکه او بهترین نبی و فرستاده است!» در این هنگام فاطمه از درون شکم مادر ندا داد:

یا أمّاه لا تحزنی و لا ترهبی فإنّ الله مع أبی - الخبر.

«ای ماد! غمگین مباش و ترس به خود راه مده، همانا خداوند پشتیبان پدرم می باشد»... (۱)

۱- . شیخ شعیب حریفش: الروض الفائق، چاپ مصطفی البابی الحلبي، ص ۲۱۴ [و] قاضی نورالله: احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۲ (به نقل از الروض الفائق).

فضیلت پانزدهم

فاطمه علیها السلام در زیر عرش خداوندی است

۱۸. رسول خدا فرمود:

أنا و علی و فاطمه و الحسن و الحسین یوم القیامه فی قبه تحت العرش. (۱)

من و علی و فاطمه و حسن و حسین در روز حشر به زیر عرش خداوندی جای داریم.

فضیلت شانزدهم

سلام و درود بر فاطمه علیها السلام پاداشی مخصوص دارد

۱۹. از یزید بن عبدالملک نوفلی، از پدرش، از جدش روایت شده است:

بر فاطمه دختر رسول خدا وارد شدم و ابتدای به سلام نمودم؛ آنگاه فاطمه علیها... السلام فرمودند: پدرم - که در زمان بیان آن حضرت ختمی مرتبت در قید حیات بودند - گوید:

من سلم علی و علیک ثلاثه ازیام فله الجنه. قلت لها: ذافی حیاته و حیاتک أو بعد موته و موتک؟ قالت: فی حیاتنا و بعد وفاتنا. (۲)

هر کس بر من و بر تو سه روز سلام کند بهشت از آن اوست. راوی گوید به حضرت عرضه داشتم: در زمان حیات پیامبر و شما، و یا پس از وفاتتان؟ حضرت فرمودند: چه در حیات، و چه در ممات ما.

۲۰. ابن عباس گوید: چون فاطمه گرامی دخت پیامبر پا به گیتی نهاد،

۱- گنجی شافعی: کفایه الطالب، باب ۸۵، ص ۳۱۱. آنگاه گنجی پس از ذکر حدیث می فرماید: «حدیث را از حیث سند جز

این صورتی که متذکر شدیم مکتوب ندیده ام و این حدیث حدیث خوبی است». بیجه قلب المصطفی ص ۴۷

۲- ابن مغزلی شافعی: المناقب، چاپ تهران، ص ۳۶۳. بجهه قلب المصطفی ص ۴۸.

پیامبر او را «منصوره» نام نهادند؛ آنگاه جبرئیل فرود آمده گفت که «ای محمّد! خداوند بر تو و بر تازه مولودت سلام می‌رساند. (۱)»

فضیلت هفدهم

حنوط و کافور فاطمه علیها السلام از بهشت فرود آمد

۲۱. به سند مرفوع از ابن سنان نقل شده است که: بنابر سنّت وزن کافور سیزده درهم و یک سوم است، که جبرئیل بر پیامبر خدا فرود آمد و چهل درهم کافور از بهشت برای حضرت آورد. پس حضرت رسول آن را به سه قسمت تقسیم نمود، یک قسمت برای خودش، قسمت دوم برای علی و آخرین قسمت برای فاطمه علیها...السلام. (۲)

فضیلت هیجدهم

جنگ و صلح با اصحاب کسا جنگ و صلح با خداست

۲۲. از ابی حازم و او از ابوهریره نقل می‌کند که: پیامبر اکرم به علی و فاطمه و حسن و حسین نظر کرده فرمودند:

أنا حرب لمن حاربکم، و سلم لمن سالمکم. (۳)

با کسی که با شما در جنگ باشد در جنگم و با کسی که با شما در صلح باشد در صلحم.

آزار و اذیت فاطمه علیها...السلام اذیت خدا و رسولش می‌باشد

گردآورنده گوید: چون سخن ما بدینجا انجامید بایسته است تا قسمتی

۱- ذهبی: میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۴۰۰، ح ۴۲۴۳ و ج ۳، ص ۴۳۸، ح ۷۰۷۰ [و] ابن حجر: لسان المیزان، ج ۳، ص ۲۶۷، ح ۱۱۴۰ [و] ملحقات احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۳۴.

۲- اربلی: کشف الغمّه، ج ۱، ص ۵۰۰ [و] شیخ صدوق: علل الشّرایع، ج ۱، ص ۳۰۲، ح ۱ [و] مجلسی: بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۵۰۴ و ج ۸۱، ص ۳۲۴، ح ۱۷ (به نقل از کشف الغمّه).

۳- مسند احمد، ج ۲، ص ۴۴۲.

از اخباری را که در این زمینه وارد شده است متذکر شویم تا فائده بحث دو چندان گردد؛ آنگاه به بحث اصلی بازگشته آن را ادامه می دهیم.

الف) علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا) (۱) می گوید:

این آیه در مورد کسانی که حقوق امیر مؤمنان را غصب کردند و حق فاطمه را به ستم از او ستاندند و او را مورد آزار و اذیت خویش قرار دادند نازل شده است؛ زیرا پیامبر خدا فرمود:

من آذاها فی حیاتی کمن آذاها بعد موتی، و من آذاها بعد موتی کمن آذاها فی حیاتی، و من آذاها فقد آذانی، و من آذانی فقد آذی الله، و هو قول الله: (إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ - الْآيَةُ) (۲)

هر کس فاطمه را در زمان حیاتم آزار دهد گویا او را در پس مرگم آزرده و هر که او را در پس مرگم بیازارد گویا او را در زمان حیاتم آزرده است. هر کس او را بیازارد مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است؛ چرا که این گفتار خداوندی است که می فرماید: «هر کس خدا و رسولش را بیازارد...».

ب) مجاهد گوید:

خرج النبي صلى الله عليه وآله وسلم - وهو أخذ بيد فاطمه فقال: من عرف هذه فقد عرفها، و من لم يعرفها فهي فاطمه بنت محمد، و هي بضعة مني، و هي قلبي، و هي روحی التي بين جنبي، من آذاها فقد آذانی، و من آذانی فقد آذی الله.

پیامبر خدا از منزل خارج شد در حالیکه دست در دستان فاطمه علیها... السلام داشت و می فرمود: هر کس او را می شناسد که می شناسد، و هر کس که او را نمی شناسد

۱- احزاب، ۵۷:۳۳. خداوند آنان را که خدا و رسولش را می آزارند در دنیا و آخرت لعن و نفرین می کند و برایشان عذاب خوارکننده ای را فراهم آورده است.

۲- تفسیر الفرات، ص ۵۳۳ [و] مجلسی: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۵، ح ۲۳ [و] بحرانی: عوالم العلوم، ج ۱۱، ص ۱۱۰، باب ۱۰.

بداند او فاطمه دختر محمّد است، او پارهٔ تن و قلب و روح من است. هر که او را بیازارد مرا آزرده و هر که مرا آزارد خدای را آزرده است.

(ج) امام صادق علیه... السلام از پیامبر روایت می فرمایند که حضرت فرمودند:

إِنَّمَا فَاطِمَةُ حَذِيَّةٌ مِّنِّي، يَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا. (۱)

همانا فاطمه پاره ای از گوشت من است؛ مرا به خشم آورده هر که او را خشمگین کند.

(د) از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که پیامبر خدا فرمودند:

إِنَّ فَاطِمَةَ شَعْرَةٌ مِّنِّي، فَمَنْ آذَى شَعْرَةَ مَنِّي فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ، وَمَنْ آذَى اللَّهَ لَعَنَهُ اللَّهُ مِثْلَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. (۲)

همانا فاطمه تار موی من است. پس، هر که تار موی مرا بیازارد مرا آزرده است و آزردن من آزردن خداوند است، و هر کس خدا را بیازارد خداوند او را به گستردگی آسمانها و زمین لعنت و نفرین کند.

(هـ) از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

يَا عَلِيُّ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِّنِّي، هِيَ نُورٌ عَيْنِي وَ ثَمَرَةٌ فُؤَادِي، يَسُوءُنِي مَا سَاءَ هَا، وَ يَسْرُّنِي مَا سَرَّهَا، وَ إِنَّهَا أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي، فَأَحْسِنْ إِلَيْهَا مِنْ بَعْدِي، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ فَهَمَا ابْنَايَ وَ رِيحَانَتَايَ، وَ هُمَا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَئِكَوْنَا عَلَيْكَ كَسْمَعِكَ وَ بَصْرِكَ. ثُمَّ رَفَعَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي مُحِبٌّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ، مَبْغُضٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُمْ، سَلِمٌ لِمَنْ سَالَمَهُمْ، حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ، عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُمْ، وَلِيٌّ لِمَنْ وَالَاهُمْ. (۳)

ای علی! به راستی که فاطمه پارهٔ تن من است، او نور دیدگانم و میوهٔ قلبم می باشد. هر چه او را بیازارد مرا آزرده می سازد، و هر چه او را خوشحال کند مرا

۱- . مجلسی: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.

۲- . مجلسی: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۴.

۳- . صدوق: کتاب الامالی، ص ۳۹۳، ح ۱۸ [و] مجلسی: بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۴، ح ۲۰.

خوشحال می کند. به راستی که او نخستین فرد از اهل بیت من است که پس از مرگم به من ملحق می گردد، پس بعد از من به او نیکی روا دار، و دو فرزندش حسن و حسین نوگلان منند. اینان آقای جوانان اهل بهشتند و آنها برای تو به منزله چشم و گوش هستند.

پس از آن حضرت دستان خود را به سوی آسمان بلند کردند و گفتند:

خدایا! تو را شاهد می گیرم که من دوستدار دوستان او و دشمن دشمنان اویم. در صلح با کسی که با آنان در صلح باشد، و در ستیز با کسی که با آنان در ستیز باشد، دشمنم با کسی که با آنان دشمنی کند، و دوستم با کسی که با آنان دوستی ورزد. (و) رسول خدا فرمودند:

إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يَسُوءُنِي مَسَاءَهَا. (۱)

به راستی فاطمه پاره تن من است؛ آنچه او را آزار دهد مرا آزار می دهد.

(ز) از علی علیه السلام روایت شده است که حضرت فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لِيَغْضِبَ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ، وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا. (۲)

خداوند به خشم فاطمه خشمگین و به خشنودی اش خشنود است.

(ح) از علی علیه السلام:

يَا فَاطِمَةُ إِنَّ اللَّهَ لِيَغْضِبَ لِعُضْبِكَ، وَ يَرْضَى لِرِضَاكَ. (۳)

ای فاطمه! خداوند به خشم تو خشمناک و به خشنودی ات خشنود می گردد.

(ط) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱- ابن سعد: الطبقات الكبير، چاپ بيروت، ج ۸، ص ۲۶۲.

۲- متقی هندی: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱ [و] هیشمی: مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۲۰۳ [و] صدوق: عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۷۶.

۳- متقی هندی: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

فاطمه بضعه منی، فمن أغضبها أغضبني. (۱)

فاطمه پاره تن من است، هر که او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است.

(ی) رسول خدا فرمودند:

إنما فاطمه بضعه منی، يؤذيني ما آذاها. (۲)

فاطمه پاره تن من است، آزار می دهد مرا هر چه که او را بیازارد.

(یا) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فإنما ابنتي بضعه منی، یربني ما رابها، و يؤذيني ما آذاها. (۳)

همانا فاطمه پاره تن من است، تکذیب او تکذیب من و آزار او آزار من است.

(یب) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إن فاطمه بنت محمد مضغه منی. (۴)

همانا فاطمه دخت محمد مُضْغَةٌ من است.

(یج) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إنما فاطمه بضعه منی، يؤذيني ما آذاها، و ينصبي ما أنصبها. (۵)

فاطمه پاره تن من است، آزرده است مرا هر که او را بیازارد و اندوهگینم نموده هر که او را اندوهگین کند.

(ید) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

۱- صحیح البخاری، چاپ مصر، ج ۵، ص ۲۶، باب الفضائل [و] ابن شهر آشوب: المناقب، ج ۳، ص ۱۱۲ [و] مجلسی:

بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۹.

۲- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱، باب الفضائل [و] قندوزی: ینایع المودّة، ص ۱۷۱ [و] بیهقی: السّینن الکبری، ج ۱۰، ص

۲۰۱ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱، ح ۳۴۲۴۱ [و] حاکم: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۹.

۳- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۱، باب الفضائل.

۴- صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۴۲، باب الفضائل. [و] خصائص النّسائی، ص ۱۲۱-۱۲۲.

۵- . مضغه گوشت جویده شده را گویند (منتهی الارب).

۶- . حاکم نیشابوری: المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۹، حاکم در دنباله حدیث می افزاید: این حدیثی است صحیح؛ زیرا شیخین به صحت آن اعتراف کردند ولی آن را نقل نکرده اند.

إِنَّمَا فَاطِمَةُ مَضْغَةٌ مَنِّي، فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي. (۱)

همانا فاطمه مضغه من است، هر که او را بیازارد مرا آزرده است.

(یه) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فاطمه بضغه منی، یسعفنی ما أسعفها. (۲)

فاطمه پاره تن من است، هر که او را کمک کند مرا کمک کرده است.

(یو) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فاطمه شجنه منی، یبسطنی ما یبسطها، و یقبضنی ما یقبضها. (۳)

فاطمه جزیی از تن من است، مرا شاد نموده هر که او را شاد نماید و مرا به خشم آورده هر که او را خشمگین کند.

(یز) رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

فاطمه مضغه منی، یسرّنی ما یسرّها. (۴)

فاطمه مضغه من است، مرا مسرور کرده هر که او را مسرور کند.

فضیلت نوزدهم

اصحاب کسا برترین مخلوقاتند

۲۳. رسول خدا فرمودند:

لو علم الله تعالی أنّ فی الأرض عبداً اکرم من علیّ و فاطمه و الحسن و الحسین لأمرنی أن أباهل بهم، و لکن أمرنی بالمباهله مع هؤلاء و هم أفضل الخلق، فغلبت بهم النصارى. (۵)

۱- . حاکم نیشابوری؛ المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۹.

۲- . متقی هندی: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱.

۳- . متقی هندی: کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱ و ج ۵، ص ۹۷ [و] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۲۰۰-۲۰۲.

۴- . امینی: الغدیر، ج ۶، ص ۱۲۱.

۵- . قندوزی، ینابیع المودّة، چاپ استانبول، ص ۲۴۴.

اگر خداوند می دانست که در روی کره خاک بندگانی بهتر از علی و فاطمه و حسن و حسین یافت می شوند، همانا مرا امر می نمود تا در معیت آنها به مباحله برخیزم؛ لیکن خداوند مرا امر به مباحله به وسیله اینان نمود، چرا که برترین مخلوقاتند از این رو، در مقام مباحله بر نصاری پیروزی از آن من شد.

فضیلت بیستم

اصحاب کسا در بهشت در یک سرا جای دارند

۲۴. امام باقر علیه...السلام فرمودند:

سئل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عن قوله تعالی: (الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ) (۱).

فقال: هی شجره فی الجنّه أصلها فی داری و فرعها فی الجنّه، فقيل له: یارسول الله سألتناک عنها فقلت: هی شجره فی الجنّه أصلها فی دار علی و فاطمه، و فرعها علی أهل الجنّه فقال: إن داری و دار علی و فاطمه غداً فی مکان واحد - الحدیث. (۲).

رسول خدا را از معنای این گفتار خداوندی که می فرماید: «زندگی خوش و بازگشتگاه از آن کسانی است که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند». پرسش نمودند، حضرت در پاسخ فرمودند: آن درختی است در بهشت که ریشه اش در خانه من و شاخ و برگش در بهشت است. پس به حضرت عرض شد: ای رسول خدا! ما شما را از آن سؤال نمودیم. آنگاه شما فرمودید: آن درختی است در بهشت، که ریشه اش در خانه علی و

۱- رعد، ۱۳: ۲۹.

۲- قندوزی: ینابیع المودّه، چاپ استانبول، ص ۱۳۱، با اندکی تغییر در الفاظ. طبرسی: مجمع البیان، ج ۶، ص ۲۹۱ [و]

حسکانی: شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۴۱۷ [و] مجلسی: بحار الانوار، ج ۸، ص ۸۷ (به نقل از مجمع و شواهد) [و]

بحرانی: البرهان، ج ۲، ص ۲۹۳، ح ۱۳ [و] تفسیر الفرات: ص ۷۶.

فاطمه و شاخ و برگش سایه گستر بر ساکنان بهشت است. پس پاسخ دادند: همانا سرای من و سرای علی و فاطمه در آینده در مکانی واحد است...

۲۵. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که فرمودند:

فِي الْجَنَّةِ دَرَجَةٌ تَدْعَى الْوَسِيلَةَ، فَإِذَا سَأَلْتُمْ اللَّهَ تَعَالَى فَاسْأَلُوا الْوَسِيلَةَ. (۱)

در بهشت درجه و مقامی وجود دارد که آن را وسیله خوانند، پس هرگاه از خداوند درخواست نمودید وسیله را درخواست کنید. پرسیدند: ای فرستاده خدا! چه کسانی در آن با شما سکونت دارند؟ فرمود: علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام.

۲۶. از پیامبر اکرم روایت شده که فرمودند:

أَنَا شَجْرَةٌ، وَ فَاطِمَةُ حَمَلُهَا، وَ عَلِيُّ لِقَاحِهَا وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثَمَارُهَا، وَ مُحِبُّونَا أَهْلُ الْبَيْتِ وَ رِقْقُهَا، وَ كُنَّا فِي الْجَنَّةِ. (۲)

من درخت هستم و فاطمه حملش و علی لقاحش و حسن و حسین میوه هایش و دوستداران خاندانم برگهایش. تمامی ما را بهشت مأوا است.

۲۷. رسول خدا فرمودند:

أَنَا وَ فَاطِمَةُ وَ حَسَنٌ وَ حُسَيْنٌ مَجْتَمِعُونَ. (۳)

من و فاطمه و حسن و حسین در یک مکان [در بهشت] در کنار هم هستیم.

فضیلت بیست و یکم

اصحاب کساء میزان اعمالند

۲۸. رسول خدا فرمود:

أَنَا مِيزَانُ الْعِلْمِ، وَ عَلِيُّ كِفْتَاهُ، وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ خِيَوُهُ، وَ فَاطِمَةُ عِلَاقَتُهُ،

۱- . خوارزمی: مقتل الحسين، چاپ نجف، ص ۶۶.

۲- . صفوری: نزهة المجالس، ج ۲، ص ۲۲۲ [و] ابن حجر: صواعق المحرقة، ص ۲۳۰ [و] حصرمی: رشفة الصاوی، ص ۴۴.

۳- . طبرانی: معجم الكبير، ص ۱۰۳ [و] هیثمی: مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۷۴ بهجة قلب المصطفى ص ۶۸

و الأئمة من أمتي عموده، يوزن فيها أعمال المحبين لنا و المبغضين لنا. (۱)

من ترازوی علم هستم، علی دو کفه آن، فاطمه شاهین (یا میزان) آن، حسن و حسین بندهای آن و ائمه از ائمت من دستگیره آن هستند، که به وسیله آن کردار دوستان و دشمنان ما سنجیده می شود.

فضیلت بیست و دوم

خمسۀ طیبه در داستان کشتی نوح علیه السلام

۲۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

چون خداوند عزوجل اراده نابودی قوم نوح علیه...السلام را نمود، به فرستاده اش وحی نمود تا چوب درختان ساج را به صورت لوحه هایی در آورد. آنکه نوح علیه...السلام چنین کرد؛ امّا از نحوه ساختن و بهم آمیختن آنها آگاهی نداشت. پس، جبرئیل فرود آمد و شکل و هیئت کشتی را به او نشان داد. به همراه جبرئیل، فرود آمد و شکل و هیئت کشتی را به او نشان داد. به همراه جبرئیل، تابوت و یکصد و بیست و نه هزار عدد میخ بود. نوح علیه...السلام کار ساختن کشتی را آغاز کرد و تمامی میخ ها جز پنج عدد را در ساختن کشتی به کار برد. او دستی به میخهای باقیمانده کشید که میخها به درخشش درآمدند و نورافشانی نمودند، همچون پرتوافشانی ستاره ای درخشنده در آسمان شب. نوح علیه...السلام از این واقعه متعجب گردید. آنگاه میخ به قدرت باهره الهی به زبانی فصیح گویا شد و گفت: من به نام بهترین انبیای محمد بن عبدالله هستم. بار دیگر جبرئیل از عرش بالا فرود آمد. نوح جبرئیل را مخاطب ساخته پرسید: ای جبرئیل! این میخ که هرگز

۱- . خوارزمی: مقتل الحسين، ص ۱۰۷ [و] سیوطی: ذیل اللئالی، چاپ لکهنو، ص ۶۰ [و] قندوزی: ینابیع المودّة، ص ۲۳۶ و

مانند او را ندیده ام چیست؟ جبرئیل علیه...السلام گفت: این میخ به نام بهترین از اولین و آخرین محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم است. جبرئیل در دنباله سخنان خود نوح را بفرمود تا آن میخ را بر دماغه کشتی در سمت راست بکوبد. نوح علیه...السلام میخ دوم را به دست گرفت و با دست دیگر بر آن زد، این میخ هم پرتوافشان شد. او از جبرئیل درباره میخ دوم پرسش نمود. جبرئیل گفت: این میخ به اسم برادر و پسرعموی محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه...السلام است.

نوح علیه...السلام آن را به فرمان جبرئیل امین در سمت چپ دماغه کشتی کوبید. آنگاه نوح علیه...السلام میخ سوم را با دستی گرفت و با دست دیگر دست بر آن ضربتی نواخت میخ نورانی و پرتوافشان شد. جبرئیل به او گفت: این میخ به نام فاطمه علیها...السلام است، آن را در جانب میخ پدرش بکوب. نوح میخ چهارم را با دستی گرفت و با دستی دیگر بر آن ضربتی وارد آورد، میخ نورانی و پرتوافشان شد. جبرئیل در پاسخ نوح از حقیقت میخ گفت: این میخ به نام حسن علیه...السلام است. او را در جانب پدرش، علی بن ابی طالب علیه...السلام بکوب. آنگاه نوح علیه...السلام میخ پنجم را به دست گرفت و با دست دیگر دست ضربتی بدو وارد نمود؛ میخ نورانی و پرتوافشان گردید و گریان شد، بگونه ای که سرشک غم فرو بارید. نوح علیه...السلام از جبرئیل از خیسی میخ پرسید. جبرئیل در پاسخ گفت: این میخ به نام حسین علیه...السلام است، که قافله سالار خیل شهیدان است، آن را در سمت میخ برادرش حسن علیه...السلام بکوب.

آنگاه پیامبر خدا در ادامه گفتارشان فرمودند: مراد خداوند در این آیه از قرآن که می فرماید: «او را بر آن کشتی، که دارای الواح و میخها بود نشانیدیم» از «الواح» تخته های کشتی و از «دُسر» ما خاندان هستیم. اگر ما نبودیم

کشتی با سرنشینانش توان سیر کردن را نداشت. (۱)

فضیلت بیست و سوم

توسل پیدا نمودن زکریای پیامبر به خمسه طیبه

۳۰. از مولا و آقای ما حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جواب سعد بن عبدالله در حدیثی طولانی و بلند بالا آمده است که فرمودند:

زکریا از خداوند خواستار آگاهی از اسامی پنجگانه شد. جبرئیل امین بر او نازل شد و به او آن نامها را آموزش داد. پس هرگاه زکریا نامهای محمد، علی، فاطمه و حسن را یاد می نمود غم و اندوه از او زایل می شد و سختیهایش آسان می گردید؛ ولی چون نام حسین را بر زبان می آورد گریه گلوگیرش می شد تا آنجا که از نفس می افتاد. پس روزی زکریا علیه السلام خداوند را گفت: پروردگار من! مرا چه می شود هنگامی که یادی از محمد و علی و فاطمه و حسن می کنم غمهایم به کناری می رود؛ ولی یاد حسین دیدگانم را اشکبار کرده و نفسم را به شماره می افکند؟ خداوند او را از داستان و سبب این امر آگاه نموده و فرمود: «کَهِيعَص» (۲)

پس «کاف» کربلا، «هاء» هلاک گردیدن عترت، «یاء» یزید که ستم کننده بر حسین است، «عین» عطش حسین و «صاد» صبر و پایداری اوست.

چون زکریا علیه السلام از حقیقت امر آگاه شد، سه شبانه روز در عبادتگاه خود به خلوت نشست و مردم را از دخول به خلوت خویش بازداشت و گریه و فغان سر داد. بی تابی و شیون او از این رو بود که می گفت: پروردگار من! آیا بهترین خلایقت را به سبب فرزندش سوگواری می کنی؟ آیا به سبب فنای

۱- میرحامد حسین؛ عبقات الانوار، چاپ مخطوطات اصفهان، حدیث السفینه: ص ۱۰۸۱.

۲- مریم، ۱۹:۱.

حسین و این مصیبت بزرگ آشوب و بلوا نازل می کنی؟ پروردگارا! آیا بر علی و فاطمه روا می داری که به این حادثه لباس عزا دربرکنند؟ پروردگارا! آیا سزااست که به این مصیبت، دلگیری و اندوه، ساخت آنان را فرا گیرد؟ آنگاه زکریا علیه...السلام فرمود: پروردگارا! در این روزگار کهولت چشمانم را به وجود فرزندی روشن کن و او را وارث و جانشین من قرار ده و نسبت او را به من چون نسبت حسین با پدرش قرار ده. پس اگر او را روزی من قرار دادی مرا مفتون محبتش کن و پس از آن او را سبب اندوه و غم من قرار ده، آنچنان که محمّد را به سبب فرزندش اندوهگین نمودی. خداوند تبارک و تعالی او را حاجت روا نمود و به او یحیی را ارزانی داشت و او را مایه اندوه و حزنش قرار داد. مدّت حمل یحیی همچون حسین علیه...السلام شش ماه بود. (۱)

فضیلت بیست و چهارم

خداوند درود خود را بر خُمسه طّیبه همراه با سیبی فرو می فرستد

۳۱. از ابن عتیّاس منقول است که می گفت: در حضور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همراه با علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم...السلام نشسته بودیم، که جبرئیل در حالیکه سیبی به همراه خود داشت از آسمان فرود آمد و آن را به عنوان تحفه به پیامبر تقدیم نمود. پیامبر در ضمن قبول آن، سیب را به علی علیه...السلام پیشکش نمود و علی آن را بوسیده به رسول خدا بازگرداند. پس از آن به حسن و حسین و فاطمه علیها...السلام داده شد و آنان با بوسیدن آن را ردّ کردند. آنگاه برای مرتبه دیگر سیب به دستان علی علیه...السلام رسید. علی علیه...السلام پس از سلام آن را بوسید و به پیامبر خدا بازگرداند. اما همین که خواستند سیب

را به دستان پیامبر خدا بدهند از میان انگشتان به زمین افتاد و به دو نیم شد. ناگاه از درون سیب نوری ساطع گردید و همچنان ادامه داشت تا همه جا را فرا گرفت. در این هنگام مشاهده کردیم که دو سطر بر سیب نگاشته شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم، تحيه من الله تعالى إلى محمد المصطفى، و علي المرتضى، و فاطمه الزهراء، و الحسن و الحسين سبطي رسول الله، و أمان لمحبيهم يوم القيامة من النار.

به نام خداوند بخشنده مهربان، درود خدا بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن و حسین دو فرزند رسول خدا، و امان از آتش در روز جزا برای دوستداران ایشان. (۱)

فضیلت بیست و پنجم

دوستی آل عبا بر مخلوقات عرضه می شود

۳۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

إِنَّ اللهَ لَهُ الْحَمْدُ عَرَضَ حَبِّ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ ذُرِّيَّتَهَا عَلَيَّ الْبَرِيَّةِ، فَمَنْ بَادَرَ مِنْهُمْ بِالْإِجَابَةِ جَعَلَ مِنْهُمْ الرَّسُلَ، وَ مَنْ أَجَابَ بَعْدَ ذَلِكَ جَعَلَ مِنْهُمْ الشَّيْعَةَ، وَ إِنَّ اللهَ جَمَعَهُمْ فِي الْجَنَّةِ. (۲)

خداوندی که سپاس مخصوص در گاه اوست، دوستی علی و فاطمه و فرزندان ایشان را بر مخلوقات عرضه داشت. پس نخستین کسی که آن را اجابت نمود او را از رُسُل قرار داد و کسی که پس از آن ندای خداوندی را لَبَّيْكَ گفت در زمره شیعیان درآمد. به راستی که خداوند آنان را در بهشت در کنار یکدیگر گرد آورد.

۱- . خوارزمی: مقتل الحسين، ص ۹۵.

۲- . کشفی: مناقب المرتضویة، چاپ بمبئی، ص ۹۷. بجهة قلب المصنفی ص ۷۳

فضیلت بیست و ششم

صلوات بر آل عبا

۳۳. از کعب بن عجره نقل شده است که گفت: هنگامی که آیه (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) (۱)

نازل شد رسول خدا را گفتیم: ای رسول خدا! ما چگونه سلام بر تو را می دانیم؛ لیکن بر شما [به صیغه جمع] چگونه درود بفرستیم؟ حضرت در پاسخ فرمودند: بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ...

در روایتی که حاکم نیشابوری آن را متعرض گردیده است آمده: پس ما گفتیم: ای رسول خدا! چگونه بر شما و اهل بیت شما درود فرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ...

همچنین روایت شده است که صلوات را ابتر نفرستید. پرسیده شد: صلوات ابتر چگونه است؟ فرمودند: می گویند: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَوَسَائِلِهِمْ... (۲)

... پرسیده شد: ای رسول خدا! اهل شما کیانند؟ فرمودند: علی و فاطمه و حسن و حسین. (۳)

علامه محقق مولا احمد اردبیلی - مشهور به مقدس اردبیلی - چنین گوید:

بدان، همانا تصنیف کننده کتاب [آیه الله علی الاطلاق، علامه حلی] در کتاب المنتهی فرموده است که: علمای امامیه هم بر وجوب صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام اجماع دارند و آنچه که بر این مطلب دلالت دارد

۱- احزاب، ۳۳: ۵۶.

۲- قندوزی: ینابیع المودّه، ص ۲۹۵.

۳- احقاق الحق، ج ۹، ص ۲۳۷ به نقل از عبدالوهاب شعرانی در کتاب «کشف الغمّه» ج ۱، ص ۱۱۰، چاپ مصر.

روایتی است که اهل سنت از طریق کعب الاحبار نقل کرده اند. کعب الاحبار روایت می کند که از پیامبر کیفیت صلوات بر او را جویا شدند و به حضرتش فرمودند: ما سلام بر شما را می دانیم؛ اما چگونه است صلوات بر شما؟ حضرت فرمودند: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد»، عجیب آن است که اهل سنت «آل محمد» را حذف کرده اند و ترک عمل به روایت نموده اند؛ حتی در آغاز این خبر چنین آمده است: قال صلی الله علیه و سلم. این مطلب را برخی از آقایان که سید حسین سلفی باشد، که رحمت خداوندی شاملشان باد متذکر شده اند.

به علاوه، روایت دیگری بر «آل محمد» پس از صلوات بر محمد دلالت می کند و ظاهراً آنچه که از «آل» اراده می شود ائمه معصومین به نحو مطلب و فاطمه علیها السلام به نحو حقیقی، و نه تغلیبی است و بر این امر وضع کلمه «آل»، چه از نظر لغت و چه از نظر عرف و چه از دید اخبار دلالت دارد. روایاتی که در سبب نزول آیه تطهیر آمده است اختصاصی به علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نداشته و تمامی پیشوایان معصوم را شامل می شود؛ چرا که اهل بیت در عصر ما هم موجودند و حصر در اینجا حصری اضافه می باشد. کما اینکه پیامبر اسلام به برخی از همسرانشان می فرمودند: عاقبت شما به خیر باد و بدین برهان، اصحاب ما این آیه را دلیل بر عصمت ائمه دانسته اند و قائل شدن به قول محقق ثانی و شهید ثانی سزاوار نیست. (۱)

علامه امینی، که رحمت خداوندی شاملش باد، گوید: دیلمی روایت نموده که پیامبر فرمودند: دعا بالا نمی رود مگر آنکه بر محمد و آلش صلوات فرستاده شود، که ابن حجر در کتاب الصواعق المحرقة فی رد علی اهل

۱- اردبیلی: شرح ارشاد الاذهان، ج ۲، ص ۲۷۶ و ۲۷۷. به نقل از کتاب بهجة قلب المصطفی ص ۱۷۵

البدع و الزندقه (ص ۸۸) این حدیث را روایت نموده است. طبرانی در کتاب الاوسط از امیر مؤمنان علیه... السلام نقل نموده است که حضرتش فرمودند: هر دعایی که همراه با صلوات و سلام بر پیامبر و آلش نباشد محجوب است، که هیشمی در مجمع الزوائد (ج ۱۰، ص ۱۶۰) می گوید: رجال سند این حدیث، جملگی ثقه می باشند و بیهقی و ابن عساکر و دیگران از علی علیه... السلام مضمون حدیثی را به نحو مرفوع نقل می کنند که حضرت فرمودند: دعا و نماز میان آسمان و زمین معلق است و بالا نمی رود، تا اینکه صلوات بر محمد و آل محمد فرستاده شود، که این نقل را خفاجی در شرح الشفا (ج ۳، ص ۵۰۶) ذکر کرده است. (۱)

فخر رازی در تفسیر کبیرش چنین گوید: آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم کسانی هستند که امرشان بازگشت به پیامبر دارد و کسانی که بازگشتگاه امرشان به نحو اشد و اکمل پیامبر خدا باشد جز آل پیامبر نمی باشند، و شک و شبهه ای نیست که همانا علی و فاطمه و حسن و حسین شدیدترین تعلقات خود را معطوف رسول خدا نموده بودند، که این مطلب به نقلهای متواتر به اثبات رسیده است، لذا ایجاب می نماید که اینان خاندان پیامبر اسلام باشند. (۲)

و همچنین گوید: اهل بیت پیامبر خدا در پنج امر با حضرتش اشتراک دارند: در سلام، به دلیل السّلام علیک ایها النبی و (سَلَامٌ عَلٰی آلِ یَاسِیْنَ). (۳)

در صلوات، به دلیل صلوات بر محمد و آل محمد در تشهد نماز. در طهارت، به دلیل (طَه)، (۴) یعنی یا طاهر! و (يُطَهَّرْكُمْ تَطْهِيراً). (۵)

۱- . امینی: الغدیر، ج ۲، ص ۳۰۴.

۲- . فخر رازی: تفسیر الکبیر، ج ۲۷، ص ۱۶۶.

۳- . صافآت، ۳۷: ۱۲۰.

۴- . طه، ۲۰: ۱.

۵- . احزاب، ۳۳: ۳۳.

در حرام بودن صدقه به آنان و در محبت و دوستی ایشان، به دلیل (فَاتَّبِعُونِي يَحَبِّبْكُمْ اللَّهُ) (۱)

و (قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى) (۲) و (۳)

ابن حجر گوید: از کعب بن عجره است که: چون آیه (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا) نازل شد، پیامبر خدا را گفتیم: ای رسول خدا ما از چگونگی سلام بر تو آگاهیم؛ لیکن صلوات بر شما را نمی دانیم؟ حضرت فرمود: بگوئید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - تا آخر حدیث. سؤال اینان از پیامبر و پاسخ پیامبر دلیلی آشکار بر این است که مراد آیه همانا بیان نمودن صلوات بر اهل بیت پیامبر و بقیه آل او بوده است. در غیر اینصورت، سؤال از کیفیت صلوات بر پیامبر پس از نزول این آیه مفهومی نمی یابد. پس سؤال آنان و پاسخ پیامبر هر کدام به تنهایی مؤیدی است بر اینکه صلوات بر خاندان عترت مأمور به آیه شریفه بوده است و صلوات بر خاندان می رساند که حضرت ختمی مرتبت آنان را همچون نفس خود دانسته اند؛ زیرا قصد از ادای صلوات چیزی جز مزید در تکریم و تعظیم نمی باشد و همین دید است که حضرت در حالی که اهل بیت خود را در میان عبای خود گرفته عرضه می دارد: خداوند! اینان از من و من از ایشانم، پس صلوات و رحمت و مغفرت و رضوان خود را بر من و آنها قرار ده؛ که خداوند این دعای پیامبرش را به هدف اجابت زده و بر او و خاندانش صلوات فرستاده و از مؤمنین هم خواستار فرستادن صلوات و درود بر پیامبر و خاندانش گردیده است. (۴)

۱- آل عمران، ۳: ۳۱.

۲- شوری، ۲۲: ۴۲.

۳- ابن حجر: الصواعق المحرقة، ص ۱۴۷ [و] حموی: فرائد السمطين، ج ۱، ص ۳۵.

۴- ابن حجر: الصواعق المحرقة، ص ۱۴۶. بهجة قلب المصطفى ص ۷۸

تمه در فضیلت ها

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خلق الله ملكاً تحت العرش فأوحى الله إليه أن طِرْ، فطار ثلاثين ألف سنه، ثم أوحى الله إليه أن طِرْ، فطار ثلاثين ألف سنه أخرى، ثم أوحى الله إليه أن طِرْ، فطار ثلاثين ألف سنه ثلثه، فأوحى إليه: لو طرت حتى ينفخ في الصور كذلك لم تبلغ الى الطرف الثاني من العرش...

خداوند فرشته ای را در زیر عرش آفرید و به او فرمان داد که پرواز کن، وی سی هزار سال پرواز کرد. سپس خداوند به او فرمان داد بار دیگر پرواز کن، وی سی هزار سال دیگر پرواز کرد، مجدداً به او فرمان داد و او هم سی هزار سال دیگر پرواز کرد، خداوند به او وحی کرد که اگر تا هنگام نفخ صور (شروع قیامت) پرواز کنی به طرف دیگر عرش نخواهی رسید.

و از حضرت صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

حملة العرش - و العرش العلم - ثمانية: أربعة منّا، و أربعة ممّا شاء الله.

حاملان عرش (مقصود از عرش، علم است) هشت نفر می باشند چهار تای آنها از مايند و چهار تای دیگر از کسانی که خداوند بخواهد.

در برخی از احادیث این چهار نفر به امیرالمؤمنین و حضرت زهرا و حسنین علیهم السلام تفسیر شده است. (۱)

۲. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: نور حضرت زهرا پیش از آن که زمین و آسمان آفریده شود خلق شده بود، شخصی پرسید: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بنابر این، او انسیه «از جنس انسان» نیست؛ حضرت پاسخ دادند که فاطمه حوریّه ای انسانی است.

۱- . طریحی، مجمع البحرين، ماده ع ر ش.

گفت: ای پیامبر خدا، چگونه او حوریّه ای انسانی است؟ فرمود:

خلقها الله عزّوجلّ من نوره قبل أن يخلق آدم إذ كانت الأرواح، فلما خلق الله عزّوجلّ آدم عرضت على آدم. قيل: يا نبيّ الله، و أين كانت فاطمه؟ قال: كانت في حقّه تحت ساق العرش. قالوا: يا نبيّ الله، فما كان طعامها؟ قال: التسبيح و التهليل و التحميد، فلما خلق الله عزّوجلّ آدم و أخرجني من صلبه أحبّ الله عزّوجلّ أن يخرجها من صلبى جعلها تفّاحه فى الجنّه و أتانى بها جبرئيل عليه...السلام فقال لى:

السلام عليك و رحمه الله و بركاته يا محمّد، قلت: و عليك السلام و رحمه الله حيبى جبرئيل! فقال: يا محمّد، انّ ربّك يقرئك السلام، قلت: منه السلام و اليه يعود السلام. قال: يا محمّد، انّ هذه تفّاحه أهداها الله عزّوجلّ اليك من الجنّه؛ فأخذتها و ضممتها الى صدرى، قال: يا محمّد يقول الله جلّ جلاله: كلّها. فقلقتها فرأيت نوراً ساطعاً ففزعت منه، فقال: يا محمّد، ما لك لا تأكل؟ كلّها و لا تخفف، فانّ ذلك النور المنصوره فى السماء و هى فى الأرض فاطمه. قلت: حيبى جبرئيل! لِمَ سُمّيت فى السماء المنصوره، و فى الأرض فاطمه؟ قال: سُمّيت فى الأرض فاطمه لأنّها فطمت شيعتها من النار، و فطم أعداءها عن حبّها، و هى فى السماء المنصوره، و ذلك قول الله عزّوجلّ: «و يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَن يَشَاءُ» (الروم، ۳ و ۴) يعنى نصر فاطمه لمحبيها.

خداوند عزّوجلّ او را از نور خودش پيش از آن كه آدم را بيافريند و در آن هنگام كه ارواح بودند آفريد، پس از آن كه آدم عليه...السلام را آفريد او را بر آدم عرضه كرد.

گفته شد: ای پیامبر خدا، فاطمه در كجا بود؟ فرمود: در بسته ای زیر ساق عرش.

گفتند: غذايش چه بود؟ فرمود: تسبيح و تهليل و تحميد (سبحان الله، لا اله الا

الله، الحمد لله)، هنگامی که خداوند متعال آدم را آفرید و مرا از صلب او بیرون آورد، خداوند دوست می داشت او را از صلب من خارج سازد، او را در سببی در بهشت قرار داد و جبرئیل آن را برایم آورد و به من گفت: السلام علیک و رحمه الله و برکاته یا محمّد، گفتیم: و علیک السلام و رحمه الله ای دوستم، ای جبرئیل. گفت: ای محمّد، پروردگارت سلام می رساند، گفتیم: سلام از او است و به او برمی گردد. گفت: ای محمّد، این سببی است که خداوند عزوجل از بهشت برای تو فرستاده است، آن را گرفته و به سینه چسبانیدم، گفت: ای محمّد خداوند متعال می فرماید، آن را بخور. آن را شکافتم، نوری از او درخشید، از آن ترسیدم، گفت: ای محمّد، چرا نمی خوری؟ بخور و نترس، نام این نور در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» است، گفتیم: حبیبم، جبرئیل، چرا او را در آسمان «منصوره» و در زمین «فاطمه» نامیده اند؟ گفت: از آن جهت در زمین «فاطمه» نامیده شد که شیعیانش را از آتش جدا می سازد و دشمنانش از محبتش محروم گشته اند و بدان جهت در آسمان «منصوره» است که خداوند متعال فرمود: (يَفْرُحُ الْمُؤْمِنُونَ بِبَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ) (۱).

یعنی یاری کردن فاطمه و دوستانش را. (۲)

۳. حضرت صادق علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

ای محمّد! من، تو و علی را به صورت نور آفریدم، یعنی روح بدون بدن، پیش از آنکه آسمانها و زمین و عرش و دریایم را بیافرینم، آن روح پیوسته مرا تهلیل و تمجید می گفت، بعد آن را به دو نیم تقسیم کردم و آن دو نیم را نیز به دو نیم کردم. چهار تا شد؛ یکی محمّد است، یکی علی است و حسن و حسین دو تای دیگر می شوند. بعد خداوند فاطمه را از نوری که آن را به صورت روح بدون بدن آفریده بود خلق کرد، سپس با دست خود بر ما کشید و نورش را در بین ما پخش نمود. (۳)

۱- . روم، ۳:۳۰ و ۴.

۲- . معانی الاخبار، ص ۳۹۶.

۳- . اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۰.

۴. حضرت صادق علیه...السلام فرمود:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ عَلَّيْنِ وَ خَلَقَ أَرْوَاحَنَا مِنْ فَوْقِ ذَلِكَ، وَ خَلَقَ أَرْوَاحَ شَيْعَتِنَا مِنْ عَلَّيْنِ وَ خَلَقَ أَجْسَادَهُمْ مِنْ دُونَ ذَلِكَ، فَمَنْ أَجَلَ ذَلِكَ الْقَرَابَةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ، وَ قُلُوبَهُمْ تَحَنُّ إِلَيْنَا.

خداوند ما را از علّین خلق کرد و ارواح ما را از چیزی برتر از آن آفرید، و ارواح شیعیان ما را از علّین و اجسادشان را از چیزی پایین تر از آن آفرید. نزدیکی بین ما و آنان به خاطر این است و دل‌های آنان به سوی ما کشش دارد. (۱)

۵. مفضّل گوید: به حضرت صادق علیه...السلام عرض کردم در آن هنگام که شما در عالم «اظله» قرار داشتید، چگونه بودید؟ فرمود: ای مفضّل، ما در پیشگاه پروردگاران در حالی که نزد او غیر از ما هیچ کس نبود در سایبانی سبز رنگ بودیم؛ او را تسبیح و تقدیس و تهلیل و تمجید می کردیم. هیچ فرشته ای مقرب و دارای روح غیر از ما نبود تا این که خداوند تصمیم گرفت اشیا را بیافریند. آن گاه هر آنچه را که خواست، به هر کیفیتی که خواست از فرشتگان و دیگر اشیا آفرید. سپس علم آنها را به ما داد. (۲)

۶. محمّد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه...السلام شنیدم که می فرمود: برای فاطمه جایگاهی است بر باب جهنّم، پس زمانی که قیامت برپا شود میان دو چشم هر فردی نوشته شده است: مؤمن یا کافر. پس محبّی که فراوانی گنااهش او را به سوی آتش می برد، میان دو چشمش می خواند: محبّ. آنگاه حضرت می فرماید: إلهی و سیدی سمّیتی فاطمه، و فطمت بی من تولّانی و تولّی ذرّیتی من التّار، و وعدک الحقّ، و أنت لا تخلف الميعاد: بار الها! مرا فاطمه نام نهادی و باز داشتی دوستان مرا و دوستان فرزندان مرا از آتش دوزخ و هرگز پیمان تو نشکند و در وعده تخلف نکنی.

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۸.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۴۴۱.

فيقول الله عزَّوجلَّ: صدقت يا فاطمه إني سميتك فاطمه، و فطمت بك من أحبك و تولأك و أحب ذريتك و تولاهم من النار، و وعدى الحقَّ و أنا لا أخلف الميعاد، و إنما أمرت بعبدي هذا إلى النار لثفعي فيه، فأشفعك، لتبين لملائكتي و أنبيائي و رسلي و أهل الموقف موقفك مني و مكانتك عندي، فمن قرأت بين عينيه مؤمناً فجدبت بيده و أدخلته الجنة.

پس خداوند عزوجل می گوید: ای فاطمه! راست گفتمی، من تو را فاطمه نام نهادم و از آتش دوزخ باز گرفتم تو را و آنان را که دوستدار تو و دوستدار فرزندان تو اند وعده من حق است و من از وعده ام تخلف نمی کنم و اینکه این بنده گناهکار را فرمان به دخول در نار دادم از بهر آن بود که تو از در شفاعت وارد شوی و من خواهش تو را پذیرا شوم تا فرشتگان و پیامبران و بندگان من که حاضر در صحرای محشرند، مکان و منزلت تو را در نزد من دریابند. از این پس در میان دو چشم هر کس، - کلمه مؤمن را نظاره کردی، بی پرسش دست او را گرفته به بهشت، آن سرای جاویدان رهنمون دار. (۱)

۷. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که: همانا خداوند تعالی زمانی که افریدگان را برمی انگیزد از نخستینان تا به آخرین، منادی از زیر عرش او ندا در می دهد:

يا معشر الخلاق غصوا أبصاركم لتجوز فاطمه بنت محمّد سيّده نساء العالمين على الصراط، فتغض الخلاق كلّهم أبصارهم، فتجوز فاطمه على الصراط، لا- يبقى أحد في القيامة إلّا غصّ بصره عنها إلّا محمّد و عليّ و الحسن و الحسين و الطاهرين من أولادهم، فإنهم أولادها، فإذا دخلت الجنة بقي مرطها ممدوداً على الصراط، طرفه منه بيدها و هي في الجنة، و طرف في عرصات القيامة،

فینادی منادی ربنا: یا ائیهما المحبّون لفاطمه تعلقوا بأهداب مرط فاطمه سیّده نساء العالمین. فلا یبقی محبّ لفاطمه إلّا تعلق بهدبه من أهداب مرطها حتّی یتعلّق بها أكثر من ألف فئام و ألف فئام. قالوا: کم فئام واحد؟ قال: ألف ألف، ینجون بها من النار.

ای گروه آفریدگان، چشم‌ها بر هم نهید تا فاطمه از صراط عبور نماید. پس آفریدگان چشم بر هم می‌گذارند و فاطمه بر صراط عبور می‌کند که در آن حال احدی در صحنه محشر باقی نمی‌ماند مگر آنکه چشم بر هم می‌نهد مگر محمّد، علی، حسن و حسین و اولاد طاهرینشان چون اولاد آنان، اولاد فاطمه هم می‌باشند. پس چون داخل در بهشت می‌گردد عبای پشمینه حضرتش بر روی صراط باقی می‌ماند که یک سمت آن به دست حضرتش است که در بهشت جای دارد و سمت دیگرش در عرصه قیامت می‌باشد، پس منادی پروردگاران ندا می‌دهد: ای دوستداران فاطمه! به این طره از عبا در آویزید که با این فرمان بیش از هزار فئام و هزار فئام به آن می‌آویزند. راوی عرض کرد: «فئام» چه مقدار است؟ حضرت فرمودند: هر «فئام» هزار هزار است. که به وسیله آن حضرت از آتش نجات می‌یابند. (۱)

۸. امام جعفر صادق علیه... السلام می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: زمانی که قیامت برپا شود برای فاطمه علیها... السلام قبه ای از نور نصب می‌گردد، آنگاه حضرت حسین علیه... السلام بیاید و سر مبارک خود را در دست داشته باشد چون چشم فاطمه بر او افتد نعره ای بزند که در محشر ملک مقرب و پیامبر مرسل و بنده مؤمنی نمی‌ماند مگر آنکه همه گریان می‌شوند. (۲)

۹. جابر بن عبدالله انصاری گوید: به حضرت باقر علیه... السلام عرض کردم:

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۶۸.

۲- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۲۱.

ای پسر رسول خدا! فدایت شوم، برای من حدیثی در فضیلت جدّه ات، فاطمه زهرا علیها...السلام بگو تا هنگامی که برای شیعیان بیان می کنم از شنیدن آن مسرور گردند. آنگاه حضرت باقر فرمودند: پدرم و او از جدّم، از رسول خدا نقل می فرمودند که: در روز قیامت برای انبیاء و رسل منبرهائی از نور برپا می شود و منبر من در روز جزا از تمامی منبرها بلندتر است، آنگاه خدای عزّوجلّ می فرماید: خطبه بخوان، پس خطبه ای بخوانم که احدی از انبیاء و رسل مانند آن را نشنیده باشد، سپس برای اوصیا نیز منبرهائی از نور برافراشته می شود و در میان آن منبرها منبری برای وصیّ من علیّ بن ابی طالب نصب می گردد که از همه آن منابر بلندتر است، پس پروردگار به وی فرماید: یا علی! خطبه بخوان، پس خطبه ای می خواند که احدی از اوصیاء آن را نشنیده باشد. سپس برای فرزندان انبیا و رسل منبرهائی از نور نصب می گردد، پس برای دو فرزند و نوه و ریحانه ایام حیاتم، حسن و حسین علیهما...السلام، منبری برپا می شود و به آنان گفته می شود خطبه بخوانید و آن دو خطبه هایی می خوانند که هیچ یک از فرزندان انبیاء و رسل مانند آنها را نشنیده اند.

آنگاه منادی که کسی جز جبریل امین نیست ندا در می دهد: پس فاطمه دختر محمّد کجاست؟ خدیجه بنت خویلد کجاست؟ مریم بنت عمران کجاست؟ آسیه بنت مزاحم کجاست؟ امّ کلثوم مادر یحیی بن زکریّا کجاست؟ پس فاطمه زهرا به پا می خیزد، خدای تبارک و تعالی می فرماید: ای اهل جمع و محشر کرامت و بزرگواری امروز از آن کیست؟

محمّد و علی و حسن و حسین علیهم...السلام عرض می کنند: برای خدای واحد قهار... آن گاه خدای تعالی فرماید: ای اهل جمع و صحرای محشر! من

امروز کرامت و بزرگی را بر محمّد و علی و فاطمه و حسن و حسین قرار دادم. ای اهل جمع و محشر! سرها را پایین افکنده و چشم ها را ببندید، این فاطمه است که به سوی بهشت روان است. آنگاه جبرئیل شتری از شتران بهشت می آورد در حالیکه دو طرفش را دیباج آویزان کرده اند و مهار آن از لؤلؤ تازه و آبدار است، آنگاه پیش پای حضرتش زانو می زند و حضرت صدیقه طاهره علیها... السلام بر آن سوار می شوند و خدای تعالی صد هزار فرشته در طرف راست و صد هزار فرشته در سمت چپ وی می فرستد، و صد هزار فرشته را مأمور می فرماید تا حضرت فاطمه زهرا را بر روی بالهای خود سوار کنند و حمل نمایند تا ایشان را به در بهشت برسانند.

وقتی به در بهشت می رسند حضرتش می ایستد، خدای تعالی می فرماید: ای دخت حبیب من! چرا توقّف کردی؟ و حال آنکه من تو را امر کرده بودم به بهشت من در آئی؟

حضرت صدیقه عرض می کند: پروردگارا! دوست می دارم که ارزش و قدر و قیمت من در مثل چنین روزی شناخته گردد. پروردگار می فرماید: ای دختر حبیب من! باز گرد و بنگر، هر که در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان تو باشد دستش را بگیر و او را داخل بهشت نما.

آنگاه حضرت باقر علیه... السلام فرمود: والله ای جابر! در آن روز، حضرت شیعیان و دوستانش را برمی گزیند و انتخاب می کند همانگونه که پرنده دانه نیکو را از دانه بد جدا می کند. وقتی که شیعیان مخدّره بانوان دو عالم با آن بزرگوار بر در بهشت می آیند خدای تعالی در قلب آنان چنین می افکند که در آنجا بایستند، وقتی می ایستند خدای تعالی فرماید: ای دوستان من! توقّف شما برای چیست و حال آنکه فاطمه دخت حبیب من شفاعت

شما را نموده است؟ پاسخ دهند: پروردگارا! ما دوست داریم که در چنین روزی ارزش و منزلت‌مان شناخته گردد. خدای تعالی فرماید: ای دوستان من باز گردید و ببینید چه کسی شما را دوست می داشت به خاطر آنکه شما فاطمه را دوست می داشتید؟ چه کسی به خاطر دوستی فاطمه به شما غذا داد/ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه لباس پوشاند؟ چه کسی به خاطر دوستی با فاطمه به شما شربت‌ی نوشانید؟ چه کسی به خاطر فاطمه و دوستی فاطمه غیبت غیبت کننده ای را از شما رد کرد، پس دستش را بگیرد و او را وارد بهشت نماید. (۱)

حضرت باقر علیه...السلام فرمود: به خدا سوگند در بین مردم کسی جز شکاک، یا کافر و یا منافق باقی نمی ماند. اینان هنگامی که در طبقات جهنم قرار گرفتند، به بیان الهی فریاد می زنند: (فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ) (۲).

و عرضه می دارند: (فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ) (۳).

حضرت باقر علیه...السلام اضافه فرمود: هیئات، هیئات، از آنچه که می خواهند، ممنوع و باز داشته می شوند، (وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ) (۴) (۵).

۱۰. از ابن عباس روایت شده است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه...السلام شنیدم که می فرمود: روزی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم وارد بر فاطمه زهرا علیها...السلام گردیدند و ایشان را اندوهناک یافتند فرمودند: چرا اندوهگینی؟ پاسخ دادند: پدر جان! به یاد محشر افتادم که همه مردم در آن صحنه عریان ایستاده اند.

۱- بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۱-۵۲.

۲- شعراء ۱۰۱:۲۶-۱۰۰: شافع و حمایت کننده ای برایمان نیست، که اگر می توانستیم بازگشت کنیم از مؤمنان بودیم.

۳- شعراء ۱۰۲:۲۶.

۴- انعام ۶:۲۸: اگر باز گردانیده شوند به آنچه که از آن نهی شده اند، بخواهند گشت، و به درستی که آنان دروغگویانند.

۵- بحارالانوار، ج ۸، ص ۵۱-۵۲.

پیامبر فرمودند: آری، دختر جان، روز قیامت روز بزرگی است ولی جبرئیل از سوی خدای متعال به من خبر داده که نخستین کسی هستم که زمین برایش شکافته شده و در روز قیامت بیرون می آید و بعد از من شوهرت علی بن ابی طالب است. آنگاه خدای تعالی جبرئیل را با هفتاد هزار فرشته به سوی تو گسیل می دارد، در آن هنگام بر قبر تو هفت قبه (=حباب) نور استوار می دارند، سپس اسرافیل به سوی تو می آید در حالیکه سه جامه نور به همراه دارد بر بالای سر تو می ایستد و تو را ندا می دهد: ای فاطمه دخت محمد! برخیز و به سوی محشر بیا.

تو بلند می شوی در حالیکه از ترس قیامت کاملاً در امن و امان هستی و بدنت سراسر پوشیده است و اسرافیل پوشش ها را به تو می دهد و تو بر تن می کنی، سپس روفائیل به سوی تو می آید در حالیکه شتری از نور به همراه اوست که زمام آن شتر از مروارید آبدار است و بر روی آن شتر هودجی است پوشیده از طلا که تو سوار بر آن می شوی و روفائیل زمام آن را در دست می گیرد و پیش روی تو هفتاد هزار فرشته وجود دارند که در دستشان پرچمهای تسیح است. وقتی که حرکت تو سریع می گردد هفتاد هزار ملک به استقبال تو می شتابند و با دیدن تو اظهار مسرت می کنند که در دست هر کدام از آنها مجمره ای از نور است که از آنها بوی خوش عود بدون آنکه آتشی در کار باشد متصاعد است و بر سر آنان افسرهایست از گوهر که به وسیله زبرجد سبز مرصع گردیده اند. و فوراً پس از استقبال از تو در سمت راست تو قرار می گیرند.

پس هنگامی که از قبرت به در می آئی مریم دختر عمران در میان حوریانی مانند حوریانی که با تو هستند به استقبال آمده و بر تو سلام

می کند و در سمت چپ تو با حوریانی که همراه دارد در راه می شود. پس از آن مادرت خدیجه دختر خویلد به استقبال می آید که نخستین از زنان مؤمن بود که به خدا و رسولش ایمان آورد و در رکاب او هفتاد هزار فرشته هستند که در دست هر یک از این فرشتگان پرچم تکبیر است. چون به نزدیکی جمع رسیدی حوا با هفتاد هزار حوریّه که یکی از آنان آسیه دختر مزاحم است به استقبال آمده، آنگاه آن دو و همراهانشان در رکاب تو درمی آیند. هنگامی که به وسط جمع و جمعیت می رسی - و آن همان است که خداوند خلائق را در یک سرزمین واحد گرد آورده و در یک خط به صف ایستاده اند - منادی از تحت عرش ندا درمی دهد که تمامی مخلوقات می شنوند: چشم بر هم نهید و کسی به او نظر نیفکند مگر ابراهیم خلیل الرّحمن و علی بن ابی طالب. آنگاه آدم، حوّا را طلب می کند که او را با مادرت خدیجه می یابد.

سپس منبری از نور برایت نصب می کنند که دارای هفت پله است و میان هر دو پله صفوفی از ملائکه ایستاده اند که پرچم هائی از نور به دست دارند و حورالعین از سمت چپ و سمت راست منبر به صف ایستاده اند نزدیکترین زنان از سمت چپ به تو، حوا و آسیه اند. پس چون بر فراز منبر می روی، جبرئیل به نزدت می آید و می گوید: ای فاطمه! حاجتت را بخواه، پس می گوئی: پروردگار من! حسن و حسین را به من نشان ده، پس آورده می شود به نزدت حسین در حالی که از شاهرگ گردن او خون به بیرون می ریزد و در این حال می گوید: ای پروردگارم! در این روز حَقَم را از آنان که به من ستم نمودند بستان. در این هنگام پروردگار جلیل به خشم می آید و جهنّم و ملائکه همگی به خشم می آیند و آتش دوزخ به

صدا درمی آید. سپس مقداری از آتش، از جهنم خارج شده کشتندگان حسین را در برمی گیرد و بدانها اکتفا نمی کند بلکه فرزندان آنها و فرزندان فرزندان آنها را هم به کام خود می گیرد، در این حال آنان [فرزندان و فرزندان فرزندان قاتلان حضرت حسین] می گویند: ای پروردگار! ما در قتل حسین حاضر نبودیم. خداوند به لیب آتش می گوید: ایشان را از روی سیمایشان بشناسید و بگیرید که چشمانی آبی و صورتی سیاه دارند و پیشانی آنها را گرفته به درک اسفل درافکنید؛ چون ایشان بر دوستداران حسین سختگیرتر بودند از پدرانشان که با حسین جنگیدند و او را کشتند، پس صیحه و فریاد آنان از دوزخ به گوش می رسد.

آنگاه، بار دیگر جبرئیل می گوید: ای فاطمه! حاجت خود را از خدا بخواه، پس تو می گوئی: ای پروردگار! شیعیانم؛ خدا می گوید: پس ایشان را آمرزیدم، پس می گوئی: پروردگار! شیعیان فرزندانم، خدا می گوید: رها کنید هر که را که به او چنگ زده است تا به بهشت در آید. در این هنگام خلاق آرزو می کنند که از زمره فاطمین باشند. سپس سیر داده می شوید تو و همراهانت که از شیعیان تو و شیعیان فرزندان و شیعیان امیرالمؤمنین هستند در حالیکه زیبایی شان محفوظ و عورت‌هایشان پوشیده است و شادند از آنها زدوده شده و موارد برایشان سهل و آسان گردیده است. مردم می ترسند لیکن آنان ترسی به دل ندارند و مردم تشنه اند و آنان سیراب. چون به درب بهشت می رسید دوازده هزار حوریه که احدی قبل و بعد تو آنها را ملاقات ننموده به دیدارت می شتابند که به دستانشان سر نیزه هائی از نور است و آنان بر مرکب های راهواری از نور سوارند که جلالشان از طلای زرد و یاقوت است و بندهایشان از مروارید آبدار است و بر هر مرکب پوستی

از دیبا قرار دارد. پس زمانی که داخل بهشت می گردی اهل بهشت تو را بشارت می دهند و برای شیعیان سفره هائی از گوهر بر ستونهایی از نور گسترانده اند که آنان از درون این سفره ها غذا تناول می کنند در حالی که مردم هنوز در حساب و کتاب قیامتند و ایشان در آنچه نفسشان بدان مایل است جاودانه اند...^(۱)

ملا احمد رحمانی همدانی گوید: اخباری که گذشت دلالت بر مقام و منزلت و مکان حضرت علیها...السلام در نزد خدای تبارک و تعالی دارد. همانا آن حضرت دوستان و شیعیانش را پیدا کرده و از آتش دور می دارد همچنانی که مرغ دانه های خوب را از دانه های نامرغوب جدا می سازد. حال تو را به نکته ای لطیف هدیه می دهم و آن اینکه دوستی حضرتش فی حد ذاته ایمان و حسنه است و دشمنی و بغض او کفر و سیئه می باشد و دوستی سایر ائمه معصومین همچون او می باشد، کما اینکه روایت شده است، همانا دوستی او ایمان و دشمنی اش نفاق است.^(۲)

و در خبری که از حضرت صادق علیه...السلام رسیده است، حضرت در تفسیر «حَيِّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» فرمودند: بهترین اعمال «ولایت» است. و در خبر دیگر از همو آمد: بهترین عمل، نیکی به حضرت زهرا و فرزندانش علیهم...السلام می باشد.^(۳)

سلمان گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند:

يا سلمان من أحب فاطمه ابنتي فهو في الجنة معي، و من أبغضها فهو في النار. يا سلمان حبُّ فاطمه ينفع في مائه من المواطن، أيسر ذلك المواطن الموت و القبر و الميزان و المحشر و الصراط و المحاسبه...

۱- بحار الانوار، ج ۸، ص ۵۳-۵۵.

۲- ابن ابی الحدید: شرح نهج البلاغه، ج ۱۶، ص ۲۸۲.

۳- صدوق (رحمه الله): التوحید، ص ۲۴۱.

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد به همراه من در بهشت است و هر کس کینه او را به دل داشته باشد در آتش است. ای سلمان! دوستی فاطمه در یکصد جایگاه فایده می رساند که ساده ترین آنها: مرگ، قبر، میزان، محشر، صراط و محاسبه و... است. (۱)

و فی حدیث طویل: بسم الله الرحمن الرحيم، تحیه من الله تعالى إلى محمد المصطفى و علی المرتضى و فاطمه الزهراء و الحسن و الحسين سبطی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و أمان لمحبيهم يوم القيامة من النار.

در فرازی از یک حدیث بلند چنین آمده است: به نام خداوند بخشنده مهربان، تحیت و سلام از جانب خداوند متعال بر محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن و حسین دو نواده رسول خدا و امان برای محبین ایشان در روز قیامت از آتش. (۲)

و همچنین امثال این موارد... که بسیار فراوان است. (۳)

منتخب طریحی و حدیث کساء

کتاب دیگری که متن حدیث کساء را نقل و آن را از حضرت فاطمه زهرا علیها... السلام روایت کرده منتخب طریحی است. (۴)

فخرالدین محمد طریحی (۹۷۹ - ۱۰۸۵ هـ.ق) از علمای قرن یازدهم و هم عصر علامه مجلسی و نویسنده کتابهای چندی از جمله مجمع البحرین، تفسیر غریب القرآن و ضوابط الاسماء و الرجال و... است. علامه مجلسی و علامه بحرانی از کتاب منتخب طریحی نقل حدیث کرده اند. (۵)

آیت الله العظمی مرعشی نجفی نیز

۱- . خوارزمی: مقتل الحسين عليه... السلام ص ۵۹ [و]، ينابيع المودّة، ص ۲۶۳.

۲- . خوارزمی: مقتل الحسين عليه... السلام، ص ۹۵.

۳- . رحمانی همدانی، ملا احمد: بهجة قلب المصطفى ص ۹۵

۴- . منتخب طریحی، ص ۲۵۹ (چاپ لبنان).

۵- . برای مثال، مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۳-۲۴۴؛ بحرانی، عوالم العلوم. ج ۱۷، ص ۱۰۱-۱۰۴.

او را بزرگ داشته و چنین ستوده اند: علامه جلیل القدر ثقه و ثبت، فخرالدین محمد علی الطریحی الاسدی النجفی، صاحب مجمع البحرین....(۱)

عروه الوثقی و حدیث کساء

صاحب عروه در مورد اعتبار حدیث کساء می نویسد:

اصل قضیه کساء فی الجملة از معلومات است. چنانکه از اخبار کثیره از آنچه در خصوص آیه تطهیر وارد شده است، مستفاد می شود که از جمله آنها خبر منتخب [طریحی] است اما حدیث کساء به شکل خاصی که طریحی نقل کرده است، در عدد آن اخباری است که بسیاری از آنها قوی است و ارسال آن مضر نیست.(۲)

سفارش آیت الله طیب زاده رحمه الله به خواندن حدیث کساء

آیت الله حاج میرزا محمد طیب زاده رحمه...الله(۳) برای برآورده شدن حاجات، به خواندن حدیث کساء سفارش می کردند. حتی افرادی که با

۱- . مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، ملحقات احقاق الحق، ج ۲، ص ۵۵۷.

۲- . چنانکه ملاحظه می شود، بسیاری از محققان که به نقد این حدیث پرداخته اند، قدیمی ترین مأخذ حدیث شریف کساء را منتخب طریحی می دانسته اند. اما چنانکه پیشتر بیان شد، کتابی از قرن هشتم هجری یافت شده است که قسمتی از این حدیث را در بردارد و هنوز برای تحقیقات بیشتر در این زمینه مجال هست. بر این اساس، می توان گفت: نقدهایی که تنها از این ناحیه بر حدیث کساء وارد شده، علاوه بر پاسخ صاحب عروه، پاسخ مناسب دیگری هم یافته است. حدیث کساء و آثار شگفت، ص ۶۱.

۳- . سید علی موحد ابطحی اصفهانی می نویسد: ایشان از علمای طراز اول اصفهان و صاحب کتابهای علمی بسیار، از جمله کتاب الشمس الطالعه در شرح زیارت جامعه هستند. نگارنده این توفیق را داشته است که با برادر بزرگوار خود، جناب حجت الاسلام و المسلمین حاج سید محمدرضا موحد ابطحی داماد آیت الله العظمی گلپایگانی از محضر درس ایشان بهره مند شود. آیت الله طیب زاده، فرزند حاج میرزا ابوالقاسم گوگردی، استاد طب حضرت آیت الله حاج سید مرتضی موحد ابطحی و بسیاری دیگر از بزرگان اصفهان، بوده اند. حدیث کساء و آثار شگفت، سید علی موحد ابطحی، ص ۷۸.

مشکلی بسیار بزرگ روبه رو می شدند، یا حاجت مهمی پیدا می کردند، نزد ایشان می رفتند و خواهش می کردند که ایشان حدیث کساء را به نیابت از آنان بخوانند. تأثیر حدیث کساء خواندن ایشان در رفع مشکلات و برآورده شدن حاجات، زبانزد مردم اصفهان بود.

نظر آیت الله قزوینی درباره حدیث کساء

آیت الله سید محمد کاظم قزوینی در ارتباط با آثار و برکات حدیث شریف کساء می نویسند:

خواندن حدیث شریف کساء در محافل و مجالس، به منظور طلب خیر و برکت و با هدف به اجابت رسیدن دعاها و نزول مهر و رحمت خدا، همواره در طول قرون و اعصار در میان پیروان مذهب خاندان وحی و رسالت جریان داشته است؛ تا آنجا که جلب رحمت الهی به وسیله خواندن آن در میان شیعه به صورت یک سیره شایسته درآمده و آثار شگفت انگیزی نیز چون شفا یافتن بیماران، برآمدن خواسته ها و رفع سختی ها و ناگواری ها به برکت تلاوت آن، در میان آنان ظاهر شده است. (۱)

جناب محمد جواد یزدی شیبانی نیز در مقدمه کتاب خود می نویسد: چون ذکر حدیث کساء جهت رفع بلیات و قضای حاجات و کسب معنویات و فیوضات از جمله مجربات است و تمام این آثار به برکت واسطه های فیض الهی برای جلسات حدیث کساء وجود دارد، سزاوار است که افراد علاقمند به شرکت در جلسات حدیث کساء، به نحوی در این مجالس شرکت کنند که گویا آن بزرگواران را در جلسه حاضر و ناظر می بینند.

۱- . قزوینی، سید محمد کاظم، فاطمه، از ولادت تا شهادت، ص ۱۴۱.

نظر عارف روشن ضمیر مولوی قندهاری

مرحوم محمد حسن مولوی قندهاری که از عارفان و دل باختگان به ساحت مقدس اهل بیت علیهم...السلام بودند اعتقاد راسخ به حدیث کساء داشتند و شبهای جمعه مجلس وعظ و خطابه داشتند سخنان خویش را با خواندن حدیث کساء شروع می نمودند و به همه شاگردانشان سفارش می کردند: در تنگناهای زندگی روی به حدیث کساء آورند و می فرمودند من خودم آثار شگفتی از مداومت بر خواندن حدیث کساء، دیده ام.

حدیث کساء و برکت کسب

دوستی داشتم که در ابتدای جوانی با مشکلات بسیاری روبرو بود، از جمله بی برکتی در کسب و کار، نداشتن همسر مشکل نظام وظیفه و... مرحوم مولوی قندهاری وی را سفارش به خواندن حدیث کساء نمود بخصوص در محل کسب و کار و فرمودند به پدر و مادرت نیز بگو آنان برای گشایش کارهایت مداومت بر خواندن حدیث کساء کنند، صبح ها که به درس می رفتم این دوست مرا صدا می زد و در مغازه اش در بازار سرشور مشهد مرحوم شیخ جعفر طوسی که از وعاظ و منبربهای معروف مشهد بودند می آمد شب از حفظ حدیث کساء را می خواند و مختصری ذکر مصائب ما می خواند.

چیزی نگذشت که مشکل نظام وظیفه اش حل شد و چنان کسبش برکت یافت که ازدواج نمود و منزل خرید و در بازار سرشور مغازه ای خریداری نمود.

توسل دیگر

در کتاب حدیث شریف کساء به قلم سید جمال الدین استرآبادی می نویسد:

از دیگر طریق توسل به آن حضرت مداومت و تکرار این فراز است که مرحوم سید بن طاووس و دیگران نقل نموده اند که چنین می گوئی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ وَ آيِبَهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنِيهَا وَ سِرِّ الْمُسْتَدْعِ فِيهَا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ لَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ.

پروردگارا! من تو را می خوانم به حق فاطمه و پدرش و همسرش و فرزندانش و رازی که در او امانت نهاده ای، اینکه درود بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه آنچه تو اهل آنی با من عمل کنی و به جا آوری و به جا نیاوری با من آنچه را که من اهل آنم. (۱)

و همچنین مرحوم آیه الله مرعشی نجفی در وصیت نامه شان توصیه فرموده اند بر قرائت و مداوت این دعا در قنوت نمازهای یومیه.

حضور امام عصر علیه السلام در مجلس حدیث شریف کساء

جناب آقای حاج شیخ علی فلسفی می فرماید: در کتابی که به نام کتاب دعا می باشد و خطی است به خط خودم در صفحه ۱۷۱ آن کتاب حدود سیصد مدرک از بزرگان شیعه و سنی برای صحت سند حدیث کساء بیان کرده ام و در آخر دلایل متذکر گشته ام که حجه الاسلام حاج شیخ محمد جواد یزدی خراسانی در کتاب «شعشعه الحسين عليه... السلام» صفحه اول نگارش

فرموده که در بعضی از کتب روایت گردیده که در هر مجلسی ذکر این حدیث شریف کساء بشود «حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف» در آن مجلس حاضر می گردد و سزاوار است که مؤدب و با وضو و رو به قبله مستمعین بنشینند به نوعی که مجلسی بود می نشستند به حال مؤدب و ساکت و توجه کامل در موقع خواندن حدیث شریف کساء.

همچنین از آیهالله سید علی قاضی رحمه...الله استاد عرفان و اخلاق حوزه نجف اشرف نقل شده که ایشان به حدیث شریف کساء بسیار معتقد بود و دیگران را با رعایت ادب خاص سفارش به خواندن آن می نمود و می فرمود: در جلسات حدیث کساء چوب عود آتش بزنید.

شفای نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی

آقای سید احمد ...، نواده مرحوم سید ابراهیم میلانی، در تبریز به بیماری سختی دچار می شود. دختر یکی از مراجع تقلید، پدر خود را در خواب می بیند که به او می گویند: سید احمد مریض است؛ فردا شب (سوم جمادی الاخری)، شب شهادت فاطمه زهرا علیها...السلام است و حدیث کساء از آن حضرت است. فردا شب در اتاق مخصوص من گرد هم آیید و برای شفای او حدیث کساء بخوانید. فردا شب اهل خانه بنا بر سخن پدر، در اتاق مخصوص ایشان گرد هم آمدند و حدیث کساء خواندند و آقا سید احمد از برکت توسل به حضرت زهرا علیها...السلام و خواندن حدیث کساء بهبود یافت. (۱)

۱- . موحد ابطحی، میر سید حجت، کرامات و عنایات گسترده فاطمه زهرا علیها...السلام، ص ۲۷۷.

شفای جوان مسیحی مبتلا به سرطان خون

از طرف مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد شیرازی رحمه...الله حسینه ای در ایالت واشنگتن آمریکا به نام حسینه «الرسول الاعظم صلی الله علیه و آله و سلم» تأسیس شده است. دهه فاطمیه در این حسینه مراسم عزاداری برای حضرت زهرا علیها...السلام برپا و در شبهای جمعه، مراسم دعا و توسل و قرائت حدیث شریف کساء برقرار است. یکی از روحانیان بزرگوار که از سوی بیت آیت الله العظمی شیرازی در آن مرکز بزرگ دینی انجام وظیفه می کند، نقل کرده است: روزی در یکی از خیابانهای واشنگتن، پشت چراغ قرمز، منتظر آزاد شدن راه بودم. در این هنگام یک خانم بی حجاب، با گریه شدید، به طرف اتومبیل من آمد و گفت: حاج آقا! شما ایرانی هستید؟ گفتم: بله. گفت: التماس دعا دارم؛ من یک جوان نوزده ساله دارم که به سرطان خون مبتلا و در بیمارستان بستری است، حالش هم بسیار بد است. در جواب آن خانم گفتم: شب جمعه به حسینه رسول اعظم بیایید و در مجلس حدیث کساء شرکت کنید تا به برکت توسل به حضرت زهرا علیها...السلام مشکل شما مرتفع شود. آن خانم شب جمعه به حسینه آمد و دعا کرد. از قندهایی که برای تبرک در جلسه حدیث کساء به حاضران داده می شد و قدری شله زرد نذری به آن خانم دادم و گفتم: از اینها قدری به جوان سرطانی خود بدهید. وی در جواب من گفت: پسر من نمی تواند چیزی بخورد. از او خواستم که حتی اگر شده یک ذره از این شله زرد را در دهان او بگذارد.

دو روز بعد دیدم که آن خانم گریه کنان به حسینه آمد. اول خیال کردم که جوانش فوت کرده؛ خواستم به او تسلیت بگویم، ولی او هنگامی که

نزدیک شد رو به من کرد و پس از سلام گفت: حاج آقا! وقتی مقداری از آن شله زرد را در دهان جوام گذاشتم، فوراً چشمش را باز کرد و حالش خوب شد. پس از آن پزشکان بیمارستان برای بررسی حال او جلسه مشورتی تشکیل دادند و در نهایت اظهار داشتند که حضرت مسیح علیه...السلام او را شفا داده است؛ ولی من به آنها گفتم که به یقین، او شفایافته امام حسین علیه...السلام، حضرت زهرا علیها...السلام و حدیث کساء است.

آن خانم در نوبتهای بعد با حجاب اسلامی در جلسه حدیث کساء شرکت می کرد و جریان زندگی خود و شفا یافتن فرزندش را برای حاضران تعریف می کرد و می گفت: من مسیحی بودم؛ بیست سال قبل به هنگام حاملگی در ایران حضور داشتم، شوهرم را از دست دادم و پس از آن به آمریکا آمدم. در ایران، تبلیغات هیچ یک از علمای بزرگ نتوانست مرا مسلمان کند؛ ولی امروز به برکت امام حسین علیه...السلام و حضرت زهرا علیها...السلام و حدیث کساء مسلمان شده ام. وی مرتب بر این جمله تأکید می کرد که حدیث کساء و حضرت زهرا علیها...السلام مرا به سوی اسلام هدایت کرده است.

شفای دختر هیجده ساله

یکی از دلباختگان حضرت زهرا علیها...السلام که خود ذریه آن بزرگوار است و در راه اهل بیت علیهم...السلام و حضرت بقیهالله - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - توفیقاتی دارد، چنین نقل کرده است: در سال ۱۳۷۰ شمسی به مدت دو ماه، در مدینه منوره، در خدمت زائران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها...السلام بودم. در یکی از شبها به هنگام ورود زائران جدید، صدای ناله جان سوز بانویی را شنیدم که مرتب می گفت: «مادر! دخترم را به من برگردان».

صبح روز بعد، هنگام خوردن صبحانه باز همان صدا و با همان حالت شنیده شد. از یکی از زائران سؤال کردم که این خانم کیست؟ و چرا این طور ناله می کند؟ او در پاسخ به من گفت: او دختر هیجده ساله ای دارد که مبتلا به سرطان شده و دکترها جواب ردّ به او داده اند و گفته اند که دخترش بیش از پنج روز دیگر زنده نمی ماند. با وجود این وضعیت، وی مردد بوده که چه کند، آیا از سفر مکه و مدینه منصرف شود یا... ولی در نهایت تصمیم می گیرد که به قصد شفای دخترش عازم زیارت شود. در هنگامی که می خواسته حرکت کند، به کنار بستر دخترش می رود. آن دختر که توان سخن گفتن نداشته، چادر مادرش را می گیرد و با ریختن اشک به او می فهماند با این حالی که من دارم کجا می روی؟ مادر به دختر خود، که آخرین روزهای عمرش را سپری می کرد می گوید: برای شفای تو به زیارت مادرم حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام می روم. حال که آن زن به مدینه رسیده و منظره قبرستان بقیع را دیده با یک چشم برای غربت و مظلومیت مادرش حضرت زهرا علیها...السلام گریه می کند و با چشم دیگر برای دخترش که با آن حال، با او خداحافظی کرده است، اشک می ریزد.

شب جمعه فرا رسید. همگی برای خواندن دعای کمیل به کنار حرم باصفای بقیع مشرف شدیم. آن زن، روضه خوان جلسه بود و با ناله های جان سوز خود، همه را منقلب می کرد. پس از پایان دعا، نزد او رفتم و او را دلداری دادم و گفتم: شما سر سفره کرم حضرت زهرا علیها...السلام آمده اید و ان شاءالله دخترتان خوب خواهد شد و... .

ده روز از آن تاریخ گذشت. شب، هنگام شام خوردن، مسئول هتل مرا صدا زد و گفت که از ایران تلفن دارید. گوشی را برداشتم. همان خانمی بود

که چند روز قبل در مدینه آن همه ناله می کرد. آن خانم به من گفت: امشب به زیارت بقیع برو و از مادرمان حضرت زهرا علیها... السلام تشکر و سپاسگزاری کن، زیرا ایشان دخترم را شفا دادند.

گفتم قضیه چیست؟ گفت: در مراجعت از مکه، وقتی به فرودگاه رسیدم، دخترم را دیدم که به استقبال من آمده است و در یک دست، دسته گلی و در دست دیگر، عکسها و برگه های آزمایشهای پزشکی را گرفته بود و می گفت: مادر کجا رفتی؟ و چه کردی؟... برگه های آزمایش را نگاه کن، هیچ اثری از سرطان در وجود من نیست. از او پرسیدم چه اتفاقی افتاد؟ او در پاسخ گفت: شبی در عالم خواب دیدم عده ای زن سیاه پوش وارد اطاقم شدند. بانویی از آن جمع با محبت با من سخن گفتند و با دست مبارکشان بر روی بدنم کشیدند و به من بشارت دادند و فرمودند: من از خداوند متعال شفایت را درخواست نمودم و او اجابت فرموده است. هنگامی که بیدار شدم، احساس کردم شفا یافته ام و هم اکنون در حالت سلامت کامل به سر می برم. (۱)

مرقومه حضرت آیهالله سید شهاب الدین نجفی مرعشی رحمه الله

بسم الله الرحمن الرحيم

حدیث کساء معروف را با عبارات مشهوره جماعتی ذکر نموده اند، از جمله شیخ بزرگوار دیلمی صاحب ارشاد القلوب در کتاب «درر و غرر» خود و ایضاً شیخ بزرگوار شیخ فخرالدین طریحی نجفی اسدی صاحب کتاب «مجمع البحرین» در کتاب منتخب خود که مشهور است به «بیاض

۱- . موحد ابطحی، میر سید حجت، کرامات و عنایت فاطمه زهراء و نهضت فاطمیه، ص ۲۸۵-۲۸۷.

فخره» ذکر فرموده اند و ایضاً شیخ جلیل و محدث بنیل شیخ عبدالله بن نورالله البحرانی که از اجلاء تلامیذ علامه مجلسی و از معاونین ایشان در جمع «بحارالانوار» بوده، ایشان در حاشیه کتاب شریف «عوامل العلوم و الانوار» که قریب یکصد مجلد است این حدیث را به تمام ذکر فرموده اند با سند متصل از خود تا بی بی دو عالم شفیعۀ روز جزاء حضرت صدیقۀ طاهره علیها... السلام و ما حدیث را از روی نسخهٔ عوامل نقل می نمایم...

سند حدیث شریف کساء

قبل از ذکر حدیث شریف کساء جهت سند این حدیث شریف عرض می کنم: جناب مستطاب آقای سید علی موحد ابطحی تحقیقات پرارزشی پیرامون سند این حدیث شریف نموده اند که هر گونه شک و شبهه ای را پیرامون سند این حدیث شریف دفع می کند لذا ما جهت قدردانی از زحمات این محقق والا مقام عین تحقیقاتشان را جهت استفاده عموم مؤمنین ذکر می کنیم:

تاکنون در تحقیقات انجام شده درباره سند حدیث شریف کساء، چند سند به دست آمده که در ذیل بدان اشاره می شود:

قدیمی ترین کتابی که تاکنون به دست آمده و دربردارنده بخشی از حدیث شریف کساء به شکل فعلی است، کتاب غُرر الاخبار و دُرر الآثار دیلمی است که محیی الدین غریفی، در کتاب خود حدیث کساء را به نقل از آن آورده و گفته که این نسخه را در کتابخانه شیرمحمد همدانی دیده است.

گفتنی است مؤسسه تحقیقاتی «مکتبه العلامه المجلسی» نسخه

خطی این کتاب را یافته و در دست تحقیق دارد و به زودی به طبع خواهد رساند. اختلافات میان این متن و متن حدیث کساء که منتخب طریحی آن را نقل کرده و حدیث کساء کنونی که از آن اخذ شده است، نشان دهنده وجود طرق مختلف برای حدیث کساء است.

کتاب دیگری که تاریخ کتابت آن سال ۱۰۳۳ ه ق است، در بردارنده متن و ترجمه حدیث شریف کساء است. نسخه خطی این کتاب در کتابخانه آیةالله العظمی مرعشی نجفی به شماره ۸۹۵۴ موجود و از آن نگهداری می شود.

کتاب دیگری که متن حدیث کساء را نقل و آن را از حضرت فاطمه زهرا علیها...السلام روایت کرده منتخب طریحی است. فخرالدین محمد طریحی (۹۷۹ - ۱۰۸۵ ه ق) از علمای قرن یازدهم و هم عصر علامه مجلسی و نویسنده کتابهای چندی از جمله مجمع البحرین، تفسیر غریب القرآن و ضوابط الاسماء و الرجال و... است علامه مجلسی و علامه بحرانی از کتاب منتخب طریحی نقل حدیث کرده اند. آیةالله العظمی مرعشی نجفی نیز او را بزرگ داشته و چنین ستوده اند: علامه جلیل القدر ثقه و ثبت، فخرالدین محمدعلی الطریحی الاسدی النجفی، صاحب مجمع البحرین...

یکی دیگر از سندهای حدیث کساء مربوط به علامه شیخ عبدالله بحرانی صاحب کتاب عوالم العلوم است. ایشان در حاشیه کتاب عوالم (نسخه میرزا سلیمان یزد) سند حدیث شریف کساء را چنین نقل کرده است:

رأيت بخط الشيخ الجليل السيد هاشم، عن شيخه السيد ماجد البحراني عن الحسن بن زين الدين الشهيد الثائي، عن شيخه المقدس الاردبيلي، عن شيخه علي بن عبدالعالي الكركي، عن الشيخ علي بن هلال الجزائري،

عن الشيخ احمد بن فهد الحلّي، عن الشيخ عليّ بن الخازن الحائري، عن الشيخ ضياء الدين علي بن الشهيد الأوّل عن ابيه، عن فخرالمحققين، عن شيخه العلامة الحلّي، عن شيخه المحقق عن شيخه ابن نما الحلّي، عن شيخه محمد بن ادريس الحلّي عن ابن حمزه الطوسي صاحب ثاقب المناقب عن الشيخ الجليل محمد بن شهر آشوب عن الطبرسي صاحب الاحتجاج عن شيخه الجليل الحسن بن محمد بن الحسن الطوسي، عن ابيه، شيخ الطائفه، عن شيخه المفيد، عن شيخه ابن قولويه القمي عن شيخه الكليني عن علي بن ابراهيم عن هاشم، عن ابيه، عن احمد بن محمد بن ابى نصر البزنطي عن قاسم بن يحيى الجلاء الكوفي، عن ابى بصير، عن ابان بن تغلب البكري، عن جابر بن يزيد الجعفي عن جابر بن عبدالله الانصاري عن فاطمه الزهراء عليها...السلام بنت رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم.

در این سند، بزرگانی همچون سید هاشم بحرانی (صاحب تفسیر برهان)، شیخ حسن بن زید (شهید ثانی)، مقدّس اردبیلی، شیخ عبدالعالی کرکی، علامه حلّی و شیخ طوسی (صاحب دو کتاب از کتابهای چهارگانه شیعه یعنی الاستبصار و تهذیب الاحکام)، شیخ مفید، ابن قولویه و شیخ کلینی (صاحب یکی از کتب اربعه شیعه یعنی الکافی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیعی درباره آن فرموده اند: الکافی کافٍ لشیعتنا) قرار دارند و سند به جابر بن عبدالله انصاری ختم می شود که او نیز این حدیث شریف را از حضرت فاطمه علیها...السلام نقل می کند.

هر چند این سند از حیث علمی جای بررسی دارد و حضرت آیهالله حاج سیدمحمدباقر موحد ابطحی تحقیقات مفصلی در این ارتباط انجام داده اند، اما به هر روی این سند مورد توجه برخی علما و بزرگان بوده

است. برای مثال آیةالله العظمیٰ مرعشی نجفی در اهمّیت این سند بارها می فرمودند: «خدا عنایت بفرماید، حدیث کساء را در عوالم طبع شده زیارت کنیم».

کتاب دیگری که در آن از حدیث شریف کساء به شکل کنونی آن یاد شده، نهج الحجه فی فضائل الائمه، نوشته علی نقی احسائی، از علمای قرن دوازدهم هجری است. وی به هنگام نقل این حدیث می نویسد: «و روی حدیث الکساء من طرقنا مبسوطاً مشتملاً علی فضل شیعه آل محمد» و این بیان نشان دهنده آن است که راه های سندی متعددی برای این حدیث وجود داشته است؛ به خصوص با توجه به اینکه عبارتهای آن با عبارت حدیث کساء ترجمه شده و عبارت نسخه «عوالم العلوم» تفاوتی دارد.

تعدد منابع موجود در قرن دوازدهم نشان می دهد که حدیث شریف کساء در آن زمان، حدیثی شناخته شده بوده است.

آیةالله العظمیٰ حاج سید صادق شیرازی نیز حدیث کساء را به این طریق از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کنند:

عن والدی، عن الشیخ عباس القمی، عن المیرزا حسین النوری، عن الشیخ مرتضیٰ الانصاری، عن المولیٰ احمد النراقی، عن السید بحر العلوم، عن الوحید البهبهانی، عن ابیه الشیخ محمد اکمل، عن المولیٰ محمدباقر المجلسی، عن ابیه المولیٰ محمد تقی المجلسی، عن الشیخ البهائی، عن ابیه الشیخ حسین عبدالصمد، عن الشهید الثانی، عن احمد بن محمد بن خاتون، عن الشیخ عبدالعالی الکرکی، عن علی بن هلال الجزائری، عن الشیخ علی بن خازن الحائری، عن احمد بن فهد الحلّی، عن ضیاءالدین

علی بن الشہید الاول، عن ابيه محمد بن مکی العاملی، عن فخرالمحققین عن ابيه العلامة الحلی، عن خاله المحقق الحلی، عن ابن نما، عن محمد بن ادريس الحلی، عن ابن حمزه الطوسی، عن محمد بن شهر آشوب، عن الطبرسی صاحب الاحتجاج، عن الحسن بن محمد بن الحسن الطوسی، عن ابيه شیخ الطائفه عن الشيخ المفید، عن لاشیخ الصدوق، عن ابيه عن علی بن ابراهیم (حیلوله) و عن ابن قولویه، عن الشيخ الكلینی، عن علی بن ابراهیم، عن ابيه ابراهیم بن هاشم،

عن احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، عن القاسم بن یحیی الحذاء الکوفی، عن ابی بصیر، عن ابان بن تغلب، عن جابر بن یزید الجعفی، عن جابر بن عبداللہ انصاری رضوان اللہ تعالیٰ علیہم جمیعاً عن سیدتنا و مولاتنا الصدیقه الکبریٰ فاطمه الزهراء علیہا السلام بنت رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ أنها قالت دخل علیّ ابی رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ فی بعض الايام، الی آخر الحدیث الشریف.

سپس می افزاید: از دیگر کتابهایی که حدیث کساء در آنها نقل شده است، می توان به رساله آیهاللہ بافقی رحمه...اللہ، کتاب ملحقات احقاق الحق، اثر حضرت آیهاللہ العظمیٰ مرعشی نجفی رحمه...اللہ، کتاب آیه التطہیر فی احادیث الفریقین، اثر نگارنده، کتاب من فقه الزهراء علیہا...السلام، اثر آیهاللہ العظمیٰ سیدمحمد شیرازی رحمه...اللہ و کتاب حسین علوی دمشقی(۱)... اشاره کرد که این امر نشان از اعتبار این حدیث نزد نویسندگان آن کتابها دارد.(۲)

۱- آیهاللہ العظمیٰ سید محمد شیرازی در سند حدیث کساء از این شخص یاد کره ولی نام کتاب او را ذکر نکرده اند.

۲- کتاب حدیث کساء و آثار شگفت، سید علی موحد ابطحی، ص ۲۹ - ۳۵.

بسندٍ صحيحٍ عن جابر بن عبد الله الانصارى عن فاطمة الزهراء عليها السلام بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قال سمعت فاطمة أنها قالت دخل عليّ أبى رسول الله فى بعض الأيام فقال السلام عليك يا فاطمة فقلت عليك السلام قال إنى أجد فى بدنى ضعفاً فقلت له أعيذك بالله يا ابتاه من الضعف فقال يا فاطمة ايتينى بالكساء اليمانى فعطينى به فأتيتهُ بالكساء اليمانى فعطيتهُ به وصرت أنظر إليه وإذا وجهه يتلألؤ كأنه اليدى فى ليله تمامه وكمالهِ فما كانت إلا ساعه وإذا بولدِى الحسن قد أقبل وقال السلام عليك يا أمّاه فقلت وعليك السلام يا قره عيني وثمره فؤدى فقال يا أمّاه إنى أشم عندك رائحة طيبه كأنها رائحة جدي رسول الله فقلت نعم إن جدك تحت الكساء فأقبل الحسن نحو الكساء وقال السلام عليك يا جداه يا

رَسُولَ اللَّهِ أَتَاذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا صَاحِبَ حَوْضِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُ
تَحْتَ الْكِسَاءِ فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلِدِي الْحُسَيْنِ قَدْ أَقْبَلَ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَاهُ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا قُرَّةَ
عَيْنِي وَثَمْرَةَ فُؤَادِي فَقَالَ لِي يَا أُمَاهُ إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ حَيْدِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتُ نَعَمْ إِنَّ
جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَدَنَى الْحُسَيْنُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَاهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ اخْتَارَهُ اللَّهُ أَتَاذُنُ لِي أَنْ
أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَيَا شَافِعَ أُمَّتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَأَقْبَلَ عِنْدَ
ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا أَبَا ابَا الْحَسَنِ وَيَا أَمِيرَ

الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ يَا فَاطِمَةُ إِنِّي أَشْمُ عِنْدَكَ رَائِحَةً طَيِّبَةً كَأَنَّهَا رَائِحَةُ أَخِي وَابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ نَعَمْ هَا هُوَ مَعَ وَلَمَدَيْكَ تَحْتَ
 الْكِسَاءِ فَاقْبَلْ عَلَيَّ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ لَهُ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا
 أَخِي يَا وَصِيَّيْ وَخَلِيفَتِي وَصَاحِبِ لِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ الْكِسَاءِ ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَاهُ
 يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ قَالَ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي وَيَا بَضْعَتِي قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ
 فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ أَخَذَ أَبِي رَسُولُ اللَّهِ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي
 وَخَاصَّتِي وَحَامَّتِي لِحُمِهِمْ لِحُمِي وَدَمِهِمْ دَمِي يُؤْلَمُنِي مَا يُؤْلَمُهُمْ وَيَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَهُمْ وَسَلِّمْ

لَمِنَ سَالِمِهِمْ وَعِيدُو لَمِنَ عَادَاهُمْ وَمُحِبُّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُمْ فَاجْعَلْ صِلَوَاتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَعُفْرَانِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيَّ وَعَلَيْهِمْ وَأَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَا مَلَأْنِيكَ وَيَا سَيِّدَانَ سَمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءَ مَبْنِيَّةً وَلَا أَرْضاً مَدْحِيَّةً وَلَا قَمَراً مُنِيراً وَلَا شَمْساً مُضِيئَةً وَلَا فَلَكَاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً يَجْرِي وَلَا فُلْكَاً يَسِيرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةِ هَؤُلَاءِ الْخَمْسَةِ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعِيدُ الرِّسَالَةِ هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا فَقَالَ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ أَتَأْذَنُ لِي أَنْ أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ لِأَكُونَ مَعَهُمْ سَادِساً فَقَالَ اللَّهُ نَعَمْ قَدْ أَذِنْتُ لَكَ فَهَبَطَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ وَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يُقْرُئُكَ السَّلَامَ وَيَخُصُّكَ بِالتَّحِيَّةِ وَالْإِكْرَامِ

وَيَقُولُ لَكَ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سِمْاءَ مَبِيئَةٍ وَلَا أَرْضاً مِدْحِيَّةً وَلَا قَمراً مُنيراً وَلَا شَمْساً مُضِيئَةً وَلَا فَلَكَاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً
يَجْرِي وَلَا فَلَكَاً يَسِيرِي إِلَّا لَأَجْلِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَقَدْ أَدِنَ لِي أَنْ أَدْخَلَ مَعَكُمْ فَهَلْ تَأْذَنُ لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ وَعَلَيْكَ
السَّلَامُ يَا أَمِينَ وَحِيَّ اللَّهُ إِنَّهُ نَعَمَ قَدْ أَدِنْتُ لَكَ فَدَخَلَ جِبْرَائِيلُ مَعَنَا تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ لِأَبِي إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْحَى إِلَيْكُمْ يَقُولُ إِنَّمَا يُرِيدُ
اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً فَقَالَ عَلِيُّ لِأَبِي يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنِي مَا لِيْجُلُوسِنَا هَذَا تَحْتَ الْكِسَاءِ مِنْ
الْفَضْلِ عِنْدَ اللَّهِ فَقَالَ النَّبِيُّ وَالَّذِي بَعَنَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً وَاصِطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيّاً مَا ذَكَرَ خَبَرْنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ
وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا إِلَّا وَنَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَاسْتَعْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا

وَاللَّهِ فُرْنَا وَفَارَ شَيْعَتُنَا وَرَبَّ الْكَعْبَةِ فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا وَاصِيًا طَفَانِي بِالرَّسَالَةِ نَجِيًّا مَا ذَكَرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَفِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَمُحِبِّينَا وَفِيهِمْ مَهْمُومٌ إِلَّا وَفَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ وَلَا مَعْمُومٌ إِلَّا وَكَشَفَ اللَّهُ غَمَّهُ وَلَا طَالِبٌ حَاجَهُ إِلَّا وَقَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ فَقَالَ عَلِيُّ إِذَا وَاللَّهِ فُرْنَا وَسُعِدْنَا وَكَذَلِكَ شَيْعَتُنَا فَازُوا وَسُعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَبَّ الْكَعْبَةِ.

از فاطمه زهرا علیها...السلام دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، جابر گوید شنیدم از فاطمه زهرا علیها...السلام که فرمود: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در بعضی از روزها و فرمود: سلام بر تو ای فاطمه در پاسخش گفتم: بر تو باد سلام فرمود: من در بدنم سستی و ضعفی درک می کنم گفتم: پناه می دهم تو را به خدا ای پدرجان از سستی و ضعف فرمود: ای فاطمه بیاور برایم کساء یمانی را و مرا بدان بپوشان من کساء یمانی را برایش آوردم و او را بدان پوشاندم و هم چنان بدو می نگریستم و در آن حال چهره اش می درخشید همانند ماه شب چهارده پس ساعتی نگذشت که دیدم فرزندم حسن وارد شد و گفت سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای نور دیده ام و میوه دلم گفتم: مادر جان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم گویا بوی جدم رسول خدا است گفتم: آری همانا جد تو در زیر کساء است پس حسن

بطرف کساء رفت و گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار ای رسول خدا آیا به من اذن می دهی که وارد شوم با تو در زیر کساء؟ فرمود: بر تو باد سلام ای فرزندانم و ای صاحب حوض من اذنت دادم پس حسن با آن جناب بزییر کساء رفت ساعتی نگذشت که فرزندانم حسین وارد شد و گفت: سلام بر تو ای مادر گفتم: بر تو باد سلام ای فرزندان من و ای نور دیده ام و میوه دلم فرمود: مادر جان من در نزد تو بوی خوشی استشمام می کنم گویا بوی جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است گفتم آری همانا جد تو و برادرت در زیر کساء هستند حسین نزدیک کساء رفته گفت: سلام بر تو ای جد بزرگوار، سلام بر تو ای کسی که خدا او را برگزید آیا به من اذن می دهی که داخل شوم با شما در زیر کساء فرمود: و بر تو باد سلام ای فرزندانم و ای شفاعت کننده امم به تو اذن دادم پس او نیز با آن دو در زیر کساء وارد شد در این هنگام ابوالحسن علی بن ابیطالب وارد شد و فرمود سلام بر تو ای دختر رسول خدا گفتم: و بر تو باد سلام ای ابا الحسن و ای امیر مؤنان فرمود: ای فاطمه من بوی خوشی نزد تو استشمام می کنم گویا بوی برادرم و پسر عمویم رسول خدا است؟ گفتم: آری این او است که با دو فرزندت در زیر کساء هستند پس علی نیز بطرف کساء رفت و گفت سلام بر تو ای رسول خدا آیا اذن می دهی که من نیز با شما در زیر کساء باشم رسول خدا به او فرمود: و بر تو باد سلام ای برادر من و ای وصی و خلیفه و پرچمدار من به تو اذن دادم پس علی نیز وارد در زیر کساء شد، در این هنگام من نیز بطرف کساء رفتم و عرض کردم سلام بر تو ای پدرجان ای رسول خدا آیا به من هم اذن می دهی که با شما در زیر کساء باشم؟ فرمود: و بر تو باد سلام ای دخترم و ای پاره تنم به تو هم اذن دادم، پس من نیز به زیر کساء رفتم، و چون همگی در زیر کساء جمع شدیم پدرم رسول خدا دو طرف کساء را گرفت

و با دست راست بسوی آسمان اشاره کرد و فرمود: خدایا اینانند خاندان من و خواص و نزدیکانم گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است می آزارد مرا هرچه ایشان را بیازارد و به اندوه می اندازد مرا هرچه ایشان را به اندوه در آورد من در جنگم با هر که با ایشان بجنگد و در صلحم با هر که با ایشان در صلح است و دشمنم با هر کس که با ایشان دشمنی کند و دوستم با هر کس که ایشان را دوست دارد اینان از منند و من از ایشانم پس بفرست دروهای خود و برکتهايت و مهرت و آمرزشت و خوشنودیت را بر من و بر ایشان و دور کن از ایشان پلیدی را و پاکیزه شان کن بخوبی پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمانهایم برآستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر بخاطر دوستی این پنج تن اینان که در زیر کسایند پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا کیانند در زیر کساء؟ خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و معدن رسالتند: آنان، فاطمه است و پدرش و شوهر و دو فرزندش جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می دهی که به زمین فرود آیم تا ششمین آنها باشم خدا فرمود: آری به تو اذن دادم پس جبرئیل امین به زمین آمد و گفت: سلام بر تو ای رسول خدا، (پروردگارا) علیّ اعلیّ سلامت می رساند و تو را به تحیت و اکرام مخصوص داشته و می فرماید: به عزت و جلالم سوگند که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر برای خاطر شما و محبت و دوستی شما و به من نیز اذن داده است که با شما در زیر کساء باشم پس آیا تو هم ای رسول خدا اذنم می دهی؟ رسول خدا فرمود و بر تو باد سلام ای

امین وحی خدا آری به تو هم اذن دادم پس جبرئیل با ما وارد در زیر کساء شد و به پدرم گفت: همانا خداوند بسوی شما وحی کرده و می فرماید: «حقیقت این است که خدا می خواهد پلیدی (و ناپاکی) را از شما خاندان ببرد و پاکیزه کند شما را پاکیزگی کامل» علی علیه...السلام به پدرم گفت: ای رسول خدا به من بگو این جلوس (و نشستن) ما در زیر کساء چه فضیلتی (و چه شرافتی) نزد خدا دارد؟ پیغمبر فرمود: سوگند بدان خدائی که مرا به حق به پیامبری برانگیخت و به رسالت و نجات دادن (خلق) برگزید که ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلی از محافل مردم زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند جز آنکه نازل شود بر ایشان رحمت (حق) و فرا گیرند ایشان را فرشتگان و برای آنها آمرزش خواهند تا آنگاه که از دور هم پراکنده شوند، علی فرمود: با این ترتیب به خدا سوگند ما رستگار شدیم و سوگند به پروردگار کعبه که شیعیان ما نیز رستگار شدند، دوباره پیغمبر فرمود: ای علی سوگند بدانکه مرا بحق به نبوت برانگیخت و به رسالت و نجات دادن (خلق) برگزید ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلی از محافل مردم زمین که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند و در میان آنها اندوهناکی باشد جز آنکه خدا اندوهش را برطرف کند و نه غمناکی جز آنکه خدا غمش را بگشاید و نه حاجت خواهی باشد جز آنکه خدا حاجتش را برآورد، علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند ما کامیاب و سعادتمند شدیم و هم چنین شیعیان ما کامیاب و سعادتمند شدند در دنیا و آخرت به پروردگار کعبه سوگند.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

